فصلنامهٔ رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران - اسلام آباد

بمناسبت بیستمین سالگرد تأسیس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

قابل توجه نویسندگان و خوانندگان دانش

- مجله سه ماهه «دانش» مشتمل بر مقالاتی پیرامون زبان و ادب فارسی و اشتراکات تاریخی و فرهنگی ایران و شبه قاره می باشد.
- بخشی از مجله به مقالات فارسی و بخش دیگر به مقالات اردو اختصاص می یابد.
- مقالات ارسالی جهت «دانش» نباید قبلاً منتشر شده باشد.
- به نویسندگانی که مقاله آنها جهت درج در «دانش» انتخاب می شود، حق التحریر مناسب پرداخت می شود.
- مقاله ها باید تایپ شده باشد. پاورقی ها و توضیحات و فهرست منابع در پایان مقاله نوشته شود.
- «دانش» کتابهای را در زمینه های زبان و ادب فارسی و فرهنگ اسلامی و ایرانشناسی معرفی می کند. جهت معرفی کتاب دو نسخه از آن به دفتر «دانش» ارسال شود.
- آراء و نظرهای مندرج در مقاله‌ها، نقدها و نامه‌ها ضرورتاً مبین رای و نظر مسئول رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران نیست.
- هر گونه پیشنهاد و راهنمایی خود را به آدرس زیر ارسال فرمایید.

مدیر مسئول دانش
رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران
خانه ۲۵ ـ کوچه ۲۷ ـ اف ۶/۲ ـ اسلام آباد ـ پاکستان
تلفن ۸۱۲۹۱۰ ـ [illegible]

۲۶

تابستان – ۱۳۷۰

فصلنـامهٔ رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ اسلام آباد

مدیر مسئول

رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران

مدیر مجله

دکتر سید سبط حسن رضوی

مشاور افتخاری

دکتر سیّد علی رضا نقوی

بمناسبت بیستمین سالگرد تأسیس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

دانش شماره ۲۶

بخش اردو

بخش انگلیسی

*****

سخن دانش

شماره ۲۶ دانش زمانی منتشر می شود که مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در آستانهٔ بیستمین سالگرد تأسیس خود قرار گرفته است. بدین مناسبت ما این شماره از دانش را ویژه نامهٔ مرکز تحقیقات فارسی قرار داده ایم، مرکزی که بابیست سال کارنامهٔ درخشان و کوشش مداوم مسئولان امر و دانش پژوهان، بدون سرو صدا در محدودهٔ اساسنامه ایکه بین دولتین ایران و پاکستان(در تاریخ ۱ـ۸ـ۱۳۵۰) امضاء شده است برای تحقق اهداف متعالی خود پیش می رود.

نخستین بخش مرکز که به فعالیت پرداخت کتابخانهٔ گنج بخش بود که در شهریور ماه ۱۳۴۹ خورشیدی، یعنی قریب یک سال پیش از زمان تأسیس رسمی آن افتتاح شد. اینک این کتابخانه دارای آثار ذیقیمتی از متون مهم و کتب مرجع است که برای مطالعه و تحقیق در رشتهٔ فارسی و تاریخ و اسلام در ایران و پاکستان به کار می آید. نیاز به توضیح نیست که زبان شیرین فارسی یکی از زبانهای عمدهٔ جهان است که گذشته از مزایای بی شمار ادبی و هنری، بالاختصاص در منطقه شبه قاره راهگشای

گسترش اسلام بوده است پیوند این زبان کهنسال با گویشهای محلی این مرز و بوم زبان تازه ای را به وجود آورده است که آنرا اردو می نامند و به عبارت دیگر دختر رشید فارسی خطابش می کنند. مرور مختصری در زبان اردو نشان می دهد که بیش از شصت در صد واژه های مجرد و ترکیبی آن از زبان فارسی اخذ شده است.

فهرست نویسی و کتابشناسی، کارنامهٔ دیگر مرکز است که تا به حال قریب سی مجلد آن چاپ شده است. به اهتمام مرکز صدها نسخهٔ خطی نادر الوجود و منحصر به فرد در اقصای بلادِ پاکستان معرفی شده است این خود کوششی است تا اهل تحقیق از ذخایر عظیم علمی موجود در منطقه آگاهی بیابند.

سومین بخش از کارنامهٔ مرکز، چاپ و انتشار کتابهای تحقیقی است که فی الحال شمار آنها به ۱۲۴ بالغ شده است. فهرست جامع انتشارات مزبور در همین ویژه نامه آمده است.

چهارمین نوع از فعالیت های مرکز، برگزاری جلسات شب شعر و بزرگداشت شاعران و نویسندگان فارسی زبان ایرانی و پاکستانی است که وسیله ارتباط با محققان و سخن سرایان محسوب می شود و به بیان دیگر موجب تشویق و دلگرمی و ادامهٔ کار آنان.

بانگاهی دقیقتر به اساسنامهٔ تنظیمی مرکز که می توان گفت دستورالعمل فعالیتها و خدمات ارزشمندی است که از سوی دو دولت ایران و پاکستان برای متصدیان امر تدوین شده، باید اعتراف کرد که ضرورت پاسداری از مواریث عظیم گذشتگان، حفظ و حمایت از دستاورد های هزاران ساله ارتباطات تاریخی، فرهنگی، علمی، هنری و ادبی میان دوملت

سرفراز مسلمان، مسئولیتی خطیر به شمار می آید و آیندهٔ مناسبات حسنه و دوستانه و برادرانه هر دو جامعه را نیز پشتیبانی می کند. جمعیت فارسی زبان پاکستان، هم امروز نیز در بخشهای مختلف کشور از میلیونها تجاوز می کند و اگر بخواهیم فارسی دانان و فارسی دوستان همهٔ مناطق این سرزمین پهناور و پرجمعیت و با فرهنگ را نیز بدان اضافه کنیم، خود رقمی حساب نامدنی را شامل می گردد. بدین ملاحظات، تقویت هرچه بیشتر مرکز چه از نظر اعتبارات مالی و چه از باب به کار گماشتن پژوهشگران و دانشمندان علاقه مند وجدی، خود نهمتی استوار و به همه حیث ستودنی است. باید انتظار داشت که هر دو دولت معظم ایران و پاکستان توجهات فوق العاده به خدمات کنونی و آتی مرکز معطوف دارند و در هر حد که می توان، تسهیلات مکانی و امکانات مادی و معنوی متعددی تدارک بینند. این نکته کمال اهمیت را داراست که مرکز، همچنان که اولیای محترم امور پاکستان، به موقع پذیرفته و متعهد شده اند، جای مناسب و فضای وسیع فعالیتی خود را داشته باشد تا ساختمانهای مربوط به کتابخانه و مخزن کتب و تأسیسات مرتبط با محیط علمی آرامبخش و مستعد فعالیت را عمارت کند و برای جذب و جلب دوستداران زبان و ادب فارسی و هم ارائه خدمات مفید به آنان، ابزار های کافی تری فراهم سازد. از سوی دیگر نیز امید فراوان داریم که بزرگواران دولت جمهوری اسلامی ایران، همان گونه که تاکنون به تقویت علمی و معنوی مرکز تحقیقات توجه بایسته داشته اند، عنایات عالیه خود را همچنان مستدام نگاه دارند و با امعان نظر در وظائف انتشاراتی و تحقیقاتی مرکز، پشتیبانیهای همه جانبه را کماکان ملحوظ فرمایند.

مدیریت مجله دانش بدین وسیله آرزوهای صمیمانه خود را برای دوام توفیقات مسؤولان علمی و اداری مرکز تحقیقات فارسی اعلام می کند و امید بر آن دارد که انشاءالله هر روز، گام های بلند تر و مفیدتری در زمینهٔ تحقق اهداف شایسته این سازمان برجسته فرهنگی و علمی برداشته شود.

مدیر دانش

شمارهٔ ۲۶

شهریور ۱۳۷۰ ش

ربیع الاوّل ۱۴۱۲ هـ

سپتامبر ۱۹۹۱ م

دکتر قاسم صافی

آشنایی با مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در گفت و گو با چندتن از مسؤولان

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان بر اساس مقاوله نامهٔ مورخ اول آبان ماه ۱۳۵۰ میان دو دولت ایران و پاکستان تأسیس شده و وظایف مشخص و صریح آن حفظ و اشاعهٔ زبان فارسی که میراث مشترك دو ملت مزبور است و نیز به طور طبیعی حمایت از فارسی زبانان و فارسی گویان منطقه یاد شده است. با این که در خلال قریب بیست سال کار و فعالیت مداوم آن فتور چندانی در امور و وظایف مرکز مشهود نبوده و به شهادت سوابق، جای چشمگیری نیز در صحنهٔ اقدامات مفید فرهنگی داشته است، با این همه می توان گفت که در مطبوعات فارسی کمتر یادی از آن شده و از خدمات ارجمند آن که حد اقل تهیه و گرد آوری کتابخانه ای کم مانند است با قریب پانزده هزار نسخهٔ نفیس خطی و نزدیك به دو برابر آن کتب چاپی معتبر که برخی از آنها گاه اهمیتی بیش از نسخ خطی دارد و نیز چاپ و نشر حدود یکصد و بیست متن و فهرست جامع و منطقه ای که در کمال خمول و

سکوت به طبع رسیده و زینت بخش کتابخانه های مهم جهان شده، به ندرت ذکری به میان آمده است. بدین لحاظ، نزدیك شدن بیستمین سال تأسیس مرکز برای این جانب که خود یك روزگار فرصت محدودی برای خد متگزاری بدان داشته ام فرصتی فراهم آورد که باتنی چند از مسؤولان سابق ولاحق گفتگویی ترتیب دهم و سر دلبران را هم با خوشتر نگاهی از زبان آنان بشنوم.

ما برای تأمین هدفی که منظور بوده است از آقایان دکتر کمال حاج سید جوادی رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد، دکتر احمد تمیم داری مدیر سابق مرکز، دکتر محمد حسین تسبیحی کتابدار مرکز، علی پیرنیا مدرس مؤسسه ملی زبانهای نوین، دکتر سید سبط حسن رضوی استاد دانشگاه و استاد احمد منزوی فهرست نگار با سابقه دعوت کرده ایم که هر کدام لطفاً با اجمالی که سزاوار چنین جلسه ای است، مطالب خود را درمیان گذارند و از آنجا که سوابق زندگانی آقای منزوی برای بسیاری از خوانندگان این سطور ناشناخته است و به اعتباری دیگر، ایشان معمرترین فرد این نشست نیز محسوب می شوند، لذا خواهش می کنم که در آغاز به اختصار، خود را معرفی فرمایند و به دنبال آن از نحوهٔ ارتباطشان با مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان سخن بگویند:

***

- در ۱۳۰٤خ، در شهر سامره (عراق) چشم به جهان گشودم. مادرم مریم بیگم دختر سید احمد دماوندی و پدرم حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نگارنده «الذریعه» هستند، که شناخته تر از آنند که این نا چیز درباره ایشان سخنی بگویم. سال ورودم را به مکتبخانه، که در یکی از مسجد های

اهل سنت در سامره برپا بود به یاد ندارم. ادبیات فارسی را در همان سامره نزد عمویم مشهدی ابراهیم آغاز کردم. شاید درحدود ۱۳۱۲خ/۱۹۳۳م، همراه پدرم که قصد چاپ کتاب خود «الذریعه» را داشتند، با خانواده به نجف منتقل شدیم، کلاس ششم ابتدایی را در دبستان علوی ایرانیان در نجف گذراندم. و به دروس سطح طلبگی پرداختم. از این رشته به علت بی لیاقتی چیزی جزلباسش بهره ام نشد. در ۱۳۲۲خ به تهران آمدم و کلاس دوازده ادبی را جزو داوطلبان گذراندم. در ۱۳۲۷خ از دانشکده معقول و منقول (الهیات) در رشته معقول لیسانس گرفتم.

* می دانیم تخصص شما و فعالیت عمدهٔ شما در فهرست نویسی و کتابشناسی است. خوب است بفرمایید که کار خود را از کی و کجا آغاز کردید و استادان شما در این رشته چه کسانی بودند، که یادخیری نیز از پیش کسوتان شده باشد.

- گرانبها ترین آموزشم در نجف از حضورم در کنار پدر بدست آمده. ایشان پاکنویس مسودات «ذریعه» را که در آن هنگام صرفاً محدود به رو نویسی بود به این نا چیز وا گذاشتند. کم کم مرا در غلط گیری کتاب شرکت دادند. و بدینگونه راهم به کتابشناسی و فهرستنکاری گشوده گشت. سپس در تهران از استادان دیگری چون برادر بزرگم دکتر علینقی منزوی بهره بردم. ولی نخستین استادم پدر بزرگوارم بود، که کارهایم را تا واپسین روزهای زندگیشان مطالعه می کردند و تذکر می دادند. پس می بینید آموزشم در این رشته تجربی و شیوه کارم «دیمی» است. و طبعاً این شیوه همیشه همراه با کاستیهاست.

* بفرمایید چگونه شد که شما به اسلام آباد و مرکز تحقیقات فارسی راه یافتید.

– در پاییز ۱۳۵۵خ به اندیشه جهانگردی، باکوله پشتی و دوربین فیلمبرداری و آپاراتی کوچك از راه زمینی، از زاهدان و کویته به گردش شهر به شهر پاکستان و افغانستان پرداخته بودم، و می خواستم به هند بروم. در جشن چهار شنبه سوری آن سال که در خانه فرهنگ ایران در راولپندی برپا بود با آقای دکتر علی اکبر جعفری مدیر وقت مرکز تحقیقات دیدار تازه گشت. نمی توان درباره مرکز تحقیقات سخن گفت و از آقای علی اکبر جعفری نخستین مدیر این مرکز و خدماتشان در بنیاد گذاری مرکز و مدیریت جامع آن سخن نگفت. یادش بخیر و عمرش دراز باد. ایشان پیشنهاد تدوین فهرست مشترکی از همه نسخه های شناخته شده فارسی در پاکستان را به این نا چیز دادند، گیرایی این پیشنهاد چنان بود که از سفر به هندوستان و جهانگردی چشم پوشیدم. و همان شب چمدان و ساك را از هتل به ساختمان مرکز منتقل کردم. و از آن هنگام تاکنون در اطاقی از اطاقهای کتابخانه مرکز جای گزیده ام و با کتابخانه از کویی به کوی دیگر جا بجا می شوم.

* می دانیم که جنابعالی یکی از پرکار ترین فهرستنگاران ایران هستید و شمار کارهای چاپ شده شما در این زمینه به چهل و پنج مجلد می رسد.از شما می خواهم نظر خود تان را دربارهٔ چندکار مورد توجه بیان کنید.

– نخستین کارم در این زمینه، ویرایش و چاپ «مصفی المقال» درباره مؤلفان شیعی علم رجال نگارش پدر بزرگوارم بود، که در تهران به

سال ۱۱۳۵خ چاپ شده است. من بکارهایم مانند فرزندانم می نگرم، همه آنها را دوست می دارم. ولی متأسفانه از همان روز نخست چاپ هر بخش از کتاب، چشم به کمبودها و غلطهای آنها می افتد، و هرچه می گذرد به غلطها و نارسایی های بیشتر کارم پی می برم. اما درمیان کارهایم آنکه بیشتر بدان دلبسته بودم و می خواستم بهتر از آب در آید ۶-۷ مجلد «فهرست نسخه های خطی فارسی» تهران ۱۳۴۷-۱۳۵۳خ و ۱۲ خ قراردارد اینها نیز کاری نیست که خواسته ام، کارهایی است که توانسته ام. کمبودها و غلطها در همین «نور چشمی» های من نیز بسیار است و همیشه مرارنج می دهد، و گاهی که خوابهای آشفته خود را بررسی می کنم، در می یابم که کابـوس هـمین سر خورد گیهاست.

■ بفرمایید عمده فعالیت شما در طی این سالها در مرکز تحقیقات چه بوده است.

- این نا چیز در بخش کتابشناسی مرکز تحقیقات همراه با گروهی کار می کنم. و تا کنون سه طرح را پیگیری کرده ایم.

یکم «فهرست مشترک» است که پیش از این یاد کرده ام. فهرستی از نسخه های خطی فارسی نگاهداری شده در کتابخانه های دولتی و شخصی پاکستان است. شمار نسخه های بررسی شده، پیرامون شصت و پنج هزار است، که تاکنون یازده مجلد آن در پیرامون ۸۳۰۰ صفحه منتشر شده و مجلد دوازدهم نیز بایستی تا نوروز آینده (۱۳۷۰) منتشر شود.

کار دوم «فهرست مشترک از کتابهای چاپ سنگی و کمیاب در پاکستان» است ویژگی آن در این است که نشانی کتابخانه ای که نسخه را

دارد و شماره قفسه آن نیز داده شده، که هر گاه پژوهنده ای در دنبال آن است بدان دسترسی یابد. تاکنون پیرامون پنجاه و پنج هزار کتاب از این دست را شناسایی کرده ایم.

سومین طرح ما «فهرستواره کتابهای فارسی» است. این فهرست از بیش از پانصد مجلد کتابنامه و فهرست و دیگر منابع کتابشناسی بیرون کشیده شده است، و شمار برگه های بیرون کشیده به بیش از سیصد و پنجاه هزار برگه رسیده است. درباره این سه طرح در مقالتی جداگانه که به مناسبت بیستمین سالگرد نوشته ام به تفصیل سخن رفته است. اینجا برخود فرض می دانم به دو نکته اشاره کنم: یکی اینکه این کارها بگونه گروهی انجام گرفته که نام شریف همکارانم را در پیشگفتار های مجلدات پیشگفته برده ام. دوم اینکه بدون سرمایه گذاری مرکز تحقیقات و بدون فراهم بودن کتابخانه بزرگی در کنار گوشم بنام کتابخانه گنج بخش، این طرحها عملی نبود.

❋ شما در این ۱۵ سال خدمت، از اولین مدیر مرکز تحقیقات تا آخرین ایشان را همراهی کرده اید. لطفاً درباره آن بزرگواران مخصوصاً کسانی که اینجا حضور ندارند، یاد خیری هم بفرمایید. و به جاست اگر خاطره یا خاطراتی دارید، ذکر فرمایید.

– درست است، از آقای دکتر جعفری یاد کردم، بازهم یاد می کنم. او مدیر بود، وظیفه خود را می دانست. به مرکز تحقیقات واهدافش عشق می ورزید. فرمان نمی داد. او مشاور ما بود؛ چه محیط امن و گرمی با کارمندان و چه پیوندی با استادان و محققان پاکستانی داشت. آقای علی پیر نیا که پس از دکتر جعفری مدتی سرپرستی مرکز تحقیقات را به عهده

داشتند، حاضرند و خود خاطراتشان را می فرمایند. سپس نوبت به آقای دکتر سید مهدی غروی رسید. ایشان نیز بر رونق مرکز تحقیقات افزودند. مرد با تجربه ای بود، هیچ تصمیمی را بدون مشورت با کارمندان ارشد انجام نمی داد. ایشان زنده اند و در تهران هستند. چه شبها که به نیمه رسیده بود و او با ظرف حلوا و شله زرد ایرانی و یا آب میوه به دیدارم به کتابخانه می آمد. خدا عمرش را دراز بدارد. پس از ایشان نوبت به خودتان آقای دکتر صافی رسید، که حاضرید و خوبست خودتان خاطرات خود را از مرکز تحقیقات بیان بفرمایید:

* جناب عالی که بودید و می دانید وضع چگونه بوده است. مناسب است توضیح وضع آن روز مرکز را خودتان بیان فرمایید.

– به چشم. انقلاب شده بود، همه مسؤولان به تهران برگشته بودند. برای صرفه جویی، ساختمان مرکز تحقیقات را تخلیه کرده بودند و کتابها به خانه فرهنگ راولپندی منتقل شده بود. همه کارمندان جز صابر علی عکاس مرخص شده بودند. این ناچیز مانده بود و امبار کتابها. امبار دار بودم و اندیکاتور نویس. نامه ای نمی رسید تاثبت شود و نیاز به پاسخ باشد. مراجعه کننده ای نیز نداشتیم که نیاز به کتابدار باشد. من نیز مدتها بودجیره و مواجبی نداشتم. در پس همه نابسامانیها، این دورهٔ کوتاه فترت، فرصت مناسبی بود برای پاکنویس «فهرست مشترک» و پی گذاری «فهرستواره». در این شرایط و احوال بود که آقای دکتر قاسم صافی فرا رسیدند. و من به کلی از کارهای اداری، که کاری نبود آزاد شدم و ایشان به سروسامان دادن به رایزنی و خانه فرهنگ و مرکز تحقیقات پرداختند. چرخها

به گردش در آمد. رفت و آمد مردم آغازگشت، مکاتباتی باوزارت متبوع در احیایٔ استقلال مرکز تحقیقات از رایزنی و خانه فرهنگ مبادله گشت. جلد چهارم فهرست گنج بخش و فهرست کتابخانه موزه کراچی به چاپخانه سپرده شدند، و چند کتابچه دیگر نیز منتشر شد. به اتفاق ایشان جلد یکم «فهرست مشترك» را برای چاپ به لاهور برده بودیم، که استاد اکبر ثبوت به اسلام آباد رسیدند.

بارسیدن استاد مرکز تحقیقات دوره دوم حیات خود را آغاز کرد. در دوره مدیریت ایشان مرکز تحقیقات به ساختمان مستقل خود در اسلام آباد منتقل شد، و از نو سازمان یافت، تحقیقات جان تازه ای یافت، خرید کتاب از کتابهای چاپی و خطی به سرعت از سرگرفته شد. شمار کتابهای خطی و چاپی خریداری شده هر یك به نود در صد فزونی یافت. شمار انتشارات مرکز تحقیقات در بیست سال به ۱۲۰ رسیده است، از این شمار تعداد ٦٤ مجلد (بیش از نیمی) آن در دوره ایشان انتشار یافته است که از نظر این ناچیز دوره طلایی مرکز تحقیقات بود. یاد او و دیگر خدمتگزاران مرکز بخیریاد.

***

* خوبست رشتهٔ سخن را آقای پیرنیا که یکی از مدیران مرکز تحقیقات فارسی در این دوران بیست ساله بودند، پی گیرند و تاریخ ورود به خدمتشان در اسلام آباد و خدماتی را که برای مرکز تحقیقات انجام داده اند شرح بدهند.

- اوایل سال ۱۳۵۵ بود که از جانب وزارت فرهنگ و هنر مامور خدمت در مرکز تحقیقات شدم. تقریباً سه ماه را در خانه دکتر جعفری مدیر مرکز مهمان بودم. آن روزها رسم چنین بود. بعدهم که خانواده ام را به اسلام

آباد آوردم باز مدتی را باهم بسر بردیم، تا اینکه ایشان به تهران منتقل شدند. باید بگویم که دکتر جعفری مردی کاردان و مطلع بود و سازمانی منظم و جا افتاده را تحویل بنده داد. به اتفاق او به شهرهای مختلف پاکستان سفر کردیم و او کوشش داشت در مجالسی که به بهانه های مختلف تشکیل می شد مرابا بزرگان، دانشمندان و محققان پاکستانی آشنایی بدهد و هم ریزه کاریهای وظایفم را در گسترش مرکز تحقیقات و پیشرفت تحقیقات زبان و ادبیات فارسی به من بیاموزد. در اسلام آباد هم در محفلهای گوناگونی که در سالن مرکز تحقیقات، هتلها و یا در خانه خود ترتیب می داد، همواره جمعی از مقامات دولتی و یا علمی پاکستان حضور داشتند. او توانسته بود دوستانی را گرد مرکز تحقیقات فراهم آورد و از همراهیهای آنان در جهت برنامه های فرهنگی سود ببرد.

بنده هم در حد توانایی به همان شیوه ادامه دادم و کوشش کردم به دنبال تلاشهای او قدمی بردارم. البته عنوان مدیر را نداشتم، بلکه سرپرستی مرکز را عهده دار بودم تا زمانی که مدیری انتخاب و اعزام شود. فکر می کنم اواخر سال ۱۳۵۵ بود که استاد منزوی هم از گرد راه رسیدند خودشان که حضور دارند و بهتر به خاطر می آورند و از آن تاریخ مرکز تحقیقات دست از دامان ایشان بر نداشت و بخش نسخه شناسی و فهرست نگاری نسخه های خطی پایه گذاری شد. در آن مدت توانستم کتابهای زیر را به چاپ برسانم:

شرح احوال و آثار میرزا اسد الله خان غالب، تألیف محمد علی فرجاد. کشف الابیات اقبال لاهوری، دکتر محمد ریاض، دکتر محمد صدیق

شبلی. اقبال لاهوری و دیگر شعرای پارسی گوی، دکتر محمد ریاض. پیوندهای فرهنگی ایران و پاکستان (انگلیسی مجموعه ۲۶ مقاله) به اهتمام بشیر احمد دار. علامه محمد اقبال، ترجمه سید مرتضی موسوی. الاوراد، بهاءالدین زکریا ملتانی. کشف المحجوب. علی هجویری، (چاپ شده بر اساس نسخهٔ کتابخانهٔ شادروان مهدی قلی خان هدایت.)

بطور دقیق یادم نیست، اما فکر می کنم در نیمه دوم سال ۱۳۵۶، آقای دکتر مهدی غروی به عنوان مدیر مرکز تحقیقات برگزیده شد و به اسلام آباد آمد. کارها باهمان شیوه اولیه ادامه یافت و بنده مدتی با ایشان همکاری داشتم و در فرصتهایی که پیش بینی شده بود در بخش فارسی مؤسسه ملی زبانهای نوین درس می دادم. البته در آن روزها، رایزن فرهنگی، مدیر مرکز، آقای منزوی و آقای عنایت الله مجد سمیعی، هر کدام چند ساعتی داوطلبانه، و دو تن از افسران ارتش ایران بطور مأمور تمام وقت در بخش فارسی مؤسسه زبانها درس می دادند. اوایل سال ۱۳۵۸ هم به تهران احضار شدم.

✹ آقای پیرنیا می دانیم دو دوره در مرکز تحقیقات خدمت کرده اید. در دوره اول که بدان اشاره کردید و دوره دوم که از سال ۱۳۶۵ است و شما برای تدریس در مؤسسه ملی زبانهای نوین بکار پرداخته اید. لطفاً این دوره را هم به اختصار گزارش فرمایید و نیز به کیفیت روابط مرکز تحقیقات بامؤسسه زبانهای نوین در دوره خدمات خود اشاره فرمایید.

– درست است، در سال ۱۳۶۵ مدیر مرکز تحقیقات از بنده دعوت به همکاری کرد و بنده هم با خشنودی پذیرفتم که در کار گسترش زبان و

ادبیات فارسی کوششهایی بکنم. از آن سال تاکنون در بخش فارسی مؤسسه ملی زبانهای نوین به طور تمام وقت به کار مشغولم. البته چون قبلاً صحبت از نوشتن مقاله ای در این زمینه بود، تفصیل این قضایا را در آن مقاله آورده ام که امید وارم در ویژه نامه دانش چاپ برسد.

* آیا به نظر شما برنامه ریزی و کوششهای انجام شده برای محافظت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در پاکستان کافی و مفید بوده است؟

- بنده اطلاعی از برنامه ریزیها ندارم و نمی دانم که چه طرحهایی درین باره ریخته اند و چه می خواهند بکنند. اما آنچه به چشم می خورد متاسفانه نوعی بی اعتنایی و بی هدفی است. فکر می کنم در حال حاضر اول باید این قضیه روشن شود که آیا لزومی دارد زبان فارسی در این منطقه حفظ شود و گسترش یابد تا در صورت مثبت بودن جواب برای آن برنامه ریزی و سرمایه گذاری شود؟ شاید برای کسانی هنوز این مسئله باقی است که چرا بعضی ها اینهمه سنگ زبان و ادبیات فارسی را به سینه می زنند، چه میخواهند؟ نخست بایستی روشن شود که آیا باید به این امرهم عنایتی بشود یا می توان به حال خود رهایش کرد. آنطور که احساس می شود در همین مرحله اول اختلاف نظر است. بنده چند سال در کنار تدریس در موسسه زبانها، در خانه فرهنگ راولپندی هم درس فارسی داده ام. آنچه اینجا عرض می کنم، برداشت و تجربه عملی این نا چیز است. بنده کاری به علل و اسباب و طرح و برنامه ریزیها ندارم، بلکه از دیدگاه یك معلم و یك ایرانی علاقه مند، آینده زبان و ادبیات فارسی در این سرزمین را نا امید کننده می بینم. بسیار روشن است که در اثر غفلت ما، سالهای پی در پی است که زبان

فارسی جایگاه خود را در دانشگاهها و مدرسه ها از دست می دهد. و ما اکنون در این زمینه با رقابت فشرده و سختی از سوی دیگران روبرو هستیم.

***

* حالاخویست آقای دکتر تسبیحی خاطرات خود را از شروع به کار در مرکز تحقیقات بیان فرمایند و بگویند مرکز تحقیقات چگونه به وجود آمد، و در چگونه ساختمانی و در کجا بنیاد گذارده شد و چگونه رشد یافت و نیز نخستین کتاب یا کتابهایی که خریدند را نام برند.

- کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در شهریور ماه ۱۳۴۹هـ ش تأسیس گشته است. مؤسس آن آقای دکتر علی اکبر جعفری مدیر مرکز تحقیقات بود و کتابدارآن بنده بودم. این کتابخانه به مناسبت بزرگداشت مقام حضرت ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی معروف به داتا گنج بخش «کتابخانه گنج بخش» نامیده شده است.

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، نخست در خیابان راشد منهاس (کچهری رود) در محله صدر (نزدیك خانه استاندار پنجاب) در خانه ای به شماره ۱۸٤/۳ واقع بود و خانه مدیر و کتابدار نیز همانجا بود نخستین تابلو کتابخانه و مرکز «فرهنگستان فارسی» بود که در جلوی در ورودی نصب شده بود و چند ماه بعد این تابلوبه «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» تبدیل گردید.

نخستین دوره کتابهایی که وارد کتابخانه گنج بخش شد و در قفسه های چوبی آن قرار گرفت در حدود دو صد جلد از انتشارات دانشگاه تهران بود. این کتابها به وسیلهٔ رایزنی فرهنگی ایران که آن روز ها در

راولپنڈی در محله ستلایت تاؤن بود، ارسال شده بود. دیگر کتابهایی که بعداً به تدریج وارد کتابخانه شد از کتاب فروشی ها و کتاب خانه هایی بود که انتشارات داشتند و از طریق انجمن های ادبی اردو و انجمن ادبی سند و انجمن ادبی پشتو وغیره و مرکز تحقیقات پاکستان و انتشارات دانشگاه پنجاب به کتابخانه رسید و در مدت یك سال حدود دو هزار کتاب چاپی در کتابخانه گنج بخش جمع آوری شد و بر این تعداد به تدریج اضافه می گردید چه از ایران و چه از پاکستان.

نخستین دو نسخه خطی که به کتابخانه گنج بخش رسید اهدایی بود. این دو نسخه از طرف جناب آقای نذیر احمد رضوی دارندۂ نشانِ ستاره پاکستان به کتابخانه اهدا گردید. نام این دو نسخه خطی این است.

الف: مجموعه: ۱- شرح شرح شمسیه (عربی)، ۲- حل الترکیب علي الكافی (عربی) ۳- جامع التعلیلات (عربی و فارسی) در صرف و نحو. جمعاً ۱۷۶ ص)فهرست نسخه های خطی گنج بخش، ج ۱، ص ۲۲)

ب: فقه حنفی (ناشناخته) (فارسی) (رك: فهرست نسخه های خطی گنج بخش، ج ۱، ص ۶۰۷)

پس از آن یك نسخه خطی از روستای بهکڑی در نزدیك چکوال به کتابخانه رسید که از آن آقای مولوی مظهر الدین قریشی بود و کشف الاسرار وعدة الابرار نام داشت به بهای-/۵۰۰ روپیه، البته بعد ها از همین روستای بهکڑی نسخه های خطی عربی و فارسی متعددی به کتابخانه رسید و آن موقعی بود که این بنده به این روستا و دیگر روستاها و شهر های پاکستان سفر کرد و مفهوم تاسیس کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و

پاکستان را در اذهان و افکار بزرگان دین و ادب و تاریخ و هنر جایگزین نمود. مدتی بگذشت که سیل کتاب فروشان ثابت و سیار به سوی کتابخانه گنج بخش سرازیرشد و محموله های خطی و چاپی را به همراه آورد.

ارزیابی و خریداری نسخه های خطی و کتابهاي چاپی به سرعت انجام می گرفت و همین امر موجب می شد که نسخه های خطی و کتابهای چاپی کتابخانه گنج بخش در مدت یك سال ازدو هزار واندی تجاوز کرد و نیز ثبت و فهرست کردن آنها آغاز گردید و در پایان سال ۱۳۵۰هـ ش نخستین جلد فهرست نسخه های خطی به تعداد ۳۰۰ نسخه (جمعاً ٤۲۸ مجموعه و نسخه کامل) تالیف و منتشر گردید و این اولین نشریه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان بود.

از این پس سفر های علمی و ادبی و دیدار از کتابخانه ها در سرتاسر پاکستان آغاز شد. در این سفر ها آقای پرفسور دکتر غلام سرور جهلمی استاد محترم فارسی و رئیس بخش فارسی دانشگاه کراچی، آقای دکتر الله دتا چوهدری استاد زبان فارسی در دانشکده دولتی بهاولپور، آقای مولانا غلام مصطفے قاسمی استاد دانشگاه سند (جام شورو)، آقای پرفسور ملك محمد اقبال استاد علوم اسلامی در دانشکده دولتی اصغر مال (راولپندی) باکتابدار همراه و مددکار بودند و توانستیم باهمکاری مراکز فرهنگی ایران تعدادی میکرو فیلم و تعدادی نسخه خطی وارد کتابخانه کنیم.

❋ آقای دکتر، لطفاً نخستین کسانی که با مرکز تحقیقات همکاری داشته اند را نام برید و نحوه ارتباط محققان و استادان پاکستان را با مرکز بیان فرمائید.

- برترین و بهترین همکار و یاور مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان مرحوم و مغفور دانشمند ایران شناس و ادیب سخنور استاد سید پیر حسام الدین راشدی بود که خودش و خانه اش و فکر و اندیشه اش در اختیار مرکز تحقیقات بود و در همه وقت و همه جابرای قوام و دوام این مرکز فرهنگی کوشش و تبلیغ می کرد و خودش نیز کتبی برای مرکز تصنیف و تالیف می فرمود و مولفان و ناشران و کتاب فروشان و کتابداران را به ماو مارا به آنها معرفی می نمود. خداش رحمت و مغفرت کناد. وی در کراچی می زیست و آشنایی با فرهنگ و ادب ایران و زبان فارسی دانی او موجب استحکام روابط دو کشور ایران و پاکستان بود.

در سال ۱۳۵۱ هـ ش تعداد همکاران در مرکز تحقیقات فارسی اضافه شد و اینان به ثبت کتابها و نسخه ها و برگه نگاری آنها با اینجانب پرداختند، از جمله آقای دکتر غلام سرور محقق و استاد فارسی، خانم دکتر طاهره صدیقی، خانم دکتر زبیده صدیقی، خانم دکتر روشن آرابیگم، آقای غلام رضا غازی متخصص میکر و فیلم، آقای محمد نذیر رانجها جوان نوکار و نو آموز، آقای سید رضا عارف نوشاهی جوان نو کارونو آموز، خانم نسرین اختر تازه کار و آقای نور محمد خان قریشی. اینان هر یك کاری را در مرکز تحقیقات فارسی بر عهده گرفتند و موجب پیشترفت امور شدند و ضمناً ۱۷تن در خارج مرکز فهرست نسخ خطی را می نوشتند و به مرکز تحقیقات فارسی می آوردند و دستمزد دریافت می کردند.

در این سال مرکز تحقیقات فارسی به بخش های گوناگون تقسیم گردید: مدیریت، دبیر خانه، کتابخانه، میکرو فیلم و عکاس خانه (نگار

خانه میر علی)، چاپ و انتشارات، روابط عمومی و توزیع کتاب.

به تدریج بزرگانی از پاکستان نیز کتابهای چاپی و نسخه های خطی خود را به طور امانت در کتابخانه گنج بخش می آوردند و هر یک برای خود غرفه ای ترتیب می دادند و ماهر یك را به نام «گنجینه» نامیدیم. مانند: گنجینه رفعت سلطانه (نسخه های خطی مرحوم دکتر ممتاز حسن) گنجینه خواجه سناء الله خراباتی، وغیره. در همین سال کوشش شد که جایی بزرگتر و بهتر برای مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان آماده و کرایه شود. بدین جهت پس از جست وجو و زحمت بسیار، خانه یی در اسلام آباد در نزدیکی بازار کوهسار (کوهسار مارکیث) اجاره شد و مرکز تحقیقات و خانه مدیر هر یك در فاصله جداگانه در آنجا جایگزین گردید و کار و کوشش ادامه یافت.

پس از انقلاب اسلامی ایران، مرکز تحقیقات فارسی به خانه فرهنگ راولپندی انتقال یافت و در سال ۱۳۶۲هـ ش به خانه ای حدود چهار راه ایوب خان واقع در یك کوچه منتقل شد و چون مناسب حال و احوال مرکز و کتابخانه نبود چندی بعد در خانه ای در خیابان مسجد (ایف ۶/۴، شماره) نقل مکان کرد و نیز خانه مدیر در همین خیابان کرایه شد.

در سال ۱۳۶۳هـ ش از اینجانب که مدتی بود بازنشته شده بودم دعوت به کار شد و کار افزایش کتاب به صورت فعال در آمد و چند کتاب فارسی و اردو و انگلیسی چاپ و منتشر گردید. اما علیرغم افزایش تعداد انتشارات، ارتباط مرکز تحقیقات فارسی بادیگر مراکز علمی و ادبی و نیز با دانشمندان و بزرگان علم و ادب ضعیف بود، مخصوصاً بخش های فارسی دانشگاه ها و دانشکده ها از تسهیلات مرکز تحقیقات فارسی بی بهره

بودند.

❋ آقای دکتر لطفاً، آمار نسخه های موجود خطی و کتابهای چاپی و تعداد انتشارات مرکز را برای مابیان کنید:

نسخه های خطی تا این تاریخ ۱٤۰۹٦ نسخه

کتابهای چاپی ثبت شده و برگه شده ۲٤۰۵۰ جلد

کتابهای انتشارات مرکز حدود ۵۰۰۰ جلد

انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان تا این تاریخ ۱۲۰ کتاب. عمر مرکز تحقیقات فارسی ۲۰ سال

❋❋❋

■ حالا آقای دکتر احمد تمیم داری بفرمایند و از فعالیت مدت ماموریت خود درمرکزتحقیقات بطور فشرده یاد کنند.

– با عرض خرسندی از تشکیل این جلسه و تشکر از آقای دکتر صافی بطور خلاصه عرض کنم بنده از اوائل سال ۱۳٦۷ شمسی به عنوان مدیر مرکز تحقیقات فارسی به کار پرداختم و سعی کردم فعالیتهای گذشته را همچنان ادامه دهم. در آغاز سعی شد تا ساختمانی مناسب تر برای بخش اداری و بخش کتابخانه مرکز تهیه شود تا فضایی مناسب برای انجام تحقیقات فراهم گردد.

چاپ کتابهای مفید و تهیه و چاپ فهرست کتابهای خطی فارسی و چاپ سنگی نایاب از فعالیتهایی است که انجام یافته و می یابد. جلد های نهم تا دوازدهم فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان و چندین

اثر دیگر از محققان از جمله: مثنوی شمس و قمر میرزا سعید قمی، یاد داشت های پراگنده علامه اقبال، فهرست نسخه های خطی کتابخانه همدرد کراچی، فهرست کتابهای خطی بنگال، جلد دوم فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و نایاب، به چاپ سپرده شد و آثار دیگری نیز مثل مونس العشاق عربشاهی و فهرست مقالات اردو درباره فارسی در دست تهیه قرار گرفت.

یکی از اقداماتی که در اولویت کارهای مرکز قرار داده شد راه اندازی بخش میکر و فیلم و تهیه چند دستگاه جدید جهت تکمیل این بخش بود که اقدام آن برای تهیه فیلم از کتب خطی و در نتیجه حفظ کتب خطی بسیار ضروری می نمود و بخصوص برای تامین نیاز های مراکز تحقیقاتی و دانشگاهها توجه به آن امری الزامی و مهم به نظر می رسید.

شرکت و تدریس در دو دوره باز آموزی استادان فارسی و شرکت در سمینارها و کنفرانسهای فرهنگی و انجام مصاحبه ها و تهیه مقالات برای مجلات فارسی از زمره فعالیتها بوده است، شرکت در سمینارهایی نظیر سمینار سید علی نقوی - بابا فرید گنج شکر - میر پیر علی انیس - میر سید علی همدانی - بزم اقبال و رومی - قائداعظم و حافظ که در چند شهرپاکستان برگزار شد.

* آقای دکتر خوبست که اشاره ای نیز به نقش مرکز تحقیقات فارسی در گسترش زبان فارسی داشته باشید.

- مرکز تحقیقات فارسی حافظ کتابهای فارسی خطی و چاپ سنگی و چاپ حروفی است و شاید در حال حاضر از بهترین مراکزی باشد که مآخذ فارسی را در خود گرد آورده است. ارتباط با محققان فارسی دان پاکستانی

موجب دلگرمی و ادامه کار آنهاست. این مرکز تحقیقاتی طرحهایی را جهت تحقیق به محققان فارسی دان ارائه می کند و تحقیقات آنان را و همچنین تحقیقات دیگران را جهت توسعه فارسی و تشویق آنان به چاپ می رساند. فرستادن استاد فارسی به دانشکده هایی که گروه فارسی دارد همواره نقش این مرکز را در توسعه زبان فارسی نشان می دهد و بخصوص چاپ فهرست نسخه های فارسی و ارسال آن فهرست ها به سراسر کتابخانه ها و دانشگاههای پاکستان و ایران و دیگر ممالك، فارسی زبانان وغیر فارسی زبانان را با میراث کهن فارسی در پاکستان آشنامی می گرداند.

*****

* آقای دکتر سبط حسن رضوی، همه شما را به عنوان یکی از دوستداران پابرجای زبان و ادبیات فارسی در پاکستان می شناسند. خواهش میکنم فعالیت های خود را تا آنجا که در ارتباط با مرکز تحقیقات فارسی است شرح دهید.

- سفارتخانه ایران تازه از کراچی به اسلام آبادمنتقل شده بود که خانه فرهنگ ایران هم در راولپندی دائر شد. هر بار که برادران ایرانی از بنده پیشنهادی برای بیشرفت زبان و ادبیات فارسی می خواستند بنده همراه با پیشنهاد های دیگر، پیشنهاد تأسیس یك مرکز تحقیقات فارسی درپایتخت نوبنیاد پاکستان، اسلام آباد را که در مرحله نوسازی در آنوقت بود. لزوماً تقدیم می کردم و اصرار می ورزیدم که گرد آوری سفائن ادبی و کنجکاوی در خزائن علمی در این مناطق برای حفظ و معرفی میراث پرارزش فرهنگی مشترك ما بسیار لازم است.

خوب در خاطرم هست که صبحی از فصل بهار بود که مژده ای جانفزا بگوشم رسید و آن این که هیئتی از ایران برای بررسی امکانات تأسیس مرکز تحقیقات به پاکستان آمده است. فوری جلسه ای را باهمت اعضای انجمن فارسی که درآن زمان بعنوان «سازمان فارسی» معروف بود، تشکیل دادیم که اعضای هیئت مزبور در آن جلسه سخنانی ایراد کردند و بنده از طرف استادان و پاسداران زبان فارسی سپاسگزاری کردم و ضمن معروضات خودم احتیاج فوری به تأسیس مرکز تحقیقات فارسی را در پاکستان با صراحت لهجه تکرار کردم چون می دانستم که صاحبان تحقیق و دست اندر کاران دقیق چه در ایران و چه در پاکستان تأسیس چنین مرکز علمی را ازسالهای دراز آرزومند و منتظر بوده اند.

هیات رفت و خبر رسید که مدیر مرکز تعیین شده و موافقتنامه میان دو کشور امضاء شده است. بسیار خوشحال شدیم و به همکاران تبریک گفتیم تا اینکه دکتر علی اکبر جعفری که با او قبلاً در دانشگاه تهران آشنا شده بودم به عنوان نخستین مدیر مرکز تحقیقات به پاکستان آمد و پس از چندین روز تکاپو، ما ساختمانی رابه دست آوردیم که در آن فعالیتهای مرکز تحقیقات را شروع کنیم. نخستین اقدام مرکز تحقیقات، تأسیس کتابخانه بود که درطی مدتی کوتاه باهمکاری انجمن فارسی روبه پیشرفت نهاد. دکتر جعفری چون با جامعه پاکستان آشنایی دیرینه داشت و با چندین زبان محلی بخوبی آشنا بود و اردو حرف می زد در سر و صورت دادن مرکز، نقش مهم را ایفا نمود و وقتی که آقای محمد حسین تسبیحی به سمت کتابدار مرکز مامور شدند، گرد آوری کتاب رونقی تازه یافت و ما عصر ها و روزهای تعطیل در کوچه و بازار راولپندی دنبال کتابها و صاحبان کتابخانه های شخصی می

گشتیم که شاید کتابی چاپی یا نسخه ای خطی مورد احتیاج خودمان را پیدا کنیم و به مخزن کتابخانه مرکز اضافه کنیم تا اینکه محقق بنام جناب استاد احمد منزوی برای فهرست نگاری این مرکز مامور شدند و در مدتی کوتاه ٤ جلد نسخه های خطی مرکز را و نیز «فهرست مشترک» را برای مرکز ترتیب دادند که مورد استقبال علاقمندان جهان واقع گردید. بنده اخیراً به انگلستان رفته بودم و در دانشگاه لندن در جلسه یادبود آغا صادق، شاعر پارسیگوی پاکستان نطقی ایراد کرده بودم، در آنجا صحبت از کتابهائی که مرکز چاپ نموده و مخصوصاً از فهرست نگاری استاد احمد منزوی به میان آمد و همه محققان و خاور شناسان ارزش این فهرست ها را تعریف می نمودند و به نظر بنده این هم یکی از کارهای ماندنی مرکز تحقیقات فارسی است.

با تأسیس مرکز تحقیقات، انجمن فارسی هم تقویت یافت و ماهی یکبار جلسات ادبی دوستداران علم و ادب تشکیل می شد و اعضاء گاهی در مرکز تحقیقات و گاهی در جایی دیگر جمع می شدند و تبادل نظر می کردند. چندین سمینار فارسی بمناسبت روزهای اقبال وغیره تشکیل می گشت، جلسات یادبود با همکاری انجمنهای ادبی دیگر و سخنرانیهای مدیر مرکز و کتابدار مرکز و استادان ایرانی و پاکستانی مربوط به مرکز را به خاطر دارم.

دیگر از فعالیتها، برگزاری نمایش فیلمهای هُنری بود که ضمیمه جلسات می شد که گرمی و رونق تازه ای به این مراسم می بخشید و می توان گفت که این کوشش همه جانبه برای ترویج و تجدید زبان و ادبیات فارسی، در کنار کارهای تحقیقاتی مرکز انجام می گرفت. مرکز تحقیقات کارگرد آوری

کتابهای چاپ سنگی و قدیمی نسخه های خطی را ونیز انتشارات خود را همراه با این فعالیتها دنبال می کرد.

* آقای دکتر شما در بخش انتشارات مرکز تحقیقات نیز سهمی دارید خوبست درباره کتابی که تألیف کرده اید و مرکز تحقیقات به چاپ رسانده نیز توضیحاتی بدهید.

– بنده بیشتر اوقات خودم را صرف محافل و مجالس مذهبی و دانشگاهی می کردم واهل قلم نبودم فقط برای چند مجله و روز نامه و رادیو گفتار ها و مقالات کوتاه می نوشتم ولی این مرکز تحقیقات فارسی مرا وادارکرد که چیزی سنگین و تحقیقی بنویسم لذا مواد مختصری که برای پایان نامه گرد آوری کرده بودم از نو تنظیم و تجدید نظر کردم و برای چاپ به مرکز دادم که بعنوان «فارسی گویان پاکستان» (شماره ۸، گنجینه ادب ٤) در سال ۱۳۵۳ خ به چاپ رسید و آن مشتمل بر احوال و آثار ۷٤ شاعر است البته دربرگیرنده همه فارسی گویان پاکستان نیست و مجلد دوم همین کتاب که مشتمل بر احوال و آثار ۱۲٦ شاعر دیگر است در شرف ترتیب نهایی است.

مرکز تحقیقات واقعاً یکی از پیشگامان تحقیق در این کشور نو بنیاداست و از کار خودم در اینجا بدین سبب نام بردم که آن خود یك نمونه از کارهای مرکز تحقیقات بود. مرکز تحقیقات به دنبال محققان می گشت، طرحهایی به آنان واگذار می کرد و یا کارهای تحقیقاتی آنان را منتشر می ساخت و بدینگونه گروهی از محققان پاکستان را به دور خود گرد آورده بود که هنوز هم مشغول تحقیق هستند.

حالا مرکز در شرف بیستمین سالگرد تأسیس خود است و ان شاءالله مراسمی باشکوه را برای این موقع ترتیب می دهد. بنده وقتی که نگاهی به این بیست سال می اندازم و این مولود ادبی را بشکل یك نوجوان بیست ساله سالم و برومند می بینم بسیار خوشحال می شوم این آرزوی بنده بر آورده شده است. آرزوی دیگری هم دارم و آن اینست که در طول و عرض پاکستان مقابر، مزارات، قلعه جات و عمارات قدیم زیاد هست که بر درودیوار آن ابیات و عبارات فارسی نوشته یا کنده شده است و با گذشت روزگار این ساختمانها بانقش و نگار و عبارات و ابیات خود کهنه و مندرس و زمین بوس می شود. این عبارات هم مثل نسخه های خطی از آثار صنادید عجم است و ارزش دارد اگر بصورت عکسها جمع آوری شود و یك محقق توانا درباره این ساختمانها، فهرست ترتیب بدهد، خدمتی بزرگ برای فرهنگ مشترك می شود و اگر دیر شود همه این نقوش زیبا و آثار پربها نابود می شود.

***

● آقای دکتر حاج سید جوادی شما به عنوان رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد، فعالیتهای تحقیقاتی - فرهنگی مرکز را چگونه می بینید و برای آینده آن چه می اندیشید و یا چه پیشنهاد هایی دارید؟

- پیش از ورود به گفتگو می خواهم عرض کنم که فعلاً «مرکز تحقیقات» برنامه های علمی و کار های تحقیقات خود را دارد و اینجانب صرفا روی علاقه مفرطی که به پیشرفت این مرکز فرهنگی دارم و دعوتی که

شده نظر خود را بیان می کنم.

هما نطور که دوستان فرمودند برنامه و کار مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان از نام آن پیدا است. مرکزی است که برای پژوهش در فرهنگ و ادب فارسی ایران و پاکستان بنیاد شده است. از اینرو می تواند برنامه خود را در دو بخش عمده انجام دهد:

۱- بخش کتابخانه گنج بخش که پایگاهی و ابزاری است برای تحقیقات.

۲- بخش تحقیقات عالی که طبعاً در زمینه ایرانشناسی و پاکستان شناسی است.

در بخش اول، خوشبختانه کتابخانه گنج بخش رشد خوبی داشته و امیدوار هستیم در آینده نیز گسترش پیدا بکند و بخصوص در بخش برگه سازی و فهرست موضوعی کتابهای چاپی گامهای موثری بردارد. البته گسترش کمی و کیفی کتابخانه وابسته به خرید ساختمان مناسب و از آن بهتر بنای ساختمانی مناسب کتابخانه است چون باوضع موجود که کتابها برای صرفه جویی از جا بر حسب شماره ثبت چیده شده و به روش بسته اداره می شود و این شیوه روش کهنه ای است تغییر دادن آن مشروط به فراهم ساختن فضای بیشتر است. افزون بر آن برای حفظ و حراست کتابها از انواع آسیب ها که ناشی از آب و هوای نامساعد سرزمین است بایستی اقدامات بیشتری انجام گیرد و آن نیز مشروط بر اینست که کتابخانه فضای بیشتری داشته باشد.

البته اقداماتی که در وضع موجود امکان داشت از قبیل تهیه ساختمان مناسب و لوازم اطفای حریق تا حدودی صورت پذیرفته و نیز مذاکراتی انجام شده تا کار شناسانی برای مرمت نسخه ها و آسیب زدایی آن ها از مرکز اعزام شوند که این مهم نیز الحمدلله انجام پذیرفت. اما مهمتر از همه خرید ساختمان مناسب است که اقداماتی شده و خوشبختانه بودجه آن تصویب شده و در حال ارسال است.

بخش دوم شامل بخش تحقیقات است که متاسفانه مدتی است که محدود به فهرست نویسی و کارهای کتابشناسی شده است. البته تاسف ما در این است که رشته های دیگر زمین مانده و گرنه کارهای آقای منزوی مایه سرفرازی و خوشحالی است.

در همین زمینهٔ فهرست نویسی هم کارهای عقب مانده ای داریم که از آن میان فهرست کتابهای عربی موجود در کتابخانه گنج بخش است. این کتابها نیز کتابهای اسلامی هستند و بایستی هرچه زودتر فهرست نویسی گردد و به جهان دانش معرفی شود. و من بسیار تعجب کردم که چگونه بعد از ۲۰ سال هنوز فهرست کتابهای عربی کتابخانه تدوین نشده است. اما در زمینه فعالیتهای تحقیقاتی و پژوهشی طبعاً ارتباط مداوم با اساتید پاکستانی و ایرانی جهت انجام امور مربوطه و چاپ و انتشار آثار آنها بسیار لازمست. به نظر بنده مرکز تحقیقات می بایست در شرایط مالی حاضر با همکاری مؤسسات انتشاراتی ایرانی و پاکستانی، انتشارات خود را منتشرکند و بدیهی است که مرکز تحقیقات صرفا یك شرکت انتشاراتی نیست، کتابهای منتشرهٔ مرکز نیز بداهتاً می بایست از کیفیت بسیار بالائی

برخوردار باشد تا اعتبار حقیقی خود را کسب کند و امیداست مرکز تحقیقات فصلنامه و جزوه های انتشاراتی مرتب داشته باشد تا آثار مشترك را در آنها درج نماید.

در این زمینه از جمله کارهایی که توقع می رود این بخش انجام بدهد و بسیاری هم انجام گرفته، تماس با استادان زبان فارسی در سطح دانشگاههاست آقای پیرنیاهم در این زمینه زحماتی کشیده اند که مشکور است و دیگر تهیه فیلم و عکس از نسخه هایی در سطح پاکستان که در جهت تأمین خواست محققان منطقه و پژوهشگران ایران است و البته اخیراً موفقیت های قابل ملاحظه ای در این زمینه به دست آمده است.

❋ آقای دکتر با سابقه فعالیت فرهنگی که شما در ایران داشته ایدما تصور نمی کنیم شما وقت خود را تنها به امور سازمانی و اداری اختصاص دهید و بایستی قاعدهٔ یك برنامه تحقیقاتی مشخص داشته باشید. اگر حدس ما درست است لطفاً درباره آن توضیحی بدهید:

– بنده در نظر دارم به یاری پروردگار دو طرح را دنبال کنم: اول اینکه، از کتیبه ها و کاشی کاری هایی که به زبان فارسی، اشعار و مواد تاریخی دیگری را در بردارد عکسبرداری کنم و اثری از این آثار در حال انهدام را برای ثبت در تاریخ و پژوهش محققان فراهم سازم.

طرح دوم بررسی تاریخ زبان فارسی در شبه قاره است که در این زمینه هم گامهایی برداشته ام و موفقیت من وابسته به یاری پروردگار است.

در این فرصت هم لازم می دانم از جنابعالی تشکر کنم که تدارك این

جلسه را دیده اید و وسیله ای برگزیدید که کارنامهٔ این مرکز در معرض اطلاع همگان قرار گیرد و به نحوی مضبوط بماند.

***

* گفت و گوهای مزبور همان گونه که از مضمون و محتوی پیداست در شرایطی انجام گرفت که آقای دکتر احمد تمیم داری در مقام مدیریت بودند و آقای احمد منزوی به تعبیر خودشان با عنوان خادم پیر کتابخانه و فرهنگ فارسی در اسلام آباد حضور داشتند. در این فاصله ها، دوران سه سالهٔ خدمت آقای دکتر تمیم داری به اتمام رسید و متأسفانه آقای منزوی نیز به تهران تشریف بردند. امیدواریم تندرست باشند و در خدمات تازه ای که بر عهده گرفته اند اثرات پایداری بگذارند. بی گمان خادمان فرهنگی جامعه در هر کجا که باشند ثمرات علمی خود را عرضه می کنند و به دیگران فایده می رسانند. ولی خبر مسرت اثر در این فاصله آن بود که آقای دکتر رضا شعبانی استاد با سابقهٔ دانشگاه شهید بهشتی قبول مسؤلیت کرده و برای ادارهٔ تشکیلاتی که اینک بیست سال کامل است برسرپاست و انتظارهای بسیاری را پاسخ گفته و توقعات بیشماری را نیز باید جوابگو باشد، به این دیار آمده اند. لذا فرصت را مغتنم شمردم و از ایشان نیز خواستم که نظرها و پیشنهادها و فی الجمله اهدافی را که هست، بیان کنند.

- آقای دکتر صافی، با توجه به همهٔ مطالب مفیدی که ذهن با فراست حضرت عالی طرح کرده و پاسخهای مناسب و شایسته ای که از سوی همکاران گرامی و سروران بزرگوار بنده بدانها داده شده است، گمان ندارم

جای چشمگیری برای عرایض این بنده باقی مانده باشد، بر حدیث شما و کمال آقایان به زحمت می شود چیزی افزود. حق سخن و معرفت را به تمامی به جا آورده اید. مسلماً اگر دربادی امر، تکلیفی بر این ضعیف روا باشد همان دنباله گیری اقدامات مفید و خیر اسلاف فاضل است و تحقیق اهدافی که در پایه گذاری مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان منظور بوده است.
بنده در این زمینه ها هرچه بخواهم عرض کنم در شمار دوباره گوئی و پرگوئی و اطناب ممل است و چه بهتر که اقتفاء به مسؤولان کاروان و بصیری که در گذشته ها بوده اند بکنم و ان شاء الله اقدامات مفید آنان را دنبال گیرم. در بیانات آقای دکتر حاج سید جوادی نکات معتبر و ذیقیمتی است که به واقع از دل برآمده است و توجه به آن از ضروریات است. ما موظفیم که اعتبار و حیثیت معتنابه مرکز تحقیقات را روز افزون نگاه داریم و با جلب مساعدت و حمایت فارسی دانان علاقه مند و ایران دوست و مسلمان، برغنای علمی و حیثیت معنوی آن بیفزائیم. دو ملت ایران و پاکستان در بسیاری از زمینه های ارضی و مرزی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی وغیره مکمل یکدیگرندو فی الحقیقه تداوم موجودیتی و هویتی و تاریخی مشترك دارند.
وضعیت هر کدام از ما به عنوان یك ایرانی مسلمان، باهر جای دیگری که در جهان باشیم متفاوت است. مردم این نواحی ما را دوست می دارند و عزیز می شمارند و چون نیك بنگریم می بینیم که به طور صمیمانه و بی ریائی از خودشان می شمارند. حکومت ما، دیانت ما، اخلاقیات ما، آداب و عادات اجتماعی ما و خلاصه آن که هر چیز دیگری که خاص ملت ماست برای پاکستانی عزیز است، بدان حد و اندازه عزیز که مجموعهٔ موجودیت ما را از خود بداند و متقابلاً خود را نیز از او.

برای آنانی که سابقهٔ وحدت چند هزار سالهٔ تاریخی را در همهٔ زمینه های زندگی تجربه کرده و از آن خیر دیده اند، فی الواقع دیگر تفکیک خوبیها از بدیها امکان پذیر و آسان نیست و بنده خودم حتی در سنوات پیش از انقلاب اسلامی هم که به این خطه سفر کرده بودم، شاهد چنان احساسات متعالی برادرانه ای بودم. اینکه اگر ما تکاهلی در شناسائی درست این مردم نازنین و همچنین درک درست وظایف مختلفی که نسبت به آنها بر عهده داریم روا بورزیم، نه به آنها که بر خود مان ستم کرده ایم. پاسداری از زبان فارسی و فرهنگ غنی ایران - اسلامی منطقه فقط به آنها مربوط نمی شود بلکه به مانیز که در همارهٔ ایام، بشارت دهندهٔ خوبیها و خیرات به این عزیزان بوده ایم متوجه است. اینها در حدی که بنده به عقلم می رسند همیشه در های محبت را به روی ما گشاده داشته اند و همه چیزمان را هم به عنوان الگوهای زندگی پذیرفته اند. عمق تعلقاتشان بیش از آن حداست که بتوان با معیار های بده و بستانی روزگار ما اندازه گرفت، همه مهرند و همه صمیمیت و همه صفا. ما اگر ان شاء الله وظایفمان را به درستی بشناسیم و به همان گونه نیز عمل کنیم بیشك ملت مستقل و سرفراز و سر بلند پاکستان، که نخستین جمهوری اسلامی برسرپای عالم است ما را هر چه بیشتر از خود خواهد دانست و از خدمات صادقانه مان نیز حمایت و اعانت خواهد کرد.

بنده به صورت مشخص، خدماتم به زبان فارسی، ادب فارسی و فرهنگ فارسی متوجه است، آنهم در مقام خدمتگزاری ضعیف و ناتوان، شاید هم اهداف عالیه ای که در همین زمینه ها هست و به بنده نیز به عنوان شرح وظائف، اعلام شده است، بسیار بیشتر از حد استطاعتم باشد ولی همان طوری که خود شما هستید و شأن مسلمانی ما اقتضامی کند به رحمت حق

امید واریم و توکلمان نیز به ذات والای اوست، راه دراز است و همانند نفس زندگی، بدان گونه که گذشتگان شریف مرا در برگرفته، بدون شبهه آیندگان پرطاقت دیگری را نیز مشغول نگاه خواهد داشت، بنده به امید خدای رحمن و رحیم، تلاشهای خودم را به کارمی آورم، گو این که خواجهٔ بلند مقام شیراز نیز تأکید روا می دارد که:

گرچه وصالش نه به کوشش دهند
آنقدرای دل که توانی بکوش

* آقای دکتر، متشکرم، ما شاء الله تازه نفسید و مثل گذشته پرکار. امید بنده و بسیاری بر این است که تحولی جدی که بدان اشاره فرمودید در کارهای مرکز تحقیقات به عمل خواهید آورد. انتظار دیگرم این است که با آب و هوای منطقه سازگار شوید و در مدت مأموریت از سلامت موجود بر خوردار بمانید. از سرورانی نیز که پیش از این دعوت مرا پذیرفتند و وقت گرانبهای خود را در اختیار بنده گذاشتند و اطلاعات ارزنده ای ارائه دادند سپاسگزارم. هر چند زحمتی بود، این را هم به حساب خدمات خود به مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان محسوب دارند. همچنین برای کارمندان مرکز تحقیقات که باناملایمات و مشکلات ناشی از غربت و آب و هوای نامساعد سالهاست در این مرکز کارمی کنند آقایانی که در این سن و سال و وجود کسالتها و بیماری در شرایط مختلف کار خود را دنبال کرده اند از خداوند متعال، تندرستی آرزو می کنم.

– ان شاء الله، بنده هم از حضرت عالی سپاسگزارم.

*****

احمد منزوی

کارنامهٔ "مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان" در کار فهرست نویسی و کتابشناسی

در این بیست سال که از عمر پر برکت" مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان" می گذرد، مسؤلان امر کوشیده اند، که فعالیت خود را در محدودهٔ اساسنامهٔ موجود حفظ کنند، و مسیر فعالیت را از انحراف به این سوویا آن سوباز دارند. محدوده ای که از نام آن برمی آید. محدوده ای صرفاً فرهنگی است یعنی بررسی و تحقیق در "فارسی ایران و پاکستان" و این نام چنان خوب برگزیده شده، که خود رهنمون مدیران مرکز در خلال بیست سال بوده است.

تشکیل کتابخانهٔ "گنج بخش" با این حد از غنادر زمینهٔ تهیه و خرید نسخه های خطی و کتابهای چاپی، باهزینه ای گزاف، و با دقتی بسیار انجام شده است. کتابخانه مرکّب است از آثار متون و مرجع و کتابهایی که برای پژوهش در زمینهٔ "فارسی ایران و پاکستان" بدانها نیاز است. برپایی این کتابخانه گام نخست و بجایی بوده برای آغاز به کاری که "مرکز" برای آن

بنیاد شده از روز نخست، هدف اساسی مدیران و کارمندان و وابستگان به این "مرکز" شناخته شده است.

نیاز به توضیح نیست که زبان فارسی از نظر بار ادبی، اخلاقی و علمی و دینی آن یکی از زبانهای عمدهٔ جهان اسلام ویکی از غنی ترین زبانهای عالم است، و در این سرزمین راهگشای گسترش اسلام بوده است. بررسی دقیق آثار کتبی و نوشته های باز مانده برساختمانهای فرهنگی و دینی روشنگر این مسئله است، که اسلام بر بال زبان فارسی بدین سرزمین راه یافته است نه با شمشیر کشور گشایان. بررسی واژه های فارسی بکار گرفته شده در زبان ملی این کشور و در زبانهای محلی، ودر ضرب المثلهای رایج میان مردمان، کوتاهتر سخن فرهنگ مشترك مردم "پاك" و "ولایت" (اصطلاحی که مهاجران اولیهٔ ایرانی در هند، بروزگارتیموری، بجای واژهٔ "ایران" بکار می برده اند) جاي هیچ تردیدی نمی گذارد که بنیاد این "مرکز" و تعیین هدفهای آن، و نیز برگزیدن نام "مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان" تاچه اندازه با هدفهای ملی واسلامی مردمان این دو کشور مطابقت دارد.

فهرست نویسی و کتاب شناسی، مرکز تحقیقات

درمیان فعالیتهای "مرکز تحقیقات" کار فهرست نگاری چشمگیر تراست. این "مرکز" از نخستین روزهای فعالیتش توجه خاصی به گرد آوری و فهرست کردن نسخه های خطی موجود در پاکستان داشته است. و این تصادفی نبوده که نخستین شماره از ۱۲۲ شماره انتشاراتش "فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش "نگاشتهٔ دکتر محمد حسین تسبیحی است که

یکسال پس از بنیاد مرکز در ۱۳۵۰ خ منتشر شده است. و بایستی چنین اولویتی به این رشته داده می شد، چه شرایط نامساعد جوی و مادی در این سرزمین نسخه های خطی را در خطر انهدام قطعی قرار داده است.

از ۱۲۲ شمار انتشارات "مرکز تحقیقات"، سی و دو (۳۲) شمار آن در ۱۹۸٤٦ صفحه اختصاص به فهرست و کتابشناسی دارد. و از این رقم، یازده مجلد آن با ۵۲۱۱ صفحه فهرستهایی است که "مرکز تحقیقات" سرمایه گذاری کرده و به دست استادان پاکستانی و ایرانی در بیرون از مرکز نگاشته شده است. وبیست و یك مجلد آن در ١٤٦٣٥ صفحه رامرکز مستقیماً در بخش کتابشناسی خود، تولید کرده است.

بررسی شمار عنوانها و نسخه هایی که به وسیلهٔ "مرکز تحقیقات" معرفی شده اند، نیاز به فرصت بیشتری دارد.

هنگامی که از فعالیتهای کتابشناسانهٔ "مرکز تحقیقات" سخن می رود، نمی توان از گنجینهٔ فهرستها و منابع کتابشناسی که در کنار بخش کتابشناسی گرد آوری شده، یادی نکرد. که شمار مجلدات آنها به بیش از هفتصد مجلد می رسد و شاید جامع ترین و گرانبها ترین گنجینه از اینگونه در پاکستان باشد. واین گنجینه در اختیار هر پژوهنده و یا مرکز علمی است که از آنها در جاهله بهره گیرد، ویا برای خود تصویر بر دارد.

اکنون می پردازیم به فعالیتهای کتابشناسانهٔ این مرکز.

در اینجا نخست از کارهایی نام برده می شود که بیرون از بخش کتابشناسی مرکز تحقیقات ولی باپیشنهاد وسرمایهٔ این مرکز، به همت

استادان و پژوهندگان پاکستانی و یا ایرانی نگاشته شده است.

۱- فهرست نسخه های خطی فارسی موزهٔ ملی پاکستان کراچی. نگاشتهٔ سید عارف نوشاهی. اسلام آباد - پاکستان، ۱۳٦۲ خ ۱۹۸۳م، چهارده + ۰۷۷ اص.

به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب الفبایی از تفسیر تا هندوشناسی فهرست محتویات این مجلد به شمارهٔ (۷۱) در گفتار "انتشارات مرکز تحقیقات" نشان داده شده است.

۲- فهرست نسخه های خطی فارسی انجمن ترقی اردو، کراچی. نگاشتهٔ همان سید عارف نوشاهی. اسلام آباد ـ پاکستان، ۱۳٦۳خ/۱۹۸٤م، بیست و سه + ۲۹۷ص.

به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب الفبایی، از تفسیر تا هندوشناسی، محتویات این کتاب به شمارهٔ (۷۳) در گفتار پیشگفته آورده شده است.

۳- فهرست چاپهای آثار سعدی در شبه قاره و چاپهای شروح و ترجمه ها و فرهنگنامه ها و تضمین های آثاروی. نگاشتهٔ سید عارف نوشاهی، ۱۳٦۳خ/۱۹۸۵م. د + ۹ + ۱۳۳ + نمونه ها. برای آشنایی بیشتر به ردیف (۸۵) همان گفتار نگاه کنید.

٤- کتابشناسی اقبال. نگاشتهٔ دکتر محمد ریاض، اسلام آباد - پاکستان، ۱٦۳٤۰/۱۹۸٦م، ك + ۳۰۹ص.

این کتاب به شمارهٔ (۹۹) در گفتار پیشگفته نشان داده شده است.

۵- ترجمه های متون فارسی به زبانهای پاکستانی. نگاشتهٔ دکتر اختر راهی، اسلام آباد - پاکستان، ۱۳۶۵خ/۱۹۸۶م، ۱۴ - ۴۹۷ص.

به ترتیب زبانهای پاکستانی. برای آگاهی بیشتر از این کتاب به شمارهٔ (۱۰۴) همان گفتار نگاه کنید.

۶- فهرست نسخه های خطی فارسی بمبئی ۷ کتابخانهٔ مؤسسهٔ کاما- گنجینهٔ مانکجی. نگاشتهٔ دکتر سید مهدی غروی (مدیر اسبق مرکز تحقیقات)، اسلام آباد - پاکستان، ۱۳۶۵خ/۱۹۸۶م، ۱۶ + ۲۰۹ص.

به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب الفبایی. برای آگاهی بیشتر ن. ک. شماره(۱۰۵) گفتار پیشگفته.

۷- فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب، لاهور - گنجینهٔ آذر. نگاشته سید خضر عباسی نوشاهی. اسلام آباد - پاکستان، ۱۳۶۵خ/۱۹۸۶م، شانزده + ۵۹۲ص.

به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب الفبایی. برای شناسایی بیشتر ن. ک. شماره (۱۰۶) همان گفتار.

۸، ۹- فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات نگاشته سید عارف نوشاهی، اسلام اباد - پاکستان در دو مجلد، ۱۳۶۵خ/۱۹۸۶م و ۱۳۶۹خ/ ۱۹۹۰م، ص.

برای آگاهی بیشتر از این دو مجلد ن.ک.. به شماره های (۱۰۸) و در همان گفتار.

۱۰- فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانهٔ همدرد کراچی، نگاشته سید خضرعباس نوشاهی. اسلام آباد - پاکستان، ۱۹۸۸م (۱۳٦۷خ)، ۲۳ + ۲٤۷ص.

به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب الفبایی، برای آگاهی بیشتر ن.ک. شماره (۱۱٤) همان گفتار.

۱۱- ثلاثهٔ غساله، کتابشناسی آثار تألیف شده در بنگال. کار حکیم حبیب الرحمان - سید عارف نوشاهی، اسلام آباد - پاکستان، ۱۹۸۹/۱۳٦۸م، ۳٦ + ۲۵۰ ص. که به شمارهٔ (۱۱۷) در گفتار پیشگفته، شناسانده شده است.

افزون برآن یازده مجلد فهرست، همکاران "مرکز تحقیقات" در دیگر انتشارات مرکز نیز توجه ویژه ای به کتابشناسی داشته اند. چنان که انتشارات زیر گواه بر آن است.

۱- احوال و آثار شیخ بهاؤالدین زکریا ملتانی، کار بانو دکتر شمیم محمود زیدی، شمارهٔ (۲) آن گفتار.

۲- تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان، کار پرفسور حکیم نیر واسطی، که جُنگی از کتابهای پزشکی را همراه دارد. شماره (۱۰) آن گفتار.

۳- رسالهٔ قدسیهٔ خواجهٔ پارسا، کار ملك محمد اقبال. شمارهٔ (۱٤) آن گفتار.

٤- احوال و آثار میرزا اسد الله خان غالب، کار محمد علی فرجاد،

شمارهٔ (۲٤) آن گفتار.

۵- جامی، خاتم الشعراء. کار علی اصغر حکمت. ترجمهٔ سید عارف نوشاهی. شماره (۲٤) آن گفتار.

٦- دیوان حافظ. با پیوست "حافظ شناسی در شبه قاره" کار استاد اکبر ثبوت، که کتابشناسی ارزشمند و فشرده ای ست از چاپهای دیوان حافظ درشبه قاره، و نمونه ای از شرح ها و ترجمه ها و حواشی و فرهنگنامه های آن دیوان، در شبه قاره.ن.ك. شمارهٔ (۷۸) آن گفتار.

۷- احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، کار دکتر محمد ریاض.ن.ك، شماره (۹۵) همان گفتار.

بخش کتابشناسی

بخش فهرست نویسی و کتابشناسی مرکز تحقیقات که پیش از این به صورت گذرا از آن یاد شد کارمندانی را در خود گرد آورده که کار روزانهٔ آنها پژوهش در کتابشناسی است. تا اواخر ۱۳۵۵خ که این ناچیز به اسلام آباد رسیده و در اینجا بکار پرداختم، آقای دکتر محمد حسین تسبیحی چند کار در این زمینه چاپ کرده بودند:

۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش، سه مجلد که به شماره های (۱، ۱۱، ۲۰) در گفتار انتشارات مرکز شناسانده شده اند.

۲- فهرست نسخه های خطی خواجه سناء الله خراباتی که به شمارهٔ (۳) در گفتار پیشگفته نشان داده شده است.

۳- کتابخانه های پاکستان، جلد یکم، که به شماره (۲۳) همان گفتار یاد شده است.

از پانزده سال پیش که این ناچیز در اسلام آباد جاي گزیدم، مرکز تحقیقات بخش کتابشناسی این پنج طرح را ریخته و دنبال کرده است.

طرح یکم: فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش، در چهار مجلد، که به شماره ها (٤۲، ٤۷، ٤۸، ٦۲) در گفتار "فهرست انتشارات مرکز تحقیقات" نشان داده شده است.

طرح دوم: سعدی برمبنای نسخه های خطی پاکستان. که به شماره (۸۹) در گفتار پیشگفته شناسانده شده است.

طرح سوم: فهرست مشترك نسخه های خطی پاکستان، که تاکنون دوازده مجلد از آن چاپ شده و درگفتار پیشگفته به شماره های (٦۸، ۸۳، ۸٤، ۹٤، ۱۰۲، ۱۰۳ ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱٦، ۱۲۲). آمده است و مجلد سیزدهم زیر چاپ است.

این فهرست در مجلد های یکم تا چهارم برحسب موضوعی، وهر موضوع به ترتیب الفبایی بوده است. واز مجلد پنجم به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب تاریخی ساخته شده است. اگر از یك کتاب نسخه های متعددی باشد، آنها را به ترتیب تاریخ نوشتن نسخه ها آورده است. شمار نسخه های فارسی گرد آمده برای این فهرست به شصت و پنج هزار نسخه برآوردمی شود.

دربارهٔ این فهرست بایستی توضیحات بیشتری داده شود، که دست

کم درطی پانزده سال از عمر "مرکز تحقیقات و در فراز و نشیب های کار آن، حق اولویت را داشته است.

مرکز تحقیقات در سال ۱۳۵۰خ، طرح "فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان" را ریخت و برای اجرای آن برخی از استادان و فاضلان پاکستان را به همکاری فراخواند. برخی از ایشان را که در کار فهرست نویسی تجربۀ کافی نداشتند آموزش لازم داد. تا در چهار چوب خاصی از همۀ نسخه های فارسی موجود در کتابخانه های عمومی و شخصی فهرست برداری شود. این کار مقدماتی تا اواخر سال ۱۳۵۸خ ادامه داشت. پس از فروکش بحران در ایران و پیروزی شکوهمند انقلاب، این کار از آغاز سال ۱۳۶۱خ به شیوۀ بهتری آغاز شد و ادامه یافت. بهرحال خمیر مایۀ این فهرست، کار همان سرورانی است که با تحمل رنج سفر به شهرها و ده ها در اختیار این ناچیز قرار داده اند.

در زمستان ۱۳۵۵خ دریک گردش شهر به شهر به اسلام آباد رسیدم. در این شهراز سوی آقای دکتر علی اکبر جعفری مدیر آنروزۀ "مرکز تحقیقات" و طراح و پایه گذار این فهرست دعوت بکار شدم. وخود را در برابر ده ها هزار برگه، به اندازه ها و خطوط مختلف، و کیفیت های گوناگون، که از نسخه های خطی در کتابخانه های پاکستان گرد آمده بود، یافتم. ومی بایست از آن برگه ها و نیز فهرستهای چاپ شده در پاکستان "فهرست مشترک" را فراهم سازم. خداوند بزرگ را سپاس. هرچند آنچنان نیست که می بایست، نتیجۀ کوشش گروهی از آن آقایان وخانم ها به صورت یازده مجلد در ۸۲۷۰ صفحه در اختیار پژوهشگران قرار گرفته، و مجلد سیزدهم آن نیز زیر چاپ

است، و سپاس که هنوز در خود نیروی پیگری دارم.

برحسب وظیفه نام گرامی همکارانم که تا آغاز چاپ جلد یکم در این فهرست سهمی داشته اند، در پیشگفتار جلد یکم آورده ام. و نیز نام هر کسی که حتی نشانی یك نسخه را داده بجای خود در آنجا که نسخه معرفی شده، آورده ام.

در سالهای واپسین از تجربه های بدست آمده، بدین نتیجه رسیدیم، که فهرست یك کتابخانه به فردی برجسته و ماهر و باذوق واگذار شود، که به تنهایی کتابخانه ای را فهرست کند، و مرکز تعهد کند که نخست آن فهرست را به نام خود او چاپ کند، سپس از کار او در"فهرست مشترك" بهره گرفته شود، نتیجهٔ کار بهتر خواهد بود. در پیامداین امر، "مرکز تحقیقات" نگارش فهرستهایی را به فاضلان و دانشمندان پاکستانی واگذار کرد. و چنانکه پیش از این گزارش شد، میان سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵خ ده مجلد از اینگونه فهرستها با سرمایهٔ مرکز تحقیقات تدوین و چاپ شده است.

مجلد یکم "فهرست مشترك" در آغاز سال ۱۳۶۱خ به زیر چاپ رفت و از آن هنگام تا به امروز فهرستهای تازه ای در پاکستان بچاپ رسیده و برگه های تازه ای از نسخه های خطی به بخش کتابشناسی "مرکز تحقیقات" رسیده است. هر آگاهی تازهٔ بدست رسیده، اگر بخش موضوعی آن به چاپ رسیده باشد، آگاهی ها برای "مستدرك فهرست مشترك" نگاهداری می شود.

طرح چهارم: میانهٔ سال ۱۳۶۳خ تصمیم براین گرفته شد که فهرستی از کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب موجود در پاکستان تهیه شود. که بسیاری از اینگونه کتابها از نظر کمیابی وارزشهای فرهنگی از

برخی از نسخه های خطی گرانبها ترند. کتاب هایی که شاید چاپ هندوستان و یا تاشکند و بخارا و باد کوبه و یا اروپا باشند، که اکنون دریکی از کتابخانه های پاکستان نگاهداری می شوند. در این فهرست به نام کاتبان و چاپچیان و چاپخانه ها و ناشران توجه ویژه ای شده است. ولی ویژگی این فهرست درآن است که نشانی کتابخانه که نسخه را نگهداری می کند و شمارهٔ قفسهٔ آن کتاب نیز داده شده است، که هرگاه پژوهنده ای در پی آن کتاب باشد بدان دسترسی یابد.

تا پایان سال ۱۳۶۵خ، پیرامون پنجاه و پنج هزار برگه از کتابخانه های پاکستان گرد آوری شده است، که در زیر هر برگه نام فهرستنگار آورده شده است. این فهرست با ذکر موضوع هر برگه به ترتیب الفبایی در قفسه ها جاداده شده است، و به علت محدودیتها، کار در همین مرحله، متوقف مانده است.

دو مجلد در این زمینه بنام "فهرست کتابهای چاپ سنگی و کمیاب کتابخانهٔ گنج بخش" مرکز تحقیقات، از سید عارف نوشاهی به چاپ رسیده است، که در آینده بایستی در "فهرست مشترک کتابهای چاپ سنگی" ادغام شود (ن.ك. شماره ۱۰۸ و ۱۱۸).

طرح پنجم: فهرستوارهٔ کتابهای فارسی است. مرکز تحقیقات برای تدوین "فهرست مشترک"، نیاز به فهرستی از نام کتابها در کتابنامه ها و فهرستها داشت. بایستی به تذکره ها مراجعه می شد، تاحد اقل آگاهی از زندگی نگارندهٔ یك اثر بدست آید، همچنین به کتابنامه ها و فهرستهایی مراجعه کرد تا آگاهی هایی که پیش از این دربارهٔ کتاب مورد نظر دردست

بوده را، دریافت. با بررسی و مقایسه آگاهی هایی موجود درمنابع پیشگفته با آگاهی هایی بدست آمده از نسخهٔ تازه یافته شده، آخرین ترکیب را به "فهرست مشترک" داد و به اختلاف نظرها در نام کتاب و یا نگارنده و یا دیگر آگاهی هایی بنیادی، در منابع اشاره کرد.

در آن روزها کشور با تحولاتی روبرو بود، و ناگزیر فتوری در کار "مرکز تحقیقات" مشهود بود. در این دوره این ناچیز فرصت یافت که به تدریج، پابپای دوباره نگری و آماده سازی "فهرست مشترک" برای چاپ، فهرستها و کتابنامه های در دسترس را برگه سازی کند. وپس از به ثمر رسیدن انقلاب در ایران، و تجدید حیات "مرکز تحقیقات" در آغاز سال ۱۳۶۱خ، بخش کتابشناسی آن فعالتر از پیش، باکارمندان جوان بکار پرداخت و کار برگه سازی از منابع، و ادغام برگه ها بگونه ای منظم پیشرفت کرد. به حکم "من لم یشکر المخلوق لن یشکر الخالق" اینجا، که تاریخ فهرستنگاری "مرکز تحقیقات" بررسی می شود، برمن فرض است، از استاد اکبر ثبوت که در دوران مدیریتش در اسلام آباد، "مرکز تحقیقات" به اوج تازه ای رسید، و از توجه ویژه ای که به بخش کتابشناسی این مرکز داشت، یاد کنم، یادش بخیر باد!.

"فهرستواره" کار تازه ای بود که باسرمایهٔ "مرکز تحقیقات" شکل می گرفت. واین ناچیز ناآموخته، روی نیاز شخصی در نگارش "فهرست مشترک" بدان آغاز کرد و کورمال - کورمال پیش می رفت و کاستیهایش کم کم با تجربه و تذکریاران ترمیم می گشت. شاید این فهرست، با تجربه های بدست آمده، در آینده، بگونه ای جدا از "فهرست مشترک" چاپ شود (۱).

فهرستواره در آخرین بخش چاپ شده اش، که بخش های سفرنامه و جغرافیا و تاریخ است بدینگونه است:

هرعنوان (مدخل) از دوبخش تشکیل می شود: عنوان و منابع، در هر عنوان چهار چیز آورده شده است: نام کتاب، نام نگارنده یا مترجم، تاریخ نگارش یا ترجمه، موضوع.

۱- نام کتاب ممکن است در نسخه ها و منابع به چند گونه آمده باشد. کوشش شده است نام اشهریا نامی که در منابع معتبر تر آمده، یا بدان نام چاپ شده را، پایه قرار دهد، و برای دیگر نام ها برگهٔ ارجاعی ساخته شود. و برای حفظ امانت و بازبودن راه پژوهش، پس از ذکرهر منبع نامی که آن منبع بدان داده، آورده شود.

۲- نام نگارنده، واگر ترجمه باشد نام مترجم پس از نام کتاب آورده شده است. واگر نام نگارنده یا مترجم، ناشناخته بود، بجای نام "ن" یعنی ناشناخته گذارده شده است.

۳- تاریخ نگارش در صورت بدست آمدن آورده شده است، وگاهی زاد روز و تاریخ مرگ نگارنده، حتی تقریبی یاد شده است.

٤- فهرستواره خود به ترتیب موضوعی است، ولی بسیار جایها که لازم بوده، اشاره ای کوتاه به موضوع خاص کتاب شده است، که خالی از فایده نیست.

---

(۱) تاکنون چهاربخش آن برای آزمایش و اظهار نظر چاپ شده است: ۱- بخش یکم "نامه نگاری و دبیری" در پایان جلد پنجم " فهرست مشترک" دوم "داستانها: در پایان بخش داستانها از جلد ششم، سوم "دیوان" ها در پایان بخش منظومه ها از جلد نهم "فهرست مشترک".

پس از ذکر آن چهار مطلب، منابع آورده شده است. نخست کتابنامه ها و تذکره ها و تاریخ ادبیات و دیگر منابع کتابشناسی آمده و در انتها فهرست ها است. سپس فهرستها در دوگروه چاپ ایران و چاپ بیرون از ایران آورده شده، هریك از آن دو گروه به ترتیب الفبایی و نام کوتاه شدۀ آنها توضیح دربارۀ این نامهای کوتاه شده در پایان جلد نهم "فهرست مشترك" آمده است.

این فهرست از بیش از پانصد مجلد از کتابنامه ها و فهرستها و منابع دیگر بیرون کشیده شده است. و کار آن هنوز به پایان نرسیده است. برگه های بیرون کشیده از هر منبع تازه بدست رسیده، به ترتیب الفبایی در برگه دانها، کنار برگه های پیشین جای داده می شود. شمار دقیق برگه ها به آسانی بدست نمی آید ولی به پیرامون سیصد و پنجاه هزار برگه رسیده است. آماری را که دستیارم خانم انجم از بخش چهارم فهرستواره، یعنی بخشهای سفرنامه و جغرافیا و تاریخ (کلیات) و تاریخ جهان و تاریخ ایران و تاریخ پیامبران و اسلام وامامان و تاریخ شبه قاره، چند بخش کوچکتر و زندگینامۀ سرایندگان و زندگینامۀ پیران و دیگر بزرگان بدست آورده رویهم ۱۵۰۷۸ عنوان و ۵۸۵۸۸۰ برگه است.

در پیشگفتار های "فهرستواره" نام همکاران بخش کتابشناسی مرکز تحقیقات آمده است. و در اینجا ضمن بزرگداشت آنان و سپاسگزاری از همۀ ایشان، نام عزیزان را در دو گروه می آورم. همکارانی که مدتی در این بخش کار کرده و رفته اند، و همکارانی که هم اکنون در این بخش خدمت می کنند.

همکارانی که تا پیش از این با این بخش همکاری داشته اند،

برحسب زمان اشتغال: خانم تنویر کوثر (پاکستانی)، آقای محمد عابد، (پاکستانی)، آقای دکتر شاهد چودری (پاکستانی مقیم ایران)، آقای وحید مهمند (افغانی)، آقای داود ملک تیموری، دستیارارشد (افغانی)، آقای بهاءالدین وکیلی پوپلزایی (افغانی)، آقای احمد رضا هروی، دستیارارشد (ایرانی)، خانم ویدا ناجی - فیض (ایرانی)، آقای سعید امیر غفوریان (ایرانی)، خانم طلعت حسن سهیل، دستیارارشد (پاکستانی).

همکاران ارجمند و عزیزم که هم اکنون بکار در این بخش مشغولند: آقای محمد عباس پاروی (پاکستانی)، خانم انجم حمید، دستیارارشد (پاکستانی)، خانم ادیبه صالح (پاکستانی).

*****

احمد منزوی

انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

آقای دکتر سید سبط حسن رضوی استاد بزرگوار و دلسوز زبان و ادبیات فارسی، فرمودند چون بزودی بیستمین سالگرد بنیاد گذاری مرکز تحقیقات فرا می رسد، بهتر است رشته مقاله هایی در زمینه تاریخ و سیر تکامل آن، از نشیب و فراز ها نوشته شود، که بعداً با گرد آوری آنها در یکجا دومین کارنامهٔ مرکز تحقیقات در دسترس دوستداران قرار گیرد. (نخستین کارنامه پس از انقلاب در اسفند ماه ۱۳۵۷ خ منتشر شده بود) پذیرفته شد و این گفتار یکی از آنها خواهد بود.

انتشارات "مرکز تحقیقات" تا کنون به ۱۲۰ عنوان می رسد. برای چند شماره افتاده و یا (بی شماره) بعداً توضیح داده می شود.

۱ - تسبیحی، محمد حسین (۱۳۰۸خ - ۰۰۰)

فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. جلد یکم. تألیف محمد حسین تسبیحی. راولپندی،

پاکستان. ۱۳۵۰خ (بیست و شش + ۸۳٤ + XVI ص).

در این مجلد رویهم ۳۰۰ نسخه ی خطی، و با به حساب آوردن رساله ها ٤۲۸ نسخه فارسی، عربی و اردو شناسانده شده است. کتابها به ترتیب الفبا و مجموعه ها در حرف میم آورده شده، بافهرستهای هفتگانه و نمونه هایی از دستنوشته ها.

۲- شمیم محمود زیدی، بانو دکتر

احوال و آثار شیخ بهاءالدین زکریا ملتانی. و خلاصة العارفین به تصحیح و تحشیه و کوشش بانو دکتر شمیم محمود زیدی. راولپندی، پاکستان، ۱۳۵۳خ، شانزده + ۱۹٤ + viii ص.

در سده ی ۷ ق / ۱۳م شیخ بهاءالدین زکریا از شیخ شهاب الدین سهروردی خرقه ی خلافت گرفته به شبه قاره آمده و به دستور مرشد خود ملتان را برگزید. و یکی از بزرگترین عوامل گسترش اسلام و زبان فارسی در این سرزمین شد. این کتاب برای شناساندن او و سهروردیان و ملتان نگاشته شده است.

بخش دوم آن "خلاصة العارفین" است که ملفوظات آن پیر است و تعلیقات برآن رساله.

۳- زکریای ملتانی، بهاءالدین (۵٦٦ - ٦٦٦ق)

خلاصة العارفین. ملفوظات حضرت شیخ بهاءالدین زکریا ملتانی.

(سخنان سه تن از صوفیان بزرگ شیخ جلال الدین بخارایی

سهروردی م۶۹۰ق و فریدالدین گنج شکر چشتی م ۶۶۴ق و خواجه نظام الدین اولیا ۷۲۵ق) تصحیح و تحشیه ی بانو دکتر شمیم محمود زیدی.

این رساله ضمن "احوال و آثار شیخ بهاءالدین زکریا ملتانی "(ن.ك.با لا) چاپ شده است. (ص ۱۱۳ - ۱۷۱).

۳- تسبیحی، محمد حسین (۱۳۰۸خ - ۰۰۰).

فهرست نسخه های خطی خواجه سنا ءالله خراباتی.

تألیف محمد حسین تسبیحی. راولپندی - پاکستان، ۱۳۵۰خ. پنجاه و هفت + ۳۳۲ + ۱۲ ص.

این نخستین فهرست از کتابخانه های پاکستان بود که از سوی مرکز تحقیقات نگاشته و منتشر شده است. در این مجلد ۵۲ کار به زبانهای فارسی محلی به ترتیب الفبایی نشان داده شده است با نمونه ها از دستنوشته ها و فهرستها.

٤- جعفری، علی اکبر (۱۲۹۹خ - ۰۰۰).

چهار تقویم از دو سال دریك شهر. تألیف علی اکبر جعفری. راولپندی، پاکستان. ۱۳۵۱خ/۱۹۷۳م. هیجده+۶۱+نمونه ها+ xviii ص.

دو تقویم از شهر لاهور سال ۱۱۹۷ق / ۱۱۶۱ خ و دو تقویم ازهمان شهر از سال ۱۹۷۳م./۱۳۹۳ق و بررسی آن چهار تقویم، سبك و محتوای آنها.

٥- جمالی دهلوی (۸٦۲ - ۹٤۲ق)

مثنوی مهر و ماه (سروده شده در ۹۰۵ق). جمالی دهلوی. مقدمه و تصحیح سید حسام الدین راشدی. راولپندی - پاکستان. ۱۳۵۳خ/۱۹۷٤م. ۱۱٤+۲۰۲+ vi ص.

در پیشگفتار (که بوسیله ی دکتر سید علیرضا نقوی بفارسی ترجمه شده) زندگینامه و کارهای ادبی سراینده آمده است: زندگینامه ی او (۸٦۲-۹٤۲/۱٤۵۸-۱۵۳٦)، روزگارش از سرایندگان و نویسندگان و مدرسان، مرگ و خاکجای ایشان، فرزندان، سیر و سیاحت، آثار و نسخه های آثارش، سپس مثنوی عشقی "مهر و ماه" و در پایان فهرستهای پنجگانه، کسان، جایها، مصطلحات، مطالب.

٦- روپ نراین، منشی (روزگار شاه عالم ۱۱۱۹ - ۱۱۲٤ق)

شش جهت. تألیف منشی روپ نراین. تصحیح و تحلیل علی اکبر جعفری، راولپندی - پاکستان، ۱۳۵۲خ/۱۹۷٤م. چهارده+۳٦ + vii ص.

با پیشگفتاری در آغاز درباره ی نگارنده و کتاب و پیشگفتاری به زبان انگلیسی.

پنج داستان کوتاه و یك داستان بلند است، که بایك صنعت ادبی ساخته شده است. داستان بلند از شش جهت خوانده می شود و بدین روش از آن پنج داستان کوتاه بیرون کشیده می شود.

این داستان در ۳٦ سال پادشاهی اورنگ زیب در شاهجهان آباد، پیرامون ۱۱۱۵/۱۷۰٤م نگاشته شده است.

۷- آرزو اکبر آبادی، سراج الدین علیخان (۰۰۰ - ۱۱۶۹ق)

داد سخن. تألیف سراج الدین علیخان آرزو. با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیقات دکتر سید محمد اکرم (استاد زبان فارسی و رئیس دانشکده ی مطالعات شرقی دانشگاه پنجاب). راولپندی - اسلام آباد، پاکستان. ۱۳۵۲خ / ۱۹۷٤م. ص.٤۲ + نمونه ها + ۸۵ + ۱۱ ص.

نقد شعر در شبه قاره است: قدسی مشهدی م ۱۰۵٦ قصیده ای می سراید، شیدا فتحپوری م ۱۰٤۲ق آن قصیده را با قصیده ای نقد می کند، منیر لاهوری م ۱۰۵٤ق نظر خود را درباره ی آندو می سراید. و علیخان آرزو در این رساله آن سه کار را بررسی و محاکمه می کند.

۸- رضوی، دکتر سید سبط حسن (۱۹۲۷م - ۰۰۰)

فارسی گویان پاکستان. شامل شاعران پارسی گوی معاصر و منتخب احوال و آثار آنان. جلد یکم. از گرامی تا عرفانی. تألیف دکتر سید سبط حسن رضوی. راولپندی، پاکستان. ۱۳۵۳خ / ۱۹۷٤م. بیست و چهار + ٦ + ۵۸۷ + xi ص.

زندگینامه و نمونه کار هفتاد و چهار تن از سرایندگان است با ٦۲ صفحه پیشگفتار و شمار بسیاری عکس سرایندگان: پاکستان باستان، نخستین سراینده ی این سر زمین، روابط ایران و این سر زمین، نخستین مرکز ترویج فارسی، نخستین بانوی سراینده، فارسی در دهلی، غوریان و ممالیک، دومین مرکز فارسی در پاکستان (اوچ)، سومین مرکز، ورود فارسی به بنگال،

خلجیان، تغلقیان، سیدان، ورود فارسی به کشمیر، لودیان، تیموریان، چیرگی انگلیسیان، فارسی گویان وجنبش آزادی، برپایی پاکستان، شعر فارسی معاصر در پاکستان، ادوار پنجگانه ی شعر فارسی، صنایع و بدایع ـ سپس متن کتاب.

۹- جعفری، علی اکبر (۱۲۹۹ خ - ...)

تحقیقات فارسی در پاکستان. (از) علی اکبر جعفری. راولپندی، پاکستان. ۱۳۵۲خ / ۱۹۷٤م. ۱۸ + 8 ص.

بررسی کوتاهی است از تحقیقات ایرانشناسی و زبان فارسی در پاکستان، و طرحهای انتشاراتی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، که به مدیریت ایشان کار را آغاز کرده بود.

۱۰- نیر واسطی، پرفسور حکیم

تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان. تألیف پرفسور حکیم نیر واسطی. راولپندی، پاکستان. ۱۳۵۳خ / ۱۹۷٤م. سی و دو+۹۹+۸ ص.

پیشگفتار: پیوند از روزگارهخامنشیان و اسکندر هخامنشیان و ساسانیان، پس از اسلام، سپس طب قدیم و شاهان هند و ایران، پزشکان ایرانی در هند، دو خانواده ی پزشکی در شبه قاره، پزشکی و زبان فارسی، کتابهای درسی پزشکان ایران در هند اسلامی، پزشکی هند به زبان فارسی، کتابهای پزشکی ایران و هند، بیمارستانهای دو سرزمین، کتابخانه ها ...

۱۱- تسبیحی، محمد حسین (۱۳۰۸ خ - ...)

فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، مرکز تحقیقات فارسی

ایران و پاکستان. جلد دوم. تألیف محمد حسین تسبیحی. راولپندی، پاکستان. ۱۳۵۳خ / ۱۹۷۴م. بیست و یك + xii ۸۳۰ ص.

در این مجلد رویهم ۳۰۰ مجلد نسخه ی خطی، و با به حساب آوزدن رساله ها ۳۹۷ نسخه ی فارسی، عربی و زبانهای دیگر، به ترتیب الفبا شناسانده شده است. مجموعه ها در حرف میم آورده شده است. نمونه هایی از دستنوشته ها و فهرستهای هفتگانه.

۱۲ - انعام الحق کوثر، دکتر

شعر فارسی در بلوچستان. تألیف دکتر انعام الحق کوثر استاد دانشگاه کویته (بلوچستان). راولپندی، اسلام آباد. ۱۳۵۳خ / ۱۹۷۵م. شانزده + xii + ۲۰۶ ص.

در آن ۳۳ تن سراینده ی فارسی سرا را گزارش کرده، زندگینامه ی نسبتاً گسترده و نمونهٔ سروده های بسیار. از "رابعه خضداری" دختر کعب آغاز می شود، که گفته می شود نخستین زن سراینده به فارسی است، و در سده ی ۳-٤ ق ودر روزگار رودکی (۳۲۹ / ۹٤۱م) می زیسته است به سرایندگان همروزگار او می رسد. بافهرستها و عکسها.

۱۳ - کشمیری، پاندیت کلهن (زنده: ۵٤۵ / ۱۱۳۸م)

زاج ترنگینی (تاریخ کشمیر) ترجمهٔ فارسی ملاشاه محمد شاه آبادی. قرن دهم هجری. مقدمه و تصحیح دکتر صابر آفاقی. راولپندی - پاکستان، ۱۳۵۳خ / ۱۹۷٤م، ۵۲۰ ص.

دومین ترجمه است از آن متن ارزشمند در تاریخ حماسی کشمیر که

در ٥٤٥ق / ١١٣٨م سروده شده، با پیشگفتاری از ویرایشگر نسخهٔ فارسی، در احوال آن سراینده (کهن) و شناساندن این کار و مآخذ راج ترنگینی، ترجمه های راج ترنگینی به زبانهای انگلیسی و فرانسوی و فارسی، اردو و هندی، این ترجمه ی فارسی آن. و در پایان توضیحات، واژه نامه و فهرستها.

١٤- پارسا، خواجه محمد (٧٥٦ - ٨٢٢ ق)

رسالهٔ قدسیه، تألیف خواجه محمد پارسا. با مقدمه و تحشیه و تصحیح و تعلیقات ملك محمد اقبال دانشیار دانشکده ی دولتی راولپندی، اسلام آباد. (١٣٥٤خ، ١٩٧٥م) بیست + vii + ٣٤٧ ص.

پس از پیشگفتار ویراستار، کتاب در دو بخش است: یکم زندگینامه ی خواجه محمد پارسا (٧٣٩ - ٨٢٢ق) (ص ١ - ١٠٩). دوم متن رساله ی قدسیه یا کلمات خواجه بهاءالدین نقشبند بخارایی (م٧٩١/١٣٨٩م) است، که در مجالس بر زبان آورده و پارسا به دستور علاءالدین محمد گرد آورده است. (ص ١١٠ - ٢٤٤). سپس فهرستها.

١٥- غلام سرور، دکتر

مقدمهٔ جواهر الاولیاء. از استاد دکتر غلام سرور رئیس سابق بخش فارسی دانشگاه کراچی. راولپندی، پاکستان. (١٣٥٥خ) ١٩٧٦م. ١٨٥ + ٣١ص. با فهرستها.

دارای: ١- معرفی نسخه های خطی جواهر الاولیا، ٢- نگارنده ی آن (سید باقر بن عثمان بخارایی) و سادات بخارایی، ٣- جواهر الاولیا و

محتویات آن، ٤- زبان جواهر الاولیا و ویژگیهای آن، ٥- اهمیت این کتاب در این روزگار. با پیشگفتاری به زبان انگلیسی P.26.

١٦- بخارایی، سید باقر بن عثمان (زنده ١١٦٧/١٧٥٤م)

جواهر الاولیاء تألیف سید باقر بن سید عثمان بخاری اچ بخاری. تصحیح و تحشیه و مقدمه (از) استاد دکتر غلام سرور رئیس سابق بخش فارسی دانشگاه کراچی. اسلام آباد، پاکستان. (١٣٥٥خ)، ١٩٧٦م. ٧١٥ + ٣١ ص. باعکسها و نمونه ها و فهرستها. با مقدمه ای به زبان انگلیسی. P.31.

در پنج "جوهر" ١- در فضیلت سوره های قرآن، ٢- نودونه نام باری، ٣- چهل اسم و نام پدران پیامبر، حلیه ی پیامبر، ٤- فضیلت درود، خرقه ی خلافت پیران بخارا، ٥- فضیلت مناجات و ادعیات.

١٧- پیوند های فرهنگی ایران و پاکستان.

(IRAN-PAKISTAN. A COMMON CULTURE)

مجموعه ٢٦ مقاله به فارسی و انگلیسی از پژوهندگان پاکستانی. اسلام آباد، پاکستان. (١٣٥٦ خ) / ١٩٧٧م

مجموعه گفتارهای ایران شناسی است که نخست در نشریات ادواری پاکستان چاپ شده بود. درباره ی میراث فرهنگی، تاریخ و سیاحت، نسخه های خطی فارسی و هنر معماری.

١٨- آفتاب لکھنوی، آفتاب رای (زنده ١٣٠٠ / ١٨٨٣م).

تذکرهٔ ریاض العارفین. تألیف آفتاب رای لکهنوی. به تصحیح و مقدمه ی سید حسام الدین راشدی. بخش اول الف تا ظ. (۱۳۵۵خ) / ۱۹۷٦م. پانزده + ۵۲۳ص.

با پیشگفتاری کوتاه به زبان اردو، که به کوشش دکتر علیرضا نقوی به فارسی برگردانده شده است.

ریاض العارفین نگاشته ی ۱۳۰۰ق است و ۲۱۵۷ تن سراینده را کوتاه شناسایی کرده و نمونه هایی از کار آنان رانشان داده است.

۱۹- احسن، عبدالشکور

گرایشهای تازه در زبان فارسی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۵۵خ) / ۱۹۷٦م. xii + 210 ص. به زبان انگلیسی و کمی فارسی.

پس از اشاره به تاریخ زبان فارسی، دگرگونیها در این زبان را بررسی می کند، سپس به کوششهای سالهای پسین در پاکسازی و پربار تر ساختن این زبان می پردازد.

۲۰- تسبیحی، محمد حسین (۱۳۰۸خ - ۰۰۰).

فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. جلد سوم. تألیف محمد حسین تسبیحی. راولپندی، اسلام آباد. ۱۳۵۵خ، ۱۹۷٦م. بیست + ۹۲٤ + ۱۲ ص.

در این مجلد ٤۰۰ مجلد (٦۸۷ رساله و کتاب) به زبانهای فارسی و عربی و زبانهای پاکستانی، به ترتیب الفبایی و مجموعه ها در حرف میم

آورده شده است. با فهرستهای هفتگانه و نمونه هایی از دستنوشته ها.

۲۱- دهلوی، امیر خسرو، ابوالحسن (۶۵۱ - ۷۲۵ ق).

قران السعدین. سرایش امیر خسرو دهلوی. پیشگفتار پرفسور احمد حسن دانی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۵۵خ) / ۱۹۷۶م. چاپ عکسی. ۳۶۳ + ۳۹ص.

این مثنوی عرفانی و تاریخی است، به پیروی از مخزن الاسرار نظامی، درباره ی رویداد دیدار معزالدین کیقباد شاه دهلی (۶۸۶ - ۶۹۱ ق) در ۶۸۸ / ۱۲۸۹م. با پیشگفتاری به زبان انگلیسی (ص P.38)

۲۲- شبلی نعمانی، علامه محمد (۱۸۵۷ - ۱۹۱۴م).

کلیات فارسی شبلی نعمانی. با مقدمه و جمع آوری و ترتیب و تصحیح و توضیح از دکتر محمد ریاض. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۵۶خ) / ۱۹۷۷م. ده + ۱۵۴ص.

با پیشگفتاری در زندگینامه و کارهای ادبی این سراینده و پژوهشگر نامور.

۲۳- تسبیحی، محمد حسین (۱۳۰۸خ - ۰۰۰).

کتابخانه های پاکستان. جلد یکم. تألیف محمد حسین تسبیحی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۵۵خ)/۱۹۷۷م. هفده+۵۱۳+vii ص.

نگارنده در پی سفرهای خود به داخل پاکستان، کتابخانه ها را دیده، آنها را شناسانده، آماری از نسخه های خطی و کتابهای چاپی

نگاهداری شده در آنها و نیز سیاهه ای از نسخه ها را آورده است ، وفهارس فهرست کتابخانه یی که در جلد دوم باید بیاید وپیشگفتار به زبان انگلیسی.

۲۴- فرجاد، محمد علی

احوال و آثار میرزا اسد الله خان غالب. از محمد علی فرجاد. راولپندی، پاکستان. ۲۵۳۶ش (۱۳۵۶خ)، ۱۹۷۷م، بیست ونه + ۲۵۷ص. با سخن دکتر محمد جعفر محجوب. بافهرستها.

دارای: نگاهی به سیر زبان و ادب فارسی در شبه قاره تا روزگار غالب، نخستین کشور گشایان دره ی سند، گسترش زبان فارسی در لاهور، گسترش آن در دهلی، بنگال، یورش مغول، روزگار غالب، شاعری او، غالب و مذهب، نمونه ها از سروده هایش، نویسندگی غالب، سبک هندی در سروده های غالب.

۲۵- ریاض، دکتر محمد.

اقبال لاهوری و دیگر شعرای فارسی گوی. از دکتر محمد ریاض (استاد بخش اقبال شناسی دانشگاه آزاد. اسلام آباد، پاکستان). اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۵۶خ)۱۹۷۷م. xii+۱۷۷ ص. یادبود صدمین سال تولد اقبال.

دارای: زندگانی اقبال و آثار وی، خودی از نظر اقبال، سبک خراسانی، اقبال و شعرای سبک خراسانی، اقبال و شاعران، سبک عراقی، اقبال و شعرای سبک هندی، اقبال و چند شاعر دوره ی بازگشت ادبی، سبک

اقبال از نظر ناقدان فارسی زبان، ضمیمه اشعار فارسی اقبال.

۲٦. الف - منیر لاهوری، ابوالبرکات منیر (۱۰۱۹ - ۱۰۵٤ ق).

کارنامه. تألیف ابوالبرکات منیر لاهوری. و سراج منیر تألیف سراج الدین علیخان آرزو. با مقدمه و تصحیح و تحشیه دکتر سید محمد اکرم اکرام (استاد زبان فارسی و رئیس دانشکده ی مطالعات شرقی دانشگاه پنجاب)، راولپندی، پاکستان. (۱۳۵٦خ) / ۱۹۷۷م. چهل + ۸ ۹۸ - ۲۱ ص.

با پیشگفتاری کوتاه به زبان انگلیسی و پیشگفتاری تحقیقی درباره ی منیر لاهوری و کارهایش، آرزو اکبر آبادی و کارهایش، بررسی کارنامه و سراج منیر.

در "کارنامه" سروده هایی از عرفی شیرازی، طالب آملی، زلالی خوانساری که از بزرگان سبک هندی اند از منیر نقد شده است، تا شعر فارسی را به روش پیشین برگرداند. و علیخان آرزو از عرفی و سبک او جانبداری می کند و "سراج منیر" را در پاسخگویی منیر نگاشته، از عرفی و آملی و زلالی و ظهوری هواداری می کند.

۲٦. ب- آرزو اکبر آبادی سراج الدین علیخان (۱۱۰۱ - ۱۱٦۹ق).

سراج منیر. تألیف ۰۰۰ ر. ك. منیر لاهوری. پیش از این.

۲۷- دکتر صدیق شبلی، (و) دکتر محمد ریاض.

کشف الابیات اقبال. به کوشش دکتر صدیق شبلی و دکتر محمد

ریاض. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۵٦خ) / ۱۹۷۷م. و + ۱۷۵ص. با پیشگفتاری کوتاه به زبان انگلیسی.

(بی شماره) حسن بنگلزائی (م ۱۲۷۲ق)

گلدسته قلات. از نایب میر محمد حسن خان بنگلزائی. شامل غزلیات و قطعات و رباعیات. با سرمایه ی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، (راولپندی - پاکستان). (۱۹۷۳ تاریخ پیشگفتار)، چهارده + ۱۳۳ ص.

دیوان نایب ملا محمد حسن خان بنگلزائی از خانان بلوچ و متخلص به "حسن" است که بکوشش نبیره اش میر شیر علیخان از سه "دیوان" او گزیده شده است، نایب محمد حسن خان به نخست وزیری بلوچستان رسیده و در جنگ با انگلیسها در بند شده و در اسارت در ۱۲۷۲ق مرده است.

۲۹- هجویری غزنوی، ابوالحسن علی بن عثمان (م ٤٦۵ / ۱۰۷۳).

کشف المحجوب. تصنیف ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی الهجویری الغزنوی اللاهوری المشهور به داتا گنج بخش، رحمة الله علیه، به تصحیح و تحشیه ی علی قویم، افست بکوشش ارشد قریشی، اسلامك بك فاوندیشن لاهور، پاکستان. (۱۳۵٦خ) ۱۹۷۸/۹م. ۳۹۲ ص.

همان کار علی قویم است برپایه ی سه نسخه، با پیشگفتار او که برای کمك به گسترش زبان فارسی در این سرزمین افست شده است.

۳۰- زکریا ملتانی، بهاءالدین (۵٦٦ - ٦٦۱ق)

الاوراد. اشاعت اولین مخطوطه قدیم تصنیف شیخ الاسلام حضرت بهاءالدین زکریا ملتانی، علیه الرحمه، با همکاری اسلامک بك فاوندیشن، لاهور - پاکستان، (۱۳۵٦خ) / ۱۹۷۸م. ۱۹۹ ص.

از دید نثر کهن آن و واژه های بکار گرفته و آداب سلوک سهروردیان بسیار ارزشمند است.

۳۱- بیدل عظیم آبادی لاهوری، میر عبدالقادر (۱۰۵٤ - ۱۱۳۰ق).

کلیات میرزا عبدالقادر بیدل. منتخب غزلیات و رباعیات و حکایات و اشارات، نکات و مثنوی محیط اعظم، با همکاری مؤسسه ی انتشارات اسلامی لاهور، (پیشگفتار سید عارف نوشاهی). برمبنای چاپ ۱۳۰۲/۱۸۸۵م (۱۳۵۷خ)، ۱۹۷۸م، ۲٤ + ٤۹٦ص.

متن چاپ سنگی ۱۳۰۲ق / ۱۸۸۵م مطبع صفدر بمبئی بکوشش نورالدین جیواخان تاجر کتب می باشد.

۳۲- کرمانی، سید محمد بن مبارک علوی (۰۰۰ - ۷۷۰ق).

سیرالاولیاء در احوال و ملفوظات مشایخ چشت. (از) سید محمد بن مبارک علوی کرمانی م ۷۷۰ق. معروف به میر خورد.

نگارنده مرید خواجه نظام الدین اولیاء است. و کتاب در ده "باب".

پنج باب نخست زندگینامه ی پیران است و پنج باب پسین عرفان و سلوک.

۳۳- شبستری، سعدالدین محمود. (۶۸۷ - ۷۲۰ ق).

گلشن راز. شیخ محمود شبستری رحمة الله علیه. (با همکاری مؤسسه ی انتشارات اسلامی لاهور). لاهور-پاکستان. (۱۳۵۷خ) / ۱۸۸۰م. ۲۰ + ۵۸ + 94 ص.

چاپ افست برپایه ی چاپ ۱۲۹۷ / ۱۸۸۰ همراه با ترجمه ی انگلیسی و یادداشتها از وینفلد. پیشگفتار انگلیسی به کوشش دکتر علیرضا نقوی به فارسی بر گردانیده شده است.

۳۴- چرخی غزنوی، یعقوب بن عثمان (زنده ۸۵۰ / ۱۴۴۷م).

رساله ابدالیه. حضرت مولانا یعقوب چرخی رحمة الله علیه. تصحیح و تعلیق و پیشگفتار از محمد نذیر رانجها. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۵۷خ) / ۱۹۷۸م. ۳۳ + ۸۱ + ۱۰ص.

یعقوب چرخی ثم شیرازی م پیرامون ۸۵۰ ق نگارنده ی تفسیر نامی "تفسیر چرخی" و این رساله نمونه ی نثر فارسی از سده ی نهم ق / ۱۵م می باشد. با پیشگفتاری از زندگینامه و کارهای ادبی نگارنده.

۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۵۷- مولوی بلخی، جلال الدین محمد (۶۰۴ - ۶۷۲ق).

مولانا جلال الدین بلخی معروف به رومی، با ترجمه و مقدمه و

حواشی اردو قاضی سجاد حسین محقق و رئیس مدرسه ی عالی فتحپور، دهلی، پیشگفتار دکتر وحید قریشی استاد غالب شناسی و رئیس فوکلتیه ادبیات و علوم دانشگاه پنجاب، (باهمکاری) موسسه ی انتشارات اسلامی لاهور. لاهور، پاکستان. ۱۳۵۸ / ۱۹۷۸م.

شش مجلد برپایه ی چاپ دهلی ۱۹۹٤/۱۹۷٤تا۱۳۹۸/۱۹۷۸م.

٤٢- منزوی، احمد (۱۳۳٤خ - ۰۰۰).

فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش. تألیف احمد منزوی. جلد اول. اسلام آباد. پاکستان. (۱۳۵۷خ/۱۹۷۸م). بیست و چهار + ٤۳۵ + 2 ص.

نسخه های خطی فارسی در ده بخش، هریك به ترتیب الفبایی: تفسیر، تجوید، درباره ی قرآن، ریاضی، موسیقی، ستاره شناسی و اختر بینی، طبیعیات، کیمیا، پزشکی، چند دانشی با سخن مدیر از دکتر سید مهدی غروی، درباره ی منزوی و گزارش از اسلام آباد و فروگذاشتن کوله پشتی و آغاز کارش در مرکز تحقیقات و فهرستنگاریش.

در این مجلد ۷۵۵ عنوان و ۱۰۵۸ نسخه شناسایی شده است.

٤۵- غروی، دکتر سید مهدی

نخستین کارنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. نگارش سید مهدی غروی. اسلام آباد، پاکستان. اسفند ۱۳۵۷خ، ٦٤ص.

دارای: انتشارات مرکز تحقیقات، انتشارات به طریق مشارکت، زیر

چاپ، طرحهای پژوهشی، همکاری با بخش فارسی مؤسسه ی ملی زبانهای نوین، کتابخانه ی گنج بخش، توزیع کتاب و مجله ...

٤٦- (بی شماره) جامی، عبدالرحمان (۸۱۷ - ۸۹۸ ق).

لوایح. عبدالرحمان جامی. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. اسلامك بك فاوندیش. (۵۵ + 61 + 8 ص)، ۱۹۷۸.

۳٤- "لایحه" است در مسایل عرفانی، به نثر مسجع آمیخته با رباعی ها، با ترجمه ی انگلیسی آن، از وینفلد - قزوینی، با دیباچه ی انگلیسی شهید الله فریدی.

٤۷- منزوی، احمد (۱۳۰٤ خ - ...).

فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش. تألیف احمد منزوی، جلد دوم. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۵۷خ / ۱۹۷۸م)، ص ٤۳۹ - ۱۰۰۸.

نسخه های خطی فارسی، درشش بخش، هر یك به ترتیب الفبایی: منطق، حکمت و فلسفه، ملل و نحل، کلام و عقاید، عرفان، فلسفه ی عملی، بافهرستهای مؤلفان برای هر گروه.

در این مجلد ۷۵٦ عنوان کتاب و ۱۲۵۸ نسخه شناسانده شده است.

٤۸- منزوی احمد (۱۳۰٤خ - ...).

فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش. تألیف احمد منزوی،

جلد سوم (فارسی). اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۵۹خ / ۱۹۸۰م)، ص ۱۰۱۱ - ۱۹۲۳.

یازده بخش هر یك به ترتیب تهجی: خط و هنر، فرهنگنامه، دستور زبان، نامه نگاری، بلاغت، عروض و قافیه، معما، متن های ادبی و شرح آنها، داستان، دیوان ها و شرح آنها، منظومه ها و شرح آنها، بافهرست نگارندگان.

در این مجلد ۱۰۵۹ عنوان و ۵۳۸۷ نسخه شناسانده شده است.

٤۹ - رعدی، (روزگار جهانگیر ۱۰۱٤ - ۱۰۳۷ ق).

خموش خاتون. رعدی پیشگفتار و ویرایش از دکتر سید مهدی غروی. پیرامون ۵۷ - ۱۳۵۸خ. ۲۸ + ٦٦ ص.

مثنوی است داستانی از ریشه ی هندی، در داستان دختری خاموش که لب به سخن نمی گشود و به سخن در آوردن او. این کتاب پیش از انتشار متوقف ماند (مشترك ۷ : ۷۸۳).

۵۲ - سیف اسفرنگی، سیف الدین (۵۸۱-٦٦٦ق).

دیوان سیف الدین اسفرنگی. تصحیح و تحقیق و پیشگفتار از دکتر زبیده صدیقی. مولتان، پاکستان. (۱۳۵۷خ / ۱۹۷۹م). ۷۵۲ ص.

در برنامه ی انتشارات مرکز تحقیقات بود و پیش از تجلید به علل مالی از برنامه خارج شد (نخستین کارنامه : ۳٤).

(بی شماره) محسن علی نجفی

اسلامی جمهوری ایران کا آئین. ۲۴ آبانماه ۱۳۵۸خ مطابق ۲۴ ذیحجه ی ۱۳۹۹ق. دفتر قانون ساز اسمبلی. ترجمه ی محسن علی نجفی، به همراهی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. راولپندی، پاکستان (اکتوبر ۱۹۸۰م). ۹۲ ص.

از فارسی به اردو.

(بی شماره) مطهری، مرتضی (۱۲۹۸ - ۱٤۵۸خ)

بیسویں صدی کی اسلامی تحریکیں، از استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری. ترجمه ی دکتر ناصر حسین نقوی، بهمراهی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، راولپندی، پاکستان. (نوامبر ۱۹۸۰م)، (۷٦ ص).

از فارسی به اردو.

٦۱- مطهری، مرتضی (۱۲۹۸-۱۳۵۸خ).

ایران اور مصر میں کتب سوزی. (مسلمانوں پر عائد ایك تاریخی الزام کا تجزیه)، تألیف استاد مرتضی مطهری، مقدمه و ترجمه و حواشی(از) سید عارف نوشاهی. راولپندی، پاکستان. ۱٤۰۱ ق/۱۹۸۱م. ۱۳۸ص.

ترجمه ی بخشی از "خدمات متقابل اسلام و ایران" استاد مطهری است به زبان اردو.

٦۲- منزوی، احمد (۱۳۰٤خ - ...)

فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش. تألیف احمد منزوی.

جلد چهارم. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۱خ/۱۹۸۲م)(سخن مدیر از اکبر ثبوت)، ص ۱۹۲۵-۲۵۱۳.

دریازده بخش: سفر نامه، جغرافیا، تاریخ، تذکره ی سرایندگان، سیر اولیاء و بزرگان، فقه، علوم غریبه، دعا و اوراد، مستدرك و هر یك به ترتیب الفبایی، بافهرست نام کتابها و نویسندگان.

در این مجلد ۵٤۸ عنوان کتاب و ۱۵۳۰ نسخه شناسانده شده است.

٦۳- آفتاب لکهنوی، آفتاب رای (... - ۱۳۰۰ق).

تذکره ریاض العارفین. تألیف آفتاب رای لکهنوی. به تصحیح سید حسام الدین راشدی. بخش دوم. ع تا ی. ۱۳۶۱خ/۱۹۸۲م. ۲۳+۳۸۱ ص.

چون استاد بزرگوار و ایران شناس سترگ راشدی در ۱۹۸۲م نابهنگام در گذشت، همکار گرامی سیدعارف نوشاهی پیشگفتار این مجلد را درباره ی نگارنده ی متن و خویشاوندان او، و ریاض العارفین، و ارزش ادبی این کتاب نگاشت.

و نیز ۲٤ کار چاپ شده ی استاد راشدی، و آثار در دست و کارهای آماده برای چاپ ایشان دراین پیشگفتار شناسانده شده است.

٦٤- دوائر در علوم قرآنی.

عکسی از مجموعه شماره ی ۷۲۰ کتابخانه ی گنج بخش، اسلام آباد - پاکستان. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳۶۱ق / ۱۹۸۲م، هشت +

۳۷۳ص.

رساله ی یکم "المستخلص" است، از کهنترین واژه نامه های عربی به فارسی، نگاشته ی حافظ الدین محمد بخارایی از سده ی ۷-۸ ق. رساله ی دوم به زبان عربی و ناشناخته.

٦٥- فانی کشمیری، محسن (... - ۱۰۸۲ق).

اخلاق عالم آرا "اخلاق محسنی" نگاشته محسن فانی کشمیری، تصحیح و پیشگفتار (از) خ. جاویدی (منزوی)، اسلام آباد، پاکستان. ۱۳٦۱خ/۱۹۸۲م ۲۰ + ۲۵۱ ص.

با پیشگفتاری از شاد روان بانو جاویدی (منزوی) ویر استار، درباره ی نگارنده و فهرست کارهایش در ۱۱ بند. و بررسی این متن.

٦٦- حکمت، دکتر علی اصغر (۱۳۱۰ . ۱٤۰۰ق)

جامی، خاتم الشعرا نورالدین عبدالرحمان جامی. (۸۱۷-۸۹۸ھ /۱٤۱٤-۱٤۹۲م) کے احوال و آثار پر جامع تحقیقات، تألیف علی اصغر حکمت (۱۳۱۰ - ۱٤۰۰ھ). ترجمه و تحشیه و تکمله سید عارف نوشاهی، رضا پبلی کیشنز، لاهور. ۱٤۰۳ق/۱۹۸۳م. د + ۵۱ ص.

ترجمه ی کار علی اصغر حکمت است به زبان اردو با افزودگیها.

٦٧- داعی شیرازی، شاه داعی الی الله (۸۱۱ - ۸۷ ق).

نسایم گلشن (شرح گلشن راز). نگاشته شاه داعی الی الله شیرازی. تصحیح و پیشگفتار (از) محمد نذیر رانجها. اسلام آباد،

پاکستان. ۱۳۶۲خ/۱۹۸۳م، ۴۹+۲۷۵ص.

درمیان دیگر گزارشهای "گلشن راز" نسبتاً گزیده ترولی بسیار عمیق تر، داعی از سده ی نهم هـ ق و نیم سده پیش از لاهیجی نگارنده ی "مفاتیح الاعجاز" می بوده است.

محمد نذیر رانجها در پیشگفتار خود هشتاد کار ادبی شاه داعی را شناسانده و از این رهگذر شاید کا ملترین باشد، و چند نکته درباره ی این کارش.

۶۸- منزوی، احمد (۱۳۰۴خ - ...).

فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد منزوی. جلد اول. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۲خ/۱۹۸۳م). ۳۴۰+۹۴۹ص. (سخن مدیر از استاد اکبر ثبوت).

در ده بخش: تفسیر، تجوید، درباره ی قرآن، ریاضی، ستاره شناسی، علوم غریبه، طبیعیات، پزشکی، کیمیا، چنددانشی، هر یک بخش به ترتیب الفبایی، بافهرست نگارندگان برای هر یك گروه.

در این مجلد ۱۵۴۴ عنوان کتاب و ۴۵۱۳ نسخه شناسانده شده است.

۶۹- چرخی غزنوی، یعقوب (... - پیرامون ۸۵۰ ق).

رساله انسیه. تألیف حضرت مولانا یعقوب چرخی قدس سره العزیز. تصحیح و ترجمه و مقدمه (از) محمد نذیر رانجها. اسلام آباد، پاکستان. به

همکاری مکتبه دایره ادبیات، دیره اسماعیل خان. (۱۳٦۲ خ /۱۹۸۳م ۷ + ٤۲ + ۱۱۲ص.

چرخی در شیراز می زیسته و در پیرامون ۱٤٤۷/۸۵۰ در گذشته است و به "تفسیر" ش شناخته می شود. انسیه سخنان و مناقب خواجه بهاءالدین نقشبند بخارایی م ۷۹۱ / ۱۳۸۸ است "تا سبب انس اصحاب گردد".

۷۰- مهر، دکتر نور محمد

بررسی لغات اروپائی در زبان فارسی. از دکتر مهر نور محمد خان. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳٦۲خ/۱٤۰٤ق، شانزده+۲۱٦ص.

با پیشگفتار: ایجاد ارتباط با اروپا، راههای نفوذ، آغاز اقتباس واژه ها، چگونگی تأثیر، طبقه بندی لغات بیگانه، امور مربوط به گذراندن زندگی روزانه.

۷۱- نوشاهی، سید عارف

فهرست نسخه های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی. نگاشته ی سید عارف نوشاهی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦۲خ/۱۹۸۳م). چهارده + ۱۰۷۷ ص.

به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب الفبایی: تفسیر، تجوید، علوم قرآنی، ریاضی، ستاره شناسی و اختر بینی، طبیعیات، کیمیا، پزشکی، چند دانشی، منطق، فلسفه، عقاید، عرفان، فلسفه ی علمی، خط، فرهنگنامه، دستور زبان، نامه نگاری، نثر های ادبی، بلاغت موسیقی،

عروض و قافیه، معما، دیوان، منظومه ها، داستان، سفر نامه، جغرافیا، تاریخ، تذکره ها، حدیث، فقه، اوراد، علوم غریبه، هندوشناسی، استدراك، سپس فهرستهای راهنما.

۷۳- نوشاهی، سید عارف

فهرست نسخه های خطی فارسی انجمن ترقی اردو، کراچی. نگاشته ی سید عارف نوشاهی. (با همکاری اداره ی معارف نوشاهیه)، اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۳خ/۱۹۸٤م)، بیست و سه + ۲۷۹ص.

به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب الفبایی: تفسیر، تجوید، ریاضی، ستاره شناسی، طبیعیات، پزشکی، آشپزی، کیمیا، چند دانشی، فلسفه، عرفان، فلسفه ی عملی، خط، فرهنگنامه، دستور زبان، نامه نگاری، نثرهای ادبی، نقد های ادبی، بلاغت، موسیقی، عروض و قافیه، معما، دیوان، منظومه ها، داستان، جغرافیا و سفرنامه، تاریخ، تذکره، حدیث، عقاید و کلام، ملل و نحل، فقه، علوم غریبه، هندو شناسی، سپس فهرستهای راهنما.

۷٤- عارف نقوی، سید حسین

تذکره علمای امامیه پاکستان. از سید حسین عارف نقوی. اسلام آباد، پاکستان. ۱٤٦۳خ/۱٤۰٤ق/۱۹۸٤م. (چهل و چهار) + ٦۱۹ ص.

زندگینامه ی علمای اهل تشیع پاکستان به ترتیب حروف تهجی در نام آنان، به زبان اردو، دانشمندانی که بیشتر از ایران و فرهنگ ایرانی بهره مند بوده اند، چه گسترش اسلام در شبه قاره، رهین کوششهای دانشمندان و

عارفان ایرانی و زبان فارسی بوده است.

۷۵- سهروردی، شهاب الدین یحیی (... - شهید ۵۸۷ ق)

سه رساله از شیخ اشراق شهاب الدین یحیی سهروردی: الالواح العمادیه، کلمة التصوف، اللمحات. بتصحیح و مقدمه نجفقلی حبیبی. (باهمکاری) مؤسسه ی انتشارات اسلامی لاهور، لاهور، پاکستان. ۱۳۶۳خ /۱۹۸٤م. چهل و چهار + ۲۰٤ + 4 ص.

هر سه رساله به عربی، پیشگفتار و حاشیه ها به فارسی ست. افست برپایه ی چاپ تهران ۱۳۹۷/۱۹۷۷م.

۷٦- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین (...-٦۹۱ق)

گلستان. شیخ اجل مصلح الدین سعدی. همراه با ترجمه ی انگلیسی از میجر آر. پی. آندرسون. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳٦۳خ/۱۹۸٤م. x + ۵۲۲ ص.

این کتاب به همینگونه، نخستین بار در ۱۸٦۱م چاپ شده است، آندرسن در پیشگفتار خود می گوید این ترجمه را برپایه ترجمه ی کار دیگری بنام گلاد وین به انجام رسانده است. و می افزاید "گلستان" را نزد بومیان همین سرزمین آموخته است، بومیانی که حتی یك کلمه هم انگلیسی نمی دانسته اند.

۷۷- تهرپالوی، محمد هاشم نوشاهی

(م۱۸٤۳/۱۲۵۲م)

چهار بهار. ملفوظات شیخ الاسلام حضرت نوشه گنج بخش.

(۹۵۹-۱۰٦٤ق) موسوم به "چهار بهار". گردآورنده شیخ محمد هاشم تهرپالوی. با ترجمه ی اردو موسوم به "خزاین الاسرار" از سید شرافت نوشاهی. به اهتمام سیدعارف نوشاهی. (باهمکاری) اداره ی معارف نوشاهیه، لاهور، پاکستان. ۱۳٦۳خ/۱۹۸٤م، ٤۲۰+۱٤٦+٦۰+۱۱+۱۷۷ ص.

سخنان شیخ حاجی محمد نوشه بنیاد گذار خاندان نوشاهی است به نثر آمیخته به نظم. خاندانی که طی صدها سال از پاسداران زبان فارسی در این سر زمین بوده اند. و آثار بسیاری بدین زبان ازخود به یادگار گذاشته اند.

۷۸- حافظ شیرازی، مولانا شمس الدین محمد (پیرامون ۷۲۹ - ۷۹۲ق).

دیوان حافظ. با ترجمهٔ اردو از قاضی سجاد حسین(مدرس مدرسه ی عالی فتحپور دهلی). (با همکاری) مؤسسه ی انتشارات اسلامی لاهور. لاهور، پاکستان. ۱۳٦۳خ/۱۹۸٤م. ند + ٤۸۸ + 4 ص.

با سخن مدیر و "پیوست حافظ شناسی در شبه قاره" از آقای اکبر ثبوت، درباره ی: الف. چاپهای دیوان که تاریخ هجری قمری دارد. ب. چاپهایی که تنها تاریخ میلادی آن دانسته شده. ج. چاپهایی که تاریخ آن دانسته نشده. سپس "نمونه ای از شروح و ترجمه ها و حواشی و فرهنگنامه های دیوان حافظ در شبه قاره" به ترتیب نام نگارندگان ازهمو.

... و یك پیشگفتار به زبان اردو از دکتر سید محمد اکرم "اکرام"

پروفسور فارسی، پنجاب یونیورستی، لاهور.

۷۹- هروی، سعدالدین (سده ی ۹-۱۰ ق)

صیدیه. از سعدالدین هروی به تصحیح محمد سرفراز ظفر و بخش صید و ذباحه واطعمه و اشربه از "شرح فارسی شرایع" محقق حلی. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳۶۳خ/۱۹۸۴م، یازده + ۲۳۶ ص.

خاتمه ی آن فرهنگنامه ی کوتاهی است ارزشمند، از جانوران، به ترتیب الفبایی، که در آن خواص هر یك از جانوران و روایات اساطیری درباره ی آنها گزارش شده است.

۸۰- جهاد نامه

تألیف در قرن هفتم هجری. به ضمیمه رساله ای دیگر در جهاد اکبر. به اهتمام سید عارف نوشاهی. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳۶۳خ/۱۹۸۴م. سیزده + ۴۲ + نمونه ها.

ارائه ی دو نثر کهن فارسی، در دو گفتار به هم پیوسته، جهاد با دشمن بیرونی و جهاد با نفس و هواهای آن، که به خاطر اهمیت بیشترش جهاد اکبر نام دارد، که پیروزی در این، پیروزی بر دیگری را بدنبال دارد.

۸۱- گرجی، فریدون بیگ (... - ۱۲۸۸ق).

منشور فریدون بیگ گرجی. با مقدمه و تصحیح دکتر سید مهدی غروی. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳۶۳خ/۱۹۸۴م، ٤ + ۳۹ص.

یك سند از ایالت سند و خاندان گرجی تبار، که حاوی آیین نامه و

سفارشنامه ای است برای آینده به فرزند و باز ماندگان که از رهگذر اجتماعی ارزشمند است، و سروده هایی به فارسی ازآن خاندان.

(بی شماره). اردستانی، معزالدین محمد حسینی (نگارنده ی کاشف الحق، زنده ۱۰۵۸/۱٦٤۸م).

میاسه و مقداد. نگاشته معزالدین محمد حسینی اردستانی، میر میران ... برمبنای نسخه ی خطی کتابخانه ی گنج بخش، شماره ی ۱۰۷٦۱. رونویسی بهاءالدین وکیلی پوپلزائی وابسته ی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. اسلام آباد.

در مجله دانش ٤/۱۳٦٤خ ص ۱-٦۸ چاپ شده است. داستان مقداد (صحابی بزرگوار است) و دختری بنام میاسه. داستانی حماسی دینی به نثر از روی یگانه نسخه ی آن که از فرسودگی در آستانه ی نابود بود. (برای شناخت بیشتر ر. ک. مشترک ٦ : ۱۰۰٤).

(بی شماره) آقا حسین شاه همدانی (همروزگار).

The life and Works of Sayyid Ali Hamadani (A.D. 1314-1385). by. Agha Husain Shah Hamadani ... Islam Abad. 1984.

زندگینامه و کارهای میر سید علی همدانی است، که با کمك "مرکز تحقیقات" بی نام و نشان و شماره ای پخش گردیده است. (ر. ك. مشکاة، ۱۳٦٦/۱٦خ : ۱۹۵).

۸۳- محمد عالم صدیقی علوی، شیخ (۹۷۲-۱۰٤۱ق).

لمحات من نفحات القدس. نگاشته ی شیخ محمد عالم صدیقی

علوی. پشگفتار و فهارس (از) محمد نذیر رانجها. (با همکاری) مؤسسه ی انتشارات اسلامی لاهور. لاهور، پاکستان. ١٣٦٥خ/١٩٨٦م، ٤٤ + ٦٦١ ص.

در دو "مقصد" یکم عرفانی عملی است و بیان خوارق عادات مشایخ سلسله ی جهریه. دوم زندگینامه و حالات پیران با خواجه احمد یسوی (م٥٦٢/٦-١١٦٧ق) آغاز می شود. که از روی یك نسخه ی خطی عکسی چاپ شده است.

با پیشگفتاری از همکارمان رانجها درباره ی نگارنده از تبار و گروه و خویشاوندان و پیران و خاکجای و این کارش و این نسخه که اصل آن در کتابخانه ی گنج بخش است.

٨٣- منزوی، احمد (١٣٠٤خ ـ ...).

فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد منزوی. جلد دوم. اسلام آباد، پاکستان. (١٣٦٣خ/١٩٨٤م)، ص ٩١٨ - ١٢٠٦.

در چهار بخش: منطق، حکمت و فلسفه، ملل و نحل، کلام و عقاید، هر یك بخش به ترتیب الفبایی.

در این مجلد ٥٧٣ عنوان کتاب و ١٣٤٢ نسخه ی موجود در پاکستان شناسانده شده است.

٨٤- منزوی، احمد (١٣٠٤ خ - ...)

فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد

معنوی. (۱۳۶۳خ/۱۹۸۴م)، ص ۱۲۰۷ - ۲۱۳۲.

این مجلد با نزدیک به هزار صفحه، تنها بخش عرفان را در بردارد، با ۱۷٤۰ عنوان کتاب و ۵۷۱۵ نسخه، به ترتیب الفبایی در نام کتابها.

بسیاری این آثار، چیرگی عرفان برکل فرهنگ این سرزمین را نشان می دهد. سخن مدیر اشاره ای به اهمیت این بخش ادارد.

۸۵- نوشاهی، سید عارف

فهرست چاپهای آثار سعدی در شبه قاره و چاپهای شروح و ترجمه ها و فرهنگنامه ها و تضمین های آثار وی. تألیف سید عارف نوشاهی. ۱۳۶۳خ/۱۹۸۵م (به یاد بود هشتصد مین سالگرد تولد). « +) + ۱۳۳ + نمونه ها.

بررسی نقش سعدی در فرهنگ شبه قاره، برپایه ی چاپ آثار او و وابسته به آثار او، از شرح ها و ترجمه ها و واژه نامه ها. برای نمونه: ۱۳٤ چاپ از "بوستان" و ۱۲ ترجمه و ٦ شرح و ۵ واژه نامه از آن، و ۱۹۰ چاپ از "گلستان" و ۳۰ ترجمه و ۸ واژه نامه از آن ...

۸٦- داعی شیرازی، نظام الدین محمود (۸۱۱-۸۷ق).

شرح مثنوی معنوی. جلد یکم. نگاشته ی شاه داعی الی الله شیرازی. تصحیح و پیشگفتار محمد نذیر رانجها. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳۶۳خ/۱۹۸۵م. ۸۵+٦۱۹ص.

محمد نذیر رانجها در پیشگفتار آن، ۱۹۵ شرح و واژه نامه و ترجمه

به زبانهای گوناگون از "مثنوی معنوی" را نشانی داده است. با فهرستها در پایان.

۸۷- داعی شیرازی، نظام الدین محمود (۸۱۱ -۸۷ق)

شرح مثنوی معنوی. جلد دوم. نگاشتهٔ شاه داعی الی الله شیرازی، تصحیح و پیشگفتار محمد نذیر رانجها. ۱۳٦٤خ/۱۹۸۵م. ۳۳ + ٥٦٥ + ۲۳ص.

این مجلد گزارش چهار دفتر از شش دفتر را در بردارد. دفتر ۳ تا ٦. گزارش دفتر ششم تنها ١٤ صفحه از این مجلد را پرکرده است، و "حاشیه" را ماند نه "گزارش"

۸۸- کرمینی، علی بن محمد الادیب (سده ی ۷ ق).

تکملة الاصناف. (لغت عربی به فارسی). تصنیف علی بن محمد الادیب الکرمینی (متوفی حدود قرن ۷ ق). اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦۳خ/۱۹۸۵م)، ن + ۲۰ + ٥٠ اندازه ی بزرگ.

واژ نامه ی عربی – فارسی است به ترتیب الفبایی در آغاز آنها. با پیشگفتار "سخن مدیر، در نگاهی به واژه ها و واژه نامه ها و نگارنده و کتاب، بسیار ارزشمند.

۸۹- منزوی، احمد (۱۳۰٤خ - ...)

سعدی بر مبنای نسخه های خطی پاکستان. تألیف احمد منزوی. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳٦۳خ/۱۹۸۵م. (به یاد بود هشتصد مین سالگرد

تولد)، چهارده + ۲۱۹ص.

بررسی نقش سعدی در فرهنگ این سرزمین، برپایه ی فهرست نگاشته ها و نسخه های آنها و شرحها و ترجمه ها و واژه نامه هایشان. برای نمونه: ۲۸٤ نسخه از متن بوستان، سیزده شرح و پنج واژه نامه و سه ترجمه ی (خطی) ازآن، ۳٦۹ نسخه از "گلستان" و سی و سه شرح و پنج واژه نامه و سه ترجمه از آن و نسخه هایشان...

۹۰- دهلوی، عبدالحق، محدث (۹۵۸ - ۱۰۵۲ ق).

رسالهٔ نوریه سلطانیه. تألیف شیخ عبدالحق محدث دهلوی. با مقدمه و تصحیح و تعلیق و تراجم اعلام. (از) دکتر محمد سلیم اختر. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦۳خ/۱۹۸۵م)، ٤ + ۱۵۰ + 2 ص.

در کشور داری، همراه با داستانهایی در آن زمینه، که برای پادشاه تیموری هند (جهانگیر ۱۰۱٤-۱۰۳۸ق) نگاشته است، و او را به حکومت داد می خواند.

۹۱- ملتانی، ابوبکر اسحاق بن تاج الدین ابوالحسن

خلاصة جواهر القرآن فی بیان معانی لغات القرآن. تألیف ابوبکر اسحاق بن تاج الدین ابی الحسن الحافظ الملتانی. تصحیح و حواشی و فهارس از دکتر ظهور الدین احمد. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦٤خ/۱۹۸۵م)، ۸ + ۱۳۸ ص.

واژه نامه ی قرآنی است، کار فقیهی از اوایل سده ی هشتم سرزمین ملتان (پاکستان)، که از روی یگانه نسخه ی آن، که در دانشگاه توبنگان

(آلمان باختری) نگاهداری می شود، چاپ شده است. بکوشش و ویرایش - بی گمان - یکی از پرکار ترین و آشنا ترین دانشمندان پاکستانی به آثار فارسی این سرزمین.

۹۲- نوشاهی، سید شریف احمد شرافت (۱۳۲۵-۱۴۰۳ ق

تاریخ عباسی. سادات علویه عباسیه کا تذکره. (نصف آخر)، تألیف سید شریف احمد شرافت نوشاهی. با همکاری اداره ی معارف نوشاهیه. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۴خ)، ٤٦ + ص ۲۳۰ - ٥٦٦.

زندگینامه و تبار نامه ی خاندان عباسی ست، به زبان اردو. نسخه ی کامل آن در ٦ + ٥٦٦ ص از سوی اداره ی معارف نوشاهیه، در ۱٤۰۳ق/۱۹۸۳م چاپ شده است.

۹۳- منزوی، احمد (۱۳۰٤خ - ...)

فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد منزوی. جلد چهارم. هندویی، فلسفهٔ عملی، پیشه ها و آداب پیشه وران. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳٦٤خ/۱۹۸۵م، ۱۰ص + ص ۲۱۳۳ - ۲۸۰٤.

در سه بخش، هر یك به ترتیب الفبایی. در این سه بخش رویهم ۵۵ عنوان نام کتاب و ۲۳٦۹ نسخه شناسانده شده است. سپس سه فهرست برای بخشهای عقلی: ۱- نام کتابها، ۲- نام نگارندگان، ۳- نام کسان.

۹٤- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین. (... - ٦۹۱ ق)

گلستان سعدی تے کریا تحت اللفظ پنجابی. ترجمه سید غلام

مصطفی نوشاهی (۱۳۰۷ - ۱۳۸٤ق). با محاوره ترجمه تے تصحیح محمد سرفراز ظفر. (باهمکاری) اداره ی معارف نوشاهیه. اسلام آباد، پاکستان. ۱٤۰۰ق/۱۹۸۵م. ٦۷٤ + ۳۳.

۹۵- ریاض، دکتر محمد

احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی. باشش رساله از وی. دکتر محمد ریاض. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳٦٤خ/۱۹۸۵م. ٤۱+٥٤٥ص.

با سخن مدیر درباره ی همدانی و اندیشه و رفتارش. همراه شش رساله: ۱- رساله ی فتوتیه، ۲- مشارب الاذواق، ۳- مرادات دیوان حافظ و توضیح اصطلاحات آن، ٤- چهل و یك غزل، ٥- درویشیه، ٦- السبعین فی فضایل امیرالمؤمنین.

۹٦- کامران مقدم (صفیاری)، دکتر شهین دخت.

تاریخ پیشرفت اسلام. دکتر شهیندخت کامران مقدم (صفیاری)، اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦٤خ/۱۹۸۵م)، ۱۰+۱٥٦ ص.

تاریخ کوتاه پیدایش و گسترش اسلام به ترتیب تاریخی از سده ی یکم تا چهاردهم.

۹۷- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین (... - ٦۹۱ق)

گلستان. شیخ اجل مصلح الدین سعدی. همراه با ترجمه ی انگلیسی از میجر آر. پی. آندرسون. اسلام آباد - پاکستان. ۱۳٦٤خ/۱۹۸۵م. چاپ سوم. ح + 592 ص.

چاپ سوم ردیف (۷٦) است در اندازه ی بزرگتر ۲۸ X ۲۱ سانت.

۹۸- زرین کوب، دکتر عبدالحسین (۱۳۰۱خ - ...)

از گلستان عجم. اردو ترجمه و تنقید "باکاروان حله" تألیف دکتر عبدالحسین زرین کوب. ترجمه ی دکتر مهر نور محمد خان (و) دکتر کلثوم فاطمه سید. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦٤خ/۱۹۸۵م)، نو + ۵۲۳ ص.

کاروان سرایندگان از رودکی و فردوسی و فرخی تا جامی و صایب و بهار، ترجمه "کاروان حله" زرین کوب.

۹۹- ریاض، دکتر محمد

کتابشناسی اقبال. دکتر محمد ریاض. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦٤خ/۱۹۸٦م)، ك + ۳۰۹ ص.

دارای: کتابشناسی اقبال در زبان اردو، مجله های ویژه ی اقبال شناسی در شبه قاره، کتابشناسی اقبال در زبان انگلیسی، مقاله ها در زبان انگلیسی، کتابشناسی اقبال در زبان فارسی، اقبال شناسی در زبانهای دیگر، شماره های مخصوص (ویژه نامه) مجله ها درباره ی اقبال، آثار منظوم اقبال، آثار منثور اقبال، شرحها برکار های اقبال، ترجمه های کارهای اقبال به زبانهای گوناگون.

۱۰۰- ریاض، دکتر محمد

اقبال لاهوری و دیگر شعرای فارسی گوی. از دکتر محمد ریاض. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦٤خ/۱۹۸٦م)، ■ + ۱۷۷ص.

کوششی است در نشان دادن منابع الهام علامه اقبال از سرایندگان فارسی سرا، از دیر ترین روزگار تا صد و پنجاه سال پیش، از آن میان هفتادتن در این کتاب نشان داده شده اند.

۱۰۱ - جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)

تألیف در ۹۴۸-۹۵۵ق. مقدمه و پیوستها (از)، دکتر الله دتا مضطر. اسلام آباد، پاکستان. ۱۳٦٤خ/۱۹۸۵م.، سی و شش + چهارده + ٦٦۳ ص، اندازه ی بزرگ.

تاریخ شاه اسماعیل صفوی ۹۰۷-۹۳۰ق است و میرسد به شاه جوان تهماسب. با سخن مدیر از آقای اکبر ثبوت که نگاهی است فشرده بر تاریخ صفویان از سیاست، تصوف و مذهب بادید انتقادی در ۳٦ص.

۱۰۲ - منزوی، احمد (۱۳۰٤خ - ...)

فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد منزوی. مجلد پنجم، نامه نگاری. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦٥خ/ ۱۹۸٦م)، ۲٤ + ۹۲۱ص.

فهرست مشترک، از این مجلد به ترتیب تاریخی آمده است.

این مجلد اختصاص به بخش منظومه ها دارد، به ترتیب تاریخی، از سده ی پنجم و حکیم فردوسی تا پایان سده ی یازدهم یعنی ارادتخان واضح ساوجی و شاه نصرالله نصرتی از مردم رهتك و پنجاب خاوری. این مجلد ٤۱۹ عنوان سراینده را دربرداژد و ۹۳۸ اثر ایشان.

۱۰۴ - اختر راهی

ترجمه های متون فارسی به زبانهای پاکستان. تألیف اختر راهی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۵خ/۱۹۸۶م)، ۱۴ + ۴۹۷ ص.

در دو قسمت: یکم ترجمه ها به زبان اردو به ترتیب موضوعی، دوم ترجمه ها به زبانهای پنجابی، پشتو و سندی و براهوی، هر یك به ترتیب الفبایی، سپس استدراك، نیز به ترتیب الفبایی.

۱۰۵ - غروی، دکتر سید مهدی

فهرست نسخه های خطی فارسی بمبئی. کتابخانه ی موسسه ی کاما - گنجینه ی مانکجی. تألیف دکتر سید مهدی غروی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۵خ/۱۹۸۶م)، ۱۶ + ۲۰۹ ص.

به ترتیب موضوعی، هر موضوع به ترتیب الفبایی: تفسیر، ریاضی، ستاره شناسی و اختر بینی، طبیعی، کیمیا، پزشکی، چند دانشی، منطق، فلسفه، ملل و نحل، عقاید، عرفان، فلسفه ی عملی، فرهنگنامه، دستور زبان، داستان، نامه نگاری، عروض و شعر، ادب نثری، دیوان، منظومه ها، جغرافیا، سفرنامه، تاریخ، تذکره ی سرایندگان، سیر و انساب، سپس فهرست راهنما: نام کتابها، نام کسان.

۱۰۶ - نوشاهی، سید خضر عباسی (۱۹۵۲م - ...)

فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه پنجاب، لاهور. گنجینه ی آذر. تألیف سید خضر عباسی نوشاهی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۵خ/۱۹۸۶م). شانزده + ۵۹۲ ص.

به ترتیب موضوعی، و هر موضوع به ترتیب الفبایی: تفسیر، تجوید، ریاضی، موسیقی، ستاره شناسی، رمل، فلسفه، ملل و نحل، عقاید، عرفان، هندویی فلسفه ی عملی، پیشه ها و آداب پیشه وران، فرهنگنامه، دستور زبان، دستور نامه نگاری، عروض و قافیه، بلاغت، معما، نثر های ادبی، داستان، کلیات، منظومه، دیوان، جغرافیا، تاریخ، سیراولیا، تذکره ی شعرا، فقه، حدیث، اوراد، علوم غریبه، استدراک، سپس فهرستهای راهنما.

۱۰۷ - نقوی، دکتر سید علیرضا

ترجمه انگلیسی مجموعه قوانین جزائی اسلامی ایران. ترجمه از دکتر سید علیرضا نقوی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۵خ / ۱۹۸۶م)، ۹+122 + ۱۲ ص.

ترجمه ای است از مجموعه قوانین جزائی که پس از انقلاب از کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی ایران گذشته و برای مدت پنج سال به صورت آزمایشی به اجرا گذاشته شده است.

۱۰۸ - نوشاهی، سید عارف

فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد. جلد یکم. سید عارف نوشاهی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۵خ/۱۹۸۶م). سیزده + ۱۰۱۱ص.

به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب الفبایی، فهرستهای راهنما بدنبال مجلد دوم جای دارد، که زیر چاپ است.

۱۰۹- منزوی، احمد (۱۳۰٤خ ـ...).

فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد منزوی. مجلد ششم. داستانها. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦٥خ/۱۹۸۷م). ۸ ص + ص ۹۲۳ - ۱٤۸٥.

این مجلد ویژه داستانهای نثری فارسی ست به ترتیب تاریخی، سپس کار هایی که تاریخ نگارش آنها بدست نیامده به ترتیب الفبایی، بدنبال آنها "فهرست نام کسان افسانه یی" به ترتیب تهجی.

این مجلد نیز همراه است با "فهرست واره کتابهای فارسی، داستانها" که خود یك کتابنامه ی جداست، که نگارنده در پیشگفتار توضیحهایی در آن باره و کیفیت آن داده است.

۱۱۰- منزوی، احمد (۱۳۰٤خ - ...)

فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد منزوی. مجلد هشتم. منظومه ها (۲). اسلام آباد، پاکستان. (۱۳٦٦خ /۱۹۸۷م). ۱۰ ص + ص ۹٦۳ ـ ۱٦۷٥.

دنباله ی بخش منظومه هاست از آغاز سده ی دوازدهم و مهری عرب تا آخرین سرایندگان سده ی ۱٤ق که نسخه هایی از کارهایشان در دست هست، یعنی صادق سرمد ایرانی و حبیب الحق از سرایندگان سرحد پاکستان، و در فهرست راهنما: نام کتابها، نام سرایندگان، در بخش تاریخی این مجلد ٥٦۰ عنوان نام سرایندگان و ۸۲۲ اثر ایشان شناسانده شده است. سپس بخش الفبایی با ٤۳٤ اثر دیگر.

(بی شماره) دهلوی کشمیری همدانی، محمد صادق.

کلمات الصادقین. تذکره صوفیان مدفون در دهلی تا سال ۱۰۲۳ق. تألیف محمد صادق دهلوی کشمیری همدانی. تصحیح و تعلیق و مقدمه ی انگلیسی دکتر محمد سلیم اختر. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. اسلام آباد. باهمکاری انتشارات القریش، لاهور، ۱۹۸۸م، ز + ۲۸۶ + 204 ص. زندگینامه ی ۱۲۵ تن از پیران و نامورانی که در دهلی به خاک خفته اند.

۱۱۱- منزوی، احمد (۱۳۰٤خ - ...)

فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد منزوی. مجلد نهم. منظومه ها(۳). اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۷خ /۱۹۸۸م)، ۱۱ ص + ص ۱۶۷۷--۲۳۵۰.

این مجلد در دو بخش است: ۱- فهرست سر آغاز منظومه ها، ۲- فهرستواره ی کتابهای فارسی «دیوانها» که در پیشگفتار هر یك توضیحاتی داده شده است.

۱۱۲- منزوی، احمد (۱٤۰٤خ - ...)

فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد منزوی. جلد دهم. جغرافیا، سفرنامه، تاریخ. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۷خ/۱۹۸۸م)، ۱٤ + ۷۶۵ ص.

در ده بخش: جغرافیا، سفرنامه، تاریخ (کلیات، تاریخ جهان، تاریخ ایران، پیامبران و اسلام و امامان، شبه قاره، افغانستان، آسیای میانه،

عثمانی، اروپا و آمریکا) هر بخش به ترتیب تاریخی و در پایان مجلد دو فهرست راهنما: نام کسان، نام کتابها.

۱۱۳- اقبال لاهوری، محمد (۱۲۵۲-۱۳۱۷خ).

یاد داشتهای پراگنده علامه محمد اقبال. مترجم: دکتر محمد ریاض. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۸خ/۱۹۸۹م)، ۱۶ + ۱۰۴ص.

با سخن مدیر، که می گوید: یاد داشتهای پراگنده از روزگار جوانی و بلوغ فکری او، گرچه در ظاهر پراگنده به نظر می رسد، اما خواننده ی آگاه، با توجه به دیگر کارهای اقبال، می تواند از این سخنان پراگنده دستگاهی منسجم از لحاظ اندیشه تصور کند.

۱۱۴- نوشاهی، سید خضر عباسی (۱۹۵۲م - ...)

فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه همدرد کراچی. تألیف سید خضر عباسی نوشاهی. اسلام آباد، پاکستان. ۱۹۸۸م (۱۳۶۸خ)، ۲۴۸+۲۳ ص.

به ترتیب موضوعی و هر موضوع به ترتیب الفبایی: تفسیر، تجوید، درباره ی قرآن، ریاضی، موسیقی، طباخی، ستاره شناسی و اختر بینی، طبیعی، پزشکی، کیمیا، چند دانشی، منطق، حکمت و فلسفه، کلام و عقاید، عرفان، فلسفه ی عملی، فرهنگنامه، دستور زبان، بلاغت، نامه نگاری، داستان، عروض وقافیه، منظومه، دیوان، نثرهای ادبی،، سیرت نبوی، اولیاءالله، سرایندگان، تاریخ، فقه، حدیث، اوراد، علوم غریبه، مسیحیت، هندویی، سپس فهرستهای راهنما.

۱۱۵- مسعود قمی، خواجه (... - ۸۹۰ ق).

مثنوی شمس و قمر. به انضمام غزلیات و اشعار پراگنده اثر خواجه مسعود قمی (متوفی ۸۹۰ ق). به تصحیح و اهتمام سید علی آل داود. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۷خ/۱۹۸۹م). سی و دو + ۲۰۵ص.

در پیروی "خسرو و شیرین" نظامی، در داستان شمس بانو از خاور زمین و قمر از سر زمین شام، که با یك رؤیا آغاز می شود، با رزم و بزم،، در ۲۰۷۶ بیت، و همراه است با بازمانده دیوان او از غزلها و سروده های دیگر که از مجموعه ای دیگر بدست آمده است. با پیشگفتاری ارزشمند از ویراستار نسخه درباره ی سراینده و کارهای ادبی او.

۱۱۶- منزوی، احمد (۱۳۰۴خ - ...).

فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان. تألیف احمد منزوی. مجلد یازدهم. زندگینامه ی سرایندگان و دیگر بزرگان. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۹خ / ۱۹۹۰م). ۱۱ص + ص ۷۲۷ - ۱۶۳۱.

این مجلد دو بخش زندگینامه ی سرایندگان و زندگینامه ی پیران و دیگر بزرگان را در بردارد. سپس فهرستهای راهنما: فهرست نام کتابها، فهرست نام نگارندگان، آنگاه "فهرستواره ی کتابهای فارسی" بخش فهرستواره ی سفرنامه، جغرافیا، تاریخ (کلیات)، تاریخ جهان، تاریخ ایران زمین که این یکی شامل خلیج فارس، افغانستان، آسیای میانه، قفقاز و اران می گردد.

"فهرستواره کتابهای فارسی" کارجداگانه ای است، که برای آزمایش

و نظر خواهی تاکنون بدنبال بخشهای مناسب "فهرست مشترک" چاپ شده است.

۱۱۷- نوشاهی، سید عارف (۱۹۵۵م - ...).

فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. جلد دوم. سیدعارف نوشاهی. (۱۳۶۹خ/۱۹۹۰م)، ص ۱۰۱۲ - ۱۵۰۰.

در واقع مستدرك مجلد یکم است که به شماره ی ۱۰۸ نشان داده شده است. بیشتر کتابهایی که پس از چاپ مجلد یکم به کتابخانه آمده است و در پایان فهرستهای راهنمای دو مجلد: فهرست نام کسان، نام کتابها.

۱۱۸- حبیب الرحمان، حکیم (داکا ۱۲۹۷ - ۱۳۶۶ق).

ثلاثه غساله. کتابشناسی آثار تألیف شده در بنگال. بخش فارسی و عربی. تألیف حکیم حبیب الرحمان. ترجمه و تعلیقات عارف نوشاهی. اسلام آباد، پاکستان. (۱۳۶۸خ / ۱۹۸۹م)، 36 + ۲۵۰ ص.

با پیشگفتاری از سید عارف نوشاهی درباره ی زندگینامه ی نگارنده و کارهای ادبیش، به ویژه "ارزنده ترین کارش ثلاثه غساله" که به زبان اردو بوده و مترجم از روی نسخه ی دستنوشته ی نگارنده به فارسی برگردانده است. ترجمه ۱۷۱ عنوان کتاب فارسی و ۳۷ عنوان عربی را در بردارد.

بخش تعلیقات آن (ص ۱۳۹ - ۲۰٤) برارزش آن افزوده است.

*****

علی پیرنیا

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
و
مؤسسه ملی زبانهای نوین

مرکز تحقیقات

انگیزه های نخستین برپایهٔ آرزوهای دور و درازی بود که ازهم گسیختگی ها وجدایی های فکری و فرهنگی در قلمرو قدیم زبان فارسی را پیوندی تازه و استوار باید داد و باز هم بشود پیام آشنابه گوش سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی برسد، ولاهوریها سخن خراسانیها را دریا بند، آنطورکه بود. چه رشته ای بجز سخن دل می تواند انسانها را به هم نزدیکتر سازد، آنهم کسانی که سالهای سال در حال و هوایی نه چندان بیگانه و زبان و فرهنگی نزدیك، یابه قولی یگانه در کنار هم زیسته اند. بی سببی نبود که پس از سالها جدایی، مردی ازین سوی برخاست که می خواست این بخش از مشرق اسلامی را با نهیبی بیدار کند و برای آغازکردن این جنبش، اندیشهٔ بکر و سازنده اش را در قالب شعرهای فارسی گنجانید.

آیا شعرهای بلند و پرارزش فارسی اقبال نمی تواند سند اعتبار و برگهٔ تاییدی باشد در کنار تمامی آثار به جا ماندهٔ زبان فارسی و گذشته فرهنگی ما درین سر زمین، و دلیلی برادامه آن؟ وآیا نشان نمی دهد که باوجود رویدادهای و یرانگر، زبان فارسی و زبان اردو، و فرهنگ پاکستان و ایران آمیزه هایی ازیکدیگرند و جدا شدنی نیستند؟ اگر بتوانیم کورسوهای روبه خاموشی را درپناهی بگیریم ودر پر توآن شعله های جوان و درخشان برافروزیم، و از میراث مشترك فرهنگی وارزنده خود که تنها مایهٔ بالندگی ما است باصمیمیت و عزت نگهداری کنیم، وبرآنچه داریم ارج بنهیم شاید ممکن شود به آن آرزوها جامهٔ بپوشانیم. برد لها پیوند دوستی بزنیم و برلبها زمزمهٔ محبت جاری سازیم. هنوز ریشه های مشترك فرهنگی، اجتماعی و اسلامی مردم این دوسر زمین نخشکیده است.

مدت درازی سخن برسر آن بود که از چه راهی می توانیم، باکشوری که زبان فارسی در آنجا تابدان پایه ریشه داشته و مورد توجه بوده است، و آنهمه نزدیکی نسبت به مردم آن در دل احساس می کنیم، و چه بسیار امور مشترکی که هنوز باهم داریم، پیوند تازه و پابر جایی به وجود آوریم. بالاخره طرح بنیاد نهادن "مرکز تحقیقات" ریخته شد و به سال ۱۳۴۹ به صورت آزمایشی در راولپندی به مرحلهٔ اجرا درآمد. به منظور اینکه از خاموشی شمع نیمه جان زبان و ادبیات فارسی دراین سرزمین جلوگیری به عمل آورد، دانشمندان و فضلای پاکستانی را به تحقیقات ایران شناسی تشویق کند، تحصیل کرده ها، دانشگاهیان و بالاخره پاکستانیان را در حفظ و تقویت زبان فارسی که جزو اصلی فرهنگ مشترك ماست، یاری دهد، آثار گرانبهای خطی

را جمع آوری و نگهداری و تصحیح و چاپ کند و در پی آن باشد تا از راههای فرهنگی، دوستی و تفاهم بیش از پیش میان دو ملت برادر همسایه وهم کیش را استوار تر سازد.

درمیان هدفها و برنامه های فرهنگی چندی که برعهدهٔ "مرکز تحقیقات" قرار گرفت، توجه و کمک به تدریس زبان فارسی در دانشگاههای پاکستان، از اهمیت بیشتری برخوردار بود. اینکه تماسی منظم و مفید با استادان و دانشجویان بخشهای فارسی بر قرار سازد، نیازمندیهای آن بخشها را چون تهیهٔ کتاب و وسایل بهتر آموزش و در اختیار گذاشتن استاد تا حد توانایی تامین کند، و موجبات موجهی فراهم آورد تا جوانان و دانشجویان بیشتر به فارسی آموزی روی آورند. دست به انتشاریك سلسله آثار مفید بزنند، که نشانگر احیای پیوندهای کهن فرهنگی باشد. جلسات و سخنرانیهایی ترتیب دهد که مردم دو کشور را با فرهنگ مشترکشان بیشتر و بهتر آشنا سازد و الفت های دیرین در خاطرها زنده شود. اگر مراسمی از سوی سازمانهای فرهنگی پاکستان بر پا می شود، که به شکلی با فرهنگ مشترك و زبان فارسی ارتباطی پیدامی کند، مرکز تحقیقات نیز کوشش کند که در آن جا حضور فعال داشته باشد. در سال ۱۳۵۱ هـ.ش دولت پاکستان به نشانهٔ تایید و همکامی زمین مناسبی برای ساختمان مرکز تحقیقات" در یکی از بهترین بخشهای اسلام آباد اهدا کرد.

امروز، پس از سپری شدن بیست سال "مرکز تحقیقات" می تواند سرفراز باشد که بسیاری از برنامه های ثمر بخش خود را به نحو شایسته ای انجام داده وهدفها و دستاوردهای فرهنگیش مورد تایید استادان، دانشمندان،

محققان و بزرگان پاکستانی قرار گرفته و همواره از همراهی و همکاری آنان سود برده است وبدون تردید موفقیت و موقعیت امروزی خود رامدیون کوششها و حمایتهای بیدریغ آنان می داند.

موسسهٔ ملی زبانهای نوین

مرکز تحقیقات به لحاظ هدف والای فرهنگی و اولویتی که به گسترش زبان فارسی می داد، از همان آغاز کار در صدد گشایش کلاسهای تدریس زبان فارسی برآمد. براساس سوابق موجود در اوایل سال ۱۳۴۹ هجری شمسی کلاسهای دیپلم فارسی در "مؤسسهٔ ملی زبانهای نوین" که آن روزها تنها نامی داشت، و سرو سامانی نیافته بود، آغاز بکار کرد. در واقع می توان گفت که "مؤسسهٔ زبانها" باگشایش اولین بخش که فارسی باشد، بنیاد یافت ویکی دو ماه پس از آن کلاس تدریس زبان چینی هم بدان اضافه شد. "مرکز تحقیقات" تمامی وسایل ضروری را برای راه اندازی کلاس زبان فارسی تدارك دید.رایزن فرهنگی ایران مدیر مرکز تحقیقات، رئیس خانهٔ فرهنگ ایران در راولپندی، دکتر سید سبط حسن رضوی رئیس بخش فارسی دانشکده دولتی راولپندی، کتابدار مرکز تحقیقات و برخی بانوان ایرانی که سابقهٔ تدریس داشتند، داو طلبانه و بدون چشمداشت در آنجا به معلمی پرداختند. "مرکز تحقیقات"دکتر غلام سرور را که از دوستداران زبان و ادب فارسی و از فضلای بنام پاکستان است و آن روز ها تازه باز نشسته شده بود، به هزینهٔ خود برای ادارهٔ بخش فارسی برگماشت. هر سال یك یا چند تن از افسران ارتش ایران، منحصراً برای تدریس زبان فارسی به مؤسسهٔ زبانها اعزام می شدند. چندی بعد، دکتر علی اکبر جعفری، مدیر "مرکز تحقیقات" جدا از کار

تدریس، ریاست افتخاری بخش فارسی را هم پذیرفت.

به دنبال کوششهای بسیار در سال ۱۳۵۱ کلاسهای فوق لیسانس فارسی نیز "در" مؤسسهٔ زبانها" گشایش یافت. وزارت علوم ایران، وزارت تعلیم و تربیت و آموزش عالی پاکستان، دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران، دانشگاه اسلام آباد (قائد اعظم)، شخصیت های مسئول ایرانی و پاکستانی در جریان تأیید و تصویب برنامهٔ دروس و موافقت در گشایش آن کلاسها قرار داشتند. از همان روزها مبلغی به عنوان کمک هزینهٔ تحصیلی برای دانشجویان فوق لیسانس فارسی در نظر گرفته شد، که "مرکز تحقیقات" از آن پس هم در هر دوره ای که کلاسها دایر بوده، آن مختصر را پرداخت کرده است. "مؤسسهٔ زبانها" گسترش می یافت و بخشهای تازه ای برای آموزش زبانهای دیگر آغاز به کار می کرد و استادانی هم در هر رشته به کاری می پرداختند. "مرکز تحقیقات" همچنان پابه پای مراحل رشد و پیشرفت بخش زبان فارسی گام بر داشته و صرفنظر از دوره ای کوتاه مدت به طور مؤثری تا امروز کوشش داشته است که با "مؤسسهٔ زبانها" همکاری نزدیک داشته باشد.

در سال ۱۳۵۲ خانم دکتر شگفته موسوی فارغ التحصیل دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، رسماً از سوی "موسسهٔ زبانها" به ریاست بخش فارسی و تدریس در آنجا بر گزیده شدند که تاکنون نزدیک به ۱۸ سال است که دراین سمت خدمت می کنند. وضع کنونی، ودست کم تداوم کار بخش فارسی، حاصل سالها تدبیر ولیاقت این بانوی شریف است.

آقای دکتر مهر نور محمد خان (که اینک برای تدریس زبان اردو در دانشگاه تهران ماموریت دارند) خانم دکتر کلثوم سید (فارغ التحصیل

دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران)، آقای سید سراج الدین (مأمور به تحصیل در دورهٔ دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه تهران). آقای محمد سرفراز ظفر (مأمور به تحصیل در دورهٔ دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه تهران)، خانم رضیه اکبر، خانم رشیده حسن، خانم طاهره اکرم، خانم ریحانه پروین و خانم زهرا علی به ترتیب به بخش زبان فارسی پیوسته اند. توفیق و اعتبار بخش مزبور در آموزش دانشجویان در سایهٔ همت و تلاش این بزرگواران بوده است.

باری، دورهٔ فوق لیسانس زبان فارسی پس از انقلاب ایران، فقط تا سال ۱۳۵۸ دوام آورد و از آن پس تعطیل شد. تا اینکه در سال ۱۳۶۵، به واسطهٔ علاقه مندی و همت مدیر وقت "مرکز تحقیقات" و همراهی "مؤسسهٔ زبانها" بار دیگر به راه افتادو "مرکز تحقیقات" بنده را از طریق وزارت تعلیم و آموزش عالی پاکستان ، به آن مؤسسه اعزام داشت. در سالهای تحصیلی ۶۵-۶۶ و ۶۶-۶۷ مستمراً یک تن از استادان دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه مشهد، از سوی وزارت علوم و آموزش عالی ایران، برای تدریس در موسسهٔ زبانها ماموریت یافتند و پس از هشت سال وقفه، نخستین گروه دانشجویان فوق لیسانس فارسی در خرداد سال ۱۳۶۷ فارغ التحصیل شدند.

بی گمان مرکز تحقیقات هیچگاه خود را از آن تعداد دانشکده ها و سازمانهای فرهنگی پاکستان که از زبان فارسی نبریده اند جدا نمی داند و استادان و دانشجویان همهٔ بخشهای آموزش فارسی را گرامی می دارد. کتابخانهٔ گنج بخش، وابسته به "مرکز تحقیقات" و دیگر امکانات برای تحقیق در اختیار آنان است و در حدود توانایی تسهیلاتی برای آنان فراهم می شود.

مرکز تحقیقات در مورد مؤسسهٔ زبانها خدمات ذیل را انجام داده

است:

– فتوکپی، پلی کپی، کارهای ماشین نویسی و جزوهایی که مورد نیاز دانشجویان بوده، فراهم کرده است.

– کتابهای مورد نیاز را در اختیار استادان و دانشجویان قرار داده و کتابهای مرجع و ضروری را به کتابخانهٔ مؤسسه و کتابخانهٔ بخش فارسی اهدا کرده و سازمانهای فرهنگی و انتشاراتی ایران را نیز به این کار دعوت و تشویق کرده است.

– برخی روزنامه ها و مجله ها که در ایران یا پاکستان به زبان فارسی به چاپ می رسد، برای استفادهٔ دانشجویان فرستاده است.

– برای آشنایی بیشتر دانشجویان بالهجه های مختلف فارسی و برداشتی کلی از جغرافیای طبیعی و جلوه های هنری ایران، فیلم های ویدیویی در مؤسسهٔ به نمایش گذاشته است.

– به عنوان کمك هزینهٔ تحصیلی مبلغی به دانشجویان فوق لیسانس پرداخته است.

– در تهیهٔ مقالات و کارهای پژوهشی با استادان موسسه همکاری نزدیك به عمل آورده است.

وسایل ضروری از قبیل میز، صندلی، قفسهٔ کتابخانهٔ تلفن ماشین و تحزیر به بخش فارسی اهدا شده است.

دانشجویان را در کارهای تحقیقی و تهیهٔ مطالب یاری و راهنمایی

کرده و یکنفر را برای تدریس بطور تمام وقت در اختیار بخش فارسی قرار داده است.

این روزها مؤسسهٔ ملی زبانهای نوین و بخش فارسی آن و "مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان" پا به پای هم بیست ساله شده اند. پس از گذشت سالها "مؤسسهٔ زبانها" به صورت یك سازمان معتبر و آبرومند فرهنگی در آمده است. اکنون این موسسه یازده بخش دارد و زبانهای فارسی و فارسی دری، عربی، انگلیسی، آلمانی، چینی، اردو، فرانسه، روسی، ژاپنی، ترکی و هندی در دوره های گوناگون تدریس می شود. در هر بخش یك یا چندتن از استادان اهل زبان به کار مشغولند. کلاسهای فارسی که در "مؤسسهٔ زبانها" تشکیل می شود بدین ترتیب است.

۱- دورهٔ گواهی نامه به مدت شش ماه.

۲- دورهٔ دیپلم به مدت یکسال.

۳- دورهٔ دیپلم فارسی ادری به مدت یکسال.

٤- دورهٔ مترجمی، به مدت یکسال ونیم.

٥- دورهٔ فوق لیسانس، به مدت دو سال تا دوسال ونیم.

برخی از بخشهای زبانهای دیگر در دورهٔ دیپلم پیشرفته هم دانشجومی پذیرند، ولی تنها چهار بخش فارسی، فرانسه، آلمانی و عربی است که دورهٔ فوق لیسانس دارند. از سال ۱۳٦٥ که کلاسهای فوق لیسانس فارسی دوباره آغاز به کار کرده بر رویهم در بخش فارسی ٥۳ تن از کلاسهای گواهی نامه ٤۷ تن از کلاسهای دیپلم، ۳۸ تن از دورهٔ دیپم فارسی

دری، ■ تن از دورهٔ مترجمی و ۱۰ تن از دوره فوق لیسانس فارغ التحصیل شده اند. به طور کلی برای تمامی رشته های آموزش زبان در مؤسسهٔ زبانها، صبحها ۵ نوبت کلاس تشکیل می شود و حضور دانشجویان در کلاسها اجباری است. برای ورود به دورهٔ فوق لیسانس، دانشجو باید درس فارسی را در دورهٔ لیسانس گذرانده باشد و در مصاحبه شرکت جوید. روش‌کارو اهمیت آن دراین است که در همهٔ دورهٔ های آموزشی، استادان به زبان فارسی تدریس می کنند، کتابها و منابع فارسی مورد استفاده قرار می گیرد و پرسشهای آزمونهای کتبی یا شفاهی به فارسی پاسخ داده می شود. از این رو، فارغ التحصیلان، به نسبت دورهٔ آموزشی، توانایی سخن گفتن ونوشتن به زبان فارسی را به دست می آورند. دانشجویان فوق لیسانس فارسی باید درسهایی که صورت کلی آنها را درزیر می آوریم، به ترتیب طی دوسال و چهار ترم بگذرانند. دورهٔ هر ترم ۵ ماه است.

ترم اول:

- تاریخ مختصر ایران پیش از اسلام، تاریخ ایران پس از اسلام تا آغاز روزگار زندیان.

- دستور زبان فارسی،

- نثر، (گزیده ای از نثرهای کهن فارسی).

- نظم، (گزیده ای از شعر سرایندگان پیشین).

- تاریخ ادبیات ایران، (از آغاز دورهٔ اسلامی تا یورش مغول و اشاره ای به سبک شناسی آثار منثور).

ترم دوم:

- تاریخ زبان فارسی و اشاره هایی به زبان شناسی.

- تاریخ ایران، (از قاجاریان تاکنون).

- نثر، (داستانهای کوتاه از نویسندگان معاصر ایران).

- نظم، (گزیده ای از سروده های شاعران سدهٔ هفتم و پس از آن).

- تاریخ ادبیات ایران، (از یورش مغول تا نهضت بازگشت ادبی، تحقیق در علوم، ادبیات و اوضاع اجتماعی آن روزگاران).

ترم سوم:

- کلیات جغرافیای طبیعی و انسانی ایران.

- تاریخ ادبیات ایران، (موجبات تحولات مشروطیت در ایران و اثرات آن در ادبیات و مختصری از سبك شناسی آثار آن دوره).

- ترجمه (برگردان متن های گوناگون از انگلیسی و اردو به فارسی و بالعکس).

- اقبال شناسی، (تاثیر پذیری اقبال از سرایندگان ایران و نفوذ گسترده فکری اودر پاکستان).

- مقاله نویسی، (کوششهایی برای بدست آوردن تجربه در زمینه های مختلف نویسندگی و گزارش مسائل فرهنگی اقتصادی و سیاسی روز).

ترم چهارم:

– ترجمه، (برگردانیدن مطالبی از انگلیسی و اردو به فارسی و بالعکس. (موضوعها باید از کتابها روزنامه ها، مجله ها، شعر و داستانهای کوتاه برگزیده شود).

– نثر، (مطالعهٔ مقاله هایی از نویسندگان معاصر ایران همراه با توضیحات و اظهار نظر).

– نظم، (مطالعهٔ گزیده هایی از کار سرایندگان نوپرداز و دیگر سرایندگان امروز ایران).

– اقبال شناسی، (بررسی سروده های علامه اقبال).

– پایان نامه، نوشتن رسالهٔ تحقیقی فارسی که دست کم ۱۰۰ صفحه باشد. این رساله بانظر استادان راهنما باید بیشتر پیرامون موضوعهای ادبی نوشته شود. در جلسهٔ دفاعیه دست کم سه تن شرکت دارند و دانشگاه قائد اعظم هم نظارت دارد. یك نفراز استادان فارسی دان از مؤسسات دیگر به عنوان استاد میهمان حضور می یابد و مدرك فارغ التحصیلان را نیز دانشگاه قائد اعظم صادر می کند.

توضیح لازم دیگر این است که دانشجویان در هر ترم باید مقاله هائی تحقیقی به فارسی بنویسند و در امتحان های شفاهی فارسی نیز شرکت جویند.

چند سال است که از نزدیك شاهد تلاش و کوشش های پیگیر و پرارزش استادان زحمتکش و بلند نظر پاکستانی درامر تدریس زبان فارسی

هستم. باوجود برخی کمبود ها ونارسایی های وسایل کمك آموزشی که احساس می شود، نمی توان نادیده گذشت که کار سودمند و ثمربخش آنان ستایش انگیز بوده است. این بزرگواران هر سال نه براجابت تکلیف، بلکه دلسوزانه و آگاهانه تعدادی دانشجورا باخانوادهٔ زبان و ادبیات فارسی و ایران شناسی پیوند می دهند. سالهاست که آرام آرام و بدون چشمداشت حق شناسی و یا عنایت و حمایتی در ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی وشناساندن فرهنگ ایران کو شیده اند وهرپیشرفتی درین زمینه مدیون پشتکار صادقانه و زحمات صمیمانهٔ آنان است.

پایان

*****

نوشته: دکتر سید محمد عبدالله
ترجمهٔ انجم حمید
پژوهشگر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

فارسی در دورهٔ کمپانی شرکت هند شرقی

تیموریان شبه قاره، در حمایت و گسترش زبان فارسی در این سرزمین، سهم به سزایی دارند، بگونه یی که نه پیش از آنان زبان فارسی بدان پایه رسیده بود نه پس از آن. به نوشتهٔ آخوند در ویزه (م. ۱۰٤۸ق / ۱٦۳۸م) افغانان پشتو از این زبان متنفر بودند و سیکها و مرهته ها و انگلیسیان که جانشینان تیموریان در این سرزمین بودند، با این زبان تنها به عنوان وسیله ای برای کارهای بازرگانی سروکار داشتند. از این روی اگر بگوییم تنها تیموریان بودند که به این زبان ارزش می نهادند، نادرست نگفته ایم. در روزگار آنان کتابهای بسیاری به این زبان نگاشته شد و زبان فارسی زبان رسمی این سرزمین گشت. سازمانهای کشوری به گونه ای دگرگون شد

که کارهائی که از شش یا هفت سده پیش در آن سازمانها به زبان هندی انجام می شد، از آن پس به زبان فارسی انجام می گرفت. درکنار این دگر گونی گروهی بسیار از مردم ساده نیز به فراگرفتن این زبان روی آوردند. در حالیکه پیش از روزگار تیموری آنان به زبان فارسی آشنا نبودند.

چون آفتاب سلطنت تیموریان اُفول کرد، اقوام دیگری که زیر سایه آنان پرورش یافته بودند از همان "زبان رسمی" استمداد کردند. منشیان فارسی زبان همهٔ امور کشور را انجام می دادند و برای حساب، سیاق، وقایع نویسی و تاریخ نیز زبان فارسی برگزیده شد. بدینگونه بازار زبان فارسی رونق گذشتهٔ خود را حفظ کرد، مرهته های هندو تا اندازه یی از شیوهٔ حکومت تیموریان پیروی می کردند و بیشتر بزرگان و شاهان نامهای فارسی را برای نامگذاری بر می گزیدند. "جادو نات" (۱)تاریخ نویس می گوید که برای گردش کارها یك منشی زبان فارسی لازم بود که معمولاً از قوم کایست برگزیده می شد. حکومت سیکها (۱۷٦٤-۱۸٤۹م/۸-۱۱۷۷-۱۲٦۵ق) در پنجاب در استانی که عمدتاً مسلمان نشین بوده، تأسیس یافته بود. در آنجا مراکز بسیاری از علوم اسلامی (زبان فارسی) بر پا بود و کارهای کشوری بیشتر به زبان فارسی انجام می گرفت.

در دورهٔ نخستین انگلیسیان در پنجاب و بنگال چندین مدرسه وجود داشت. آرنلد(۲)(ARNOLD) می نویسد که در این مدرسه ها بیشتر معلمان از هندوان بودند. در حالیکه در پنجاب جمعیت مسلمانان بسیار بود لرد متکاف (LORD METCALFE) (۳، ٤) (۱۷۸۵ - ۱۸٤٦م) در یاد داشتی (به تاریخ ۱۲ مه ۱۸۳۲م) می نویسد:

"زبان فارسی میان عامهٔ مردم رواج بیشتری دارد و تقریباً همهٔ گروههای مردم این کشور آموختن زبان فارسی را لازم می دانند. این زبان شیرین، جامع، سلیس و آسان است. بدین جهت در هندوستان نسبت به دیگر زبانها بیشتر به کار می رود".

انگلیسیان و زبان فارسی

انگلیسیان در برابر شایستگی هایی که زبان فارسی در خود داشت، با آن رفتار مناسب نکردند. اصولاً تا سال ۱۸۱۳م (۱۲۲۸ق) حکومت هیچگونه برنامهٔ آموزشی را برای هند ترتیب نداده بود. پس از سال ۱۸۱٤م (۲۹ - ۱۲۳۰ق) که حکومت مأموریت آموزش مردم را به عهده گرفت. تا اینجا بازهم همان موقعیت برتری که زبان فارسی از پیش داشت، برقرار بود. اما پس از مدتی کوتاه دو حریف زبان فارسی به میان آمدند یعنی از سویی زبان انگلیسی گسترش می یافت و از سویی دیگر مردم از زبانهای محلی و مادری (VERNACULAR) پشتیبانی می کردند تا آنکه مقام رسمی زبان فارسی را لغو کردند. این امر مسلم است که دورهٔ حمایت انگلیسها از زبان فارسی تنها به مدت بیست یا بیست و پنج سال به درازا کشیده است. در آن دوره بنابه سنت حکومتهای گذشته، زبان فارسی در دربارها و همچنین در دادگاهها برقرار بود و ناگزیر برای آموزش کارمندان شرکت مدرسه های کوچکی تشکیل داده می شد. پس از ۱۸۰۰م (۱۲۱۵ق) مدرسه های دیگری نیز تأسیس شد که در آنجا برای مردم بومی هم اجازهٔ آموزش صادرشده بود. در برخی از مدرسه ها و دانشکده ها، درکنار زبان انگلیسی، زبان فارسی نیز تدریس می شد، وهمین شیوهٔ تدریس تا به حال در

مدرسه ها ادامه دارد. در مطالب بعدی همین نکات مورد بحث قرار خواهد گرفت تا به وسیلهٔ آن ما بتوانیم سرگذشت زوال زبان فارسی را در شبه قاره دنبال کنیم.

دورهٔ نخستین شرکت هند شرقی

در روزهای نخستین که گروه کارمندان کم شرکت انی به هندوستان وارد شدند، در آنجا جز بازرگانی کار مهمی را به عهده نداشتند. آنان در فرمانروایی نیز هیچگونه مسئولیتی نداشتند. از این روی آنان به تحصیل زبانهای منطقه زیاد علاقمند نبودند.

مانکتن جونز(۵) (MONCKTON JONES) می گوید که عدهٔ کمی از کارمندان به آموزش زبان های فارسی، هندی و بنگالی دلبستگی داشتند. بدین جهت در بیشتر موارد آنان به مترجمانی نیاز داشتند. از این منشیان و وکلاء در اسناد بجای مانده بسیار نام برده شده است.

پس از مدتی شرکت از سازمان- تجارتی به گروه حاکم مبدل گردید و کار گزاران آن در کنار نظم و ضبط شرکت های بازرگانی، بار امور کشور هند را نیز بردوش کشیدند. در آن هنگام برای انگلیسیان آموزش زبان فارسی ناگزیر شد. زیرا که آنان لازم می دیدند، همه جزئیات امور کشور را خودشان بدانند. این چنین بود که انگلیسیان به زبان فارسی علاقمند شدند. و برای پیشی گرفتن مأموریتها در حکومت هند، این زبان مایهٔ پیشرفت قرار گرفت. سرهنگ ایلن میکفرسن(٦) (COLONEL ALLEN MACFARSON) در نامه یی به نام جیمز میکفرسن (JAMES MACFARSON)

نوشته است:

" من خوشحالم که شما بسیار سرحال و راضی هستید و به تحصیل زبان فارسی دلبستگی دارید. عزیز من! باور داشته باشید با به کار بردن استعداد کافی در آموزش این زبان و یاری دوستان شما می توانید فرصتی به دست آورید که در هند پیشرفت کنید. باید به استحضارتان برسانم که برای به دست آوردن مهارت در زبان فارسی هیچ دقیقه یی را فروگذار نکنید. پس از آن آموختن زبان عربی نیز بر شما آسان می شود چوان فهمیده یی که با این زبانها به خوبی آشنایی داشته باشد، می تواند در این کشور به مقامات عالی برسد. "

آموزش کارمندان شرکت

در آغاز برای کارمندان شرکت، برنامهٔ آموزشی زبان فارسی ترتیب داده نشده بود. هنگامی که انگلیسیان در کلکته و اطراف آن نتوانستند برای آموزش زبان فارسی، وسایل کافی تدارك کنند، رؤسای شرکت در سال ۱۷۵۷م (۱۱۷۱ق) دستور دادند که در آغاز پنج تن از کارمندان برای آموزش زبان به بصره فرستاده شوند که در آنجا برای مدتی معین اقامت کنند و زبان فارسی بیاموزند. همچنین در هر سال دو تن دیگر از کارمندان فرستاده شوند. این معلمان نه تنها از همان مزایایی برخوردار می شدند که دیگران در هندوستان داشتند بلکه در آینده از سودهای ویژهٔ فراوانی بهره می بردند. به نظر رؤسا این روش برای آموزش زبان و ادب فارسی بسیار مؤثر و جامع بود. دانسته نیست(۷) این پیشنهاد عملی شد یا خیر. اما از

طرح مسئله این امر روشن می گردد که چون انگلیسیان بر سرکار آمدند، اهمیت سیاسی زبان فارسی برای آنان روشن شد. از آن پس برای آموختن زبان فارسی کوششهای بلیغ و شایسته یی انجام دادند.

مدرسهٔ "وارن هیستنگز"

پیامد این تلاشها به صورت مدرسه یی پدید آمد که وارن هیستنگز (WARREN HASTINGS) (۱۷۳۲ - ۱۸۱۸م) آنرابنیان گذاشت. این مدرسه در کلکته بنیاد یافت. در آنجا برای انگلیسیان زبان فارسی تدریس می شد. شاگردان هندی نیز می توانستند در آنجا درس بخوانند. اما روش و حاصل تدریس این مدرسه زیاد رضایت بخش نبود و فارغ التحصیلان پس از گذراندن دورهٔ درسی به خوبی به روح زبان آشنا نمی شدند. لذانمی توانستند نیاز های مبرم شرکت را بر آورده کنند (۸).

دانشکدهٔ فورت ولیم

لرد ولزلی(۹) (LORD WELLESLEY) در دورهٔ حکومت خود (۱۷۶۰ - ۱۸۴۲م) تأکید می ورزید که کارمندان شرکت بایستی آموزش زبان فارسی را به طور احسن فراگیرند. وی در یاد داشتی نوشته است که (۱۰):

> "از ناتوانی کارمندان شرکت، کارهای دولتی در هم ریخته است. لازم است که نواقص تحصیلی آنان رفع شود. ما به دانشکده یی نیاز مندیم که در آنجا کارمندان شرکت بهتر تربیت شوند و نیز متوجه شوند که نیاز های آن شرکت چیست".

در سال ۱۸۰۰م (۱۲۱۵ق) دانشکده یی به نام "فورت ولیم کالج"

(FORT WILLIAM COLLEGE) گشایش یافت. هدف این دانشکده همان بود که گفته شد، یعنی آموزش زبان فارسی و دیگر زبانهای محلی به کارمندان شرکت. آقای پی - آر - رابرتز (P.R. ROBERTS) نوشته است.

"لرد ولزلی دربارۂ تحصیلات معتقد بود که پایۂ آن باید در انگلستان نهاده شود اما باید در هندوستان نیز آنرا زیر نظام خاصی گسترش داد".

در این دانشکده استادان بسیار شایسته ای درس می دارند که نمی توان دربارۂ توانایهای ایشان تردیدی کرد. نخستین استادان و مدیران آن دانشکده از این قرارند:

جان بیلی(JOHN BAILLIE) عربی-سرهنگ کرك پیترك. (COL. KIRK PATRICK) فارسی- فرانسس گلیدون (FRANCIS GLADWIN) نایل بنجامن ایدمنسیتون (NEIL BENJAMEN ADMONSTONE) - دکتر جان گلکرست(JOHN GILCHRIST) هندی.

این استادان به اهتمام آن دانشکده بسیار کتابهای ارزشمندی را چاپ کردند و در همان جا آموزش برخی از علوم ارزنده بنیانگذاری شد. زیر سایۂ همین دانشکده زبان اردو رشد کرد و همچنین زبان هندی نیز در فضای سیاسی آن تربیت یافت. "کری" (CAREY) نوشته است:

> "در دورۂ این مرد بزرگ (لرد ولزلی) کار گزاران شرکت برای ترویج علوم فارسی کوششهای فراوانی انجام دادند و نیز وی کوشش کرد که با انتشار کتابهای ارزشمند، علوم شرقی حمایت شود و گسترش یابد. نظیر آن کوششها در هیچ زمانی دیده نمی شود".

به گفتهٔ: کول برك (Henry Cole Brook)، گلیدون، هیرنگتون، گلکرست (Gilchrist)، اید منستون، بیلی، لوکیت، لمسدن (Lumsden)، هنتر (Hunter)، یوچنن (بوکنن)، کیری (Carey) و بارلو (Barlow) و افزون بر این، گفتهٔ برخی از دانشمندان دیگر این امر را تأیید می کند که در آنجا کارهای ارزنده یی انجام گرفت. اگر این دانشکده برجا می ماند و سنتهای گذشته اش هم ادامه می یافت، اکنون مرکز بزرگی از علم و هنر می بود. ما در آینده برخی از آثار این استادان را نام خواهیم برد که تألیف و یا ترجمه کرده اند. متأسفانه رؤسای شرکت از فعالیت دانشکده راضی نبودند و به زودی تصمیم گرفتند که آنرا را تعطیل کنند. آنان شکایت داشتند که:

"مخارج دانشکده بسیار زیاد است و در برابر آن فایده چندانی به دست نمی آید".(۱۲)

در سال ۱۸۰۰م دستور تعطیل دانشکده داده شد. اما لرد ولزلی برای ادامهٔ کار اصرار داشت(۱۳) و از رؤسای شرکت خواست که در قضاوت خود تجدید نظر کنند. پیشنهاد وی تا اندازه ای پذیرفته شد، اما دانشکده جایگاه گذشتهٔ خود را از دست داده بود، ولی بهر صورت تا سال ۱۸۲۸م (۱۲٤٤ق) فعالیت می داشت، تا آنکه دیگر زبان انگلیسی در هند ریشه دوانیه بود و دیگر برای کارمندان شرکت آموزش زبان فارسی چندان لازم نمی نمود.

دوره های دولتی آموزش فارسی(١٤)

پس از سال ۱۷۵۷م که انگلیسیان در برابر سراج الدوله پیروزی یافتند و در سیاست و حکومت این سرزمین جا افتادند، دوره های آموزش

زبان فارسی را از نو برپا کردند و شکل تازه یی بدان دادند. اصول آموزش گسترده تر گشت و شعبه های گونا گونی از آن تشکیل داده شد.

تا سال ۱۸۰۱م (۱۲۱٦ق) مدیر ان گروه ها را "مترجم فارسی" (PERSIAN TRANSLATOR) می خواندند. از آن پس نام آنها به "منشی فارسی" (PERSIAN SECRETARY) مبدل گردید. درکنار مدیران آنان چندین معاون اروپایی دیگر نیز بودند، که لازم بود آنان نیز زبان فارسی بدانند.

در سال ۱۸۳۰م (۱۲٤٦ق)، مقام "منشی فارسی" را لغو کردند و این اداره زیر نظر گروه سیاسی (Political Department) در آمد و به نام "ادارهٔ فارسی" (Persian Office) نامیده شد.

این اداره فعالیت های گوناگونی بر عهده داشت مثلا یکی از کارهای آن نوشتن قرار دادهای سیاسی، نامه ها و فرامین به کار-گزاران (رؤسا) گوناگون بود و تامدتی گذر نامه نیز از همین اداره صادر می شد و مسایل آموزشی نیز با همان بود.

نامه ها و اسناد فارسی که از سالهای ۱۷۵۹ - ۱۸۵۹م در دست است به چهار گروه دسته بندی می شود.

۱- مراسلات. شامل همه گونه نامه ها از صورت در آمد و هزینه تا حضور و غیاب کارمندان و منشیان.

۲- وضع کار گروه (دپارتمان) فارسی و رویدادهای شاهان یا امیران.

۳- فرامین، قراردادها و اسناد که بیشتر این اسناد به زبان فارسی

است و ترجمه های آن در کتاب "ایچیسن" (Acheson) آمده است.

٤- متفرقات از اسناد و اوراق.

زبان فارسی در دادگاهها

زبان فارسی از نخستین روزهای فرمانروایی انگلیسیان در دادگاههای هند به کار گرفته می شد. سرجان شور(۱۵)(Sir John Shore) دربارهٔ علل کار برد زبان فارسی در دادگاهها در مقاله یی می نویسد:

زبان فارسی در این سرزمین از زمانهای گذشته مورد استفادهٔ مردم بوده است. مردم با این زبان مأنوس بوده اند. افزون برآن زبان فارسی در نوشتن و خواندن نسبت به زبانهای دیگر بسیار آسان تر بود.و بدین جهت در آغاز انگلیسیان این زبان را در دادگاهها نگهداشتند".

مولانا عبدالحق، دبیر "انجمن ترقی اردو" در مقاله یی نوشته است.
هنگامی که دیوان محاکمات بنگال به انگلیسیان واگذار شد، ابقاء زبان فارسی یکی از مهمترین شرایط قرارداد بود. بهر حال آموختن زبان فارسی و به دست آوردن مهارت در آن زبان، برای دادرسان (Magistrate) لازم بود. در غیر این صورت آنان نمی توانستند مسئولیتهای مهم خود را انجام دهند. بر کارمندان دیوان دادگستری و مترجمان بود که امتحانات زبان فارسی را بگذرانند. قوانین و مقررات به صورت ترجمهٔ فارسی در دست آنان بود. و برا وکلاء نیز لازم بود که این قوانین و ضوابط را حفظ کنند.

جان شور(۱٦) (John Shore) یکی از بزرگترین محرکان الغای زبان فارسی در هند بوده، وی می گفت که جنبهٔ بد رواج زبان فارسی این است که

طرفین دعوا در دادگاه به درستی نمی توانند در عمل محاکمه سهیم شوند. زیرا که کم کم کار برد زبان فارسی میان عامهٔ مردم کاهش می یافت. در نتیجه آنان به وکلاء و مترجمان نیاز می داشتند.

اما گویا حقیقت این بوده که برای دادگستران و داد رسان انگلیسی تحصیل زبان فارسی بسیار سخت می نمود. آنان به آسانی به زبان فارسی آشنا نمی شدند و ناگزیر تا حد زیادی به کارمندان محلی نیازمند بودند. خلاصه در نظم و ترتیب امور مملکت خلل به وجود می آمد. در نتیجه وسایل دادرسی در تنگنا قرار می گرفت. جان شور نوشته است:

"شمار دادرسان انگلیسی که به زبان فارسی مهارت کامل داشته باشند، در تمام دادگاهها به زحمت به سی تن می رسد که میتوانند گزارش پلیسی را درست ترجمه کنند و نیز درمیان آنان بیش از ده تن دیگر پیدا نمی شوند که بتوانند پاسخ این گزارش ها را به زبان فارسی بنویسند".

باوجود این اهمیت زبان فارسی میان مردم برقرار ماند و کارگزاران بنا به ضرورت کاری، زبان فارسی را می آموختند.

آموزش زبان فارسی

"انگلیسیان در آغاز روزگار خود کُل مسئلهٔ آموزش و پرورش را نادیده می گرفتند روزگاری پس از آن مسئولان باتعهد مسئلهٔ آموزش و پرورش مخالفت می ورزیدند و پس از آن نظامی را رایج کردند که عامهٔ مردم آنرا نمی پذیرفتند و رد می کردند. بالاخر نظام آموزش به صورتی در آمد که ما اینروزها نیز آنرا در مدرسه ها می بینیم". (۱۷)

سخنان "هاول" تاریخ مجملی از "آموزش در دورهٔ انگلیسیان" بدست می دهد: شرکت شرقی تا سال ۱۸۱٤م به آموزش عامه مردم دلبستگی نداشت و شاید اولین بار در همان سال ضرورت آموزش مردم را احساس کردد و سپس این مسئله را یکی از مهمترین مسایل کشور به شمار آورد .

لیکن ما می بینیم برنامهٔ حکومت در این مورد هرچه بود ، برخی افسران دلسوز و صمیمی شرکت حتی پیش از این تاریخ با علاقه و تمایل شخصی خود ، برای عامهٔ مردم مدرسه هایی را تأسیس می کردند. هزینه های آن مدرسه ها را نیز از جیب خود پرداخت می کردند یا از در آمدهای اوقاف بهره ی جستند.

وارن هیستنگز (۱۸)

وارن هیستنگز (Warren Hastings) در سال ۱۷۷٤م استاندار فورت ولیم (Fort William) کلکته گردید. وی دوستار بی پرواو پرشور علوم شرقی بود و فارسی را خوب می دانست. پیامد این گزینش این بود که در سال ۱۷۵۵م (۱۱٦۹ق) کمیتهٔ تحقیقاتی تشکیل یافت که هدفش این بوده تا در مناطق شمالی امکانات بازرگانی را بررسی کند و وارن هیستنگز ریاست این کمیته را به عهده داشت. این کمیته به بسیاری از دربارهای شمالی ی رفت که در آنجا همه کارها بازبان فارسی انجام می گرفت(۱۹).

مدرسهٔ عالیهٔ کلکته

در سال (۱۷۸۱م) با تلاش استاندار نا مبرده، در کلکته، مدرسه یی اسلامی گشایش یافته که هزینهٔ آن تا اندازه ای با در آمد های

وقفی می گشت. هدف آن مدرسه این بود که جوانان مسلمان را برای استخدام های رسمی تربیت کند. در آن مدرسه بیشتر زبان فارسی و نیز دروس لازم علوم اسلامی تدریس می شد.

فعالیت مدرسه چندان رضایت بخش نبود. در سال ۱۸۲۰م آئین نامه و مدیریت این مدرسه را از نو بررسی نمودند و چند ماده از مقررات را اصلاح کردند. در سال ۱۸۵٤م دورهٔ آموزشی دیگری به نام، "انگلیس ایران و" (Anglo Persian) را نیز دائر کردند. در بر نامهٔ گروه عربی نیز تغییراتی مهم پدید آمد و اصلاحاتی ارزنده انجام گرفت. در سال ۱۸۵۲م دکتر اسپرنگر (Dr. Sprenger) شیوهٔ آموزش پیشینیان را به شدت به باد انتقاد گرفت و گفت، غرض و غایت اصلی آموزش و مطالعه این زبانها به گونه یی باید باشد که زبانها را به شیوه نو بیاموزند. از سوی دیگر برخی از گروهها به مخالفت زبان فارسی برخاسته بودند. اسپرنگر به آنان نیز پاسخ داد و حفظ این زبان را به دلایل گوناگون تأیید می کرد. نظریات وی را در این زمینه در گزارش تحقیقاتی مدرسهٔ عالیه در دست داریم.

در مدرسه گاه گاهی تغییراتی به وجود می آمد. ولی تا به امروز مدرسهٔ عالیه به صورت یك مرکز بزرگ برجای مانده است. در آن مدرسه دانشمندانی از قبیل "سرهنگ فلت" و "سردینس راس" (Sir Denis Ross) حضور داشتند.

حمایت از آموزش زبان فارسی

با آغاز سدهٔ نوزده میلادی پیشنهاد تازه یی برای آموزش مطرح شد، و مدیران شرکت به مسئلهٔ آموزش مردم دلبستگی نشان دادند. لرد منتو

(Lord Minto) (۲۰) در یاد داشت (مؤرخ ۱۸۱۱م) نوشته است:

"علوم هندی به تدریج از میان می رود، مردم با استعداد و شایسته کاهش می یابند و رو به زوالند. حکومت برای هیچیك از رشته های دانش پیشبینی مناسبی ندارد. لرد منتو می گفت پیامد این نا بسامانیها بسیار خطرناك است. علوم مردم هند نابود خواهد شد. لازم است که حکومت حفظ آن را تدارك ببیند".

این درخواست بسیار مؤکد تأثیر عمیق خود را گذاشت. و در سال ۱۸۱۳م شرکت در یکی از ماده های قانون حق آموزش مردم را به رسمیت شناخت. سال ۱۸۱۵م لرد موبرا تأکید کرد که هر چه زود تر مدرسه ها و دانشکده ها را تأسیس کنند.

حکومت هند برای انجام این کار بودجه ای تعیین و پرداخت کرد و مدرسه ها و دبیرستانهایی دایر شد. در آن زمان در شهرهای بزرگ مدرسه هایی با زبان فارسی، عربی و سانسکریت تشکیل یافت و در آن مؤسسه ها در کنار زبان فارسی و دیگر علوم، زبان انگلیسی نیز تدریس می شد. اینك مافهرستی از این مدرسه ها را یاد می کنیم(۲۱) که در آنها در کنار علوم دیگر زبان فارسی نیز آموزش داده می شد.

۱- مدرسهٔ کلکته: که پیش از این نیز ذکر آن رفت.

۲- دانشکدهٔ آگره: این دانشکده در سال ۱۸۲۲م برپاشد. بخش بزرگی از هزینهٔ آن از اوقاف "گنگادهر پندت" تأمین می شد. کمیتهٔ آموزشی تصمیم گرفت که در آنجا زبان های فارسی، عربی، سانسکرت و هندی

تدریس شود. در آغاز کار آموزش زبان انگلیسی را در بر نامهٔ خود نداشت. اما در سال ۱۸۲۷م درس انگلیسی نیز در آن دایر شد. این دانشکده مرکز مهم آموزش شد و برخی از دانشمندان شایسته تحصیلات خود را در آنجا گذرانده بودند. از آن میان "سیل چند" نگارندهٔ "تفریح العمارات" و "مانك چند" نویسندهٔ "عمارات الاکبر" (گویا اکبر آباد) و جز آن.

۳- مدرسه های بریلی: در بریلی ۱۲۱ مدرسه برپا بود که در آنها زبان های فارسی و عربی تدریس می شد در اطراف آن شهر ۲۲۰ مدرسهٔ دیگر فعالیت می کرد. در آنجا نیز تحصیل زبان فارسی و ریاضی جز و برنامه های درسی بود.

٤- مدرسه بنارس. این مدرسه در سال ۱۸۱۸م تأسیس شد. هزینه های نخستین این مدرسه را "جی کشن گوپال" در سال ۱۸۱٤ به مبلغ ۲۰۰۰ روپیه فراهم کرد. دولت نیز مبلغ ۲۰۳۳ روپیه کمك کرد. در آنجا انگلیسی، فارسی، هندی، بنگالی و حساب آموزش داده می شد.

٥- مدرسهٔ مجانی کانپور: این مدرسه در حوالی سال ۱۸۲۰م بر پاشد. در آنجا تحصیل به زبان فارسی انجام می گرفت.

٦- دانشکدهٔ دهلی. این دانشکده پیش از ۱۸۲۷م بنیاد گردید و در آنجا برخی کسان نامدار تربیت یافتنند.

۷- مدرسهٔ دهلی. "مدرسهٔ غازی الدین حیدر" را تعمیر کردند و به مدیریت "تیلر" (Taylor) کلاسها را برای آموزش زبان فارسی دایر نمودند.

۸- مدرسه های فریزر دهلی. "فریزر" (Fraser) در سال ۱۸۱٤م برای

فرزندان کشاورزان مناطق دهلی چند دبستان دایر کرد که در آنجا کلاسهای زبان فارسی تشکیل شد. برای آن مدرسه ها "فریزر" تقریباً ۲۰۰ روپیه از جیب خود پرداخت می کرد. پس از مدتی فریزر نامه یی به "دبیرکل دولتی" دبلیو - بی - بیلی" (W.B. Baillie) نوشت و از وی خواست که دولت برای ادامهٔ کار این مدرسه کمک کند. زیرا که وی نمی تواند مستمراً بار هزینهٔ ۲۰۰ روپیه را، از جیب خود، بکشد و اگر حکومت از این مدرسه ها سر پرستی نکند، محال است، کار آنها ادامه یابد. متأسفانه کمیتهٔ عمومی آموزشی این درخواست را رد کرد بدین بهانه که حکومت پول کم دارد و نمی تواند به مدرسه ها کمک کند.

افزون براین مؤسسه های دیگری کلاسهای فارسی داشته اند، مثلاً "امام بارگاه هگلی" مدرسهٔ مجانی مرتهه = مرت" "مدرسهٔ مجانی دکه" "مدرسه و دانشکدهٔ مرشد آباد" و جز آنها که تفصیل را باید از تذکره "فشر" به دست آورد.

انجمن آسیایی بنگال (Asiatic Society of Bengal)

در سال ۱۷۸٤م با آرمان گسترش فرهنگ و پیشرفت انجمنی تشکیل یافت(۲۲). اعضای این انجمن بسیار با کفایت و شایسته بودند. بنیانگذار این انجمن مردی سرشناس و دانشمند به نام « سر ولیم جونز" (Sir William Jones) بود، که پس از امتناع "وارن هیستنگز" از پذیرفتن ریاست آنجا، نخستین کس بود که به ریاست انجمن برگزیده شد.

در آغاز برنامه و اهداف انجمن آنچنان هم بنیادی نبود و زیر نظر آن، تنها جلسات هفتگی برپا می گشت، و در آن جلسات دربارهٔ تاریخ مشرق

زمین، تصوف، علوم وادبیات مقاله هایی خوانده می شد و مقاله های گزیده به نام "تحقیقات آسیایی" انتشار می یافت.

در سال ۱۸۰۶م هنگامی که "ایچ - تی - کول برک" (H.T. Cole Brook) رئیس انجمن شده به زندگی و روح تازه یی بدان بخشید. دولت نیز ماهانه مبلغ ۵۰۰ روپیه برای هزینه های آن کمك برقرار کرد. در سال ۱۸۱٤م موزه یی تشکیل داد. که در آنجا آثار باستانی شرقی به نمایش گذارده شد.

در سال ۱۸۲۹م "کاپیتان هربرت" (Captain Herbert) ماهنامه ای به نام "چکیده هایی از علوم" (Gleanings in Science) را منتشر کرد. در سال ۱۸۳۲م نام آن را تغییر دادند و به نام " انجمن آسیایی" (Journal Asiatic Society) در آوردند. مدیر این مجله پرنسپ (Prinsp) بود.

این انجمن تا به حال خدمتهای بزرگی به علوم شرقی انجام داده است به کوشش بسیاری از کتابهای فارسی، عربی و سانسکرت به شیوهٔ خوب به چاپ رسید. برخی ترجمه ها از کتابهای تاریخی منتشرشد. در انتشارات شیوهٔ تازه ای از تحقیق عملی ارائه داده شده است. انجمن مجله ای دارد ارزشمند، پر ازتحقیقات ماندنی شرق شناسانه که خدمات شایانی به زبان و ادب فارسی کرده است.

الغای زبان فارسی

پیش از بیست و پنج سال از حمایت حکومت انگلیسیان از زبان فارسی نگذشته بود، که حرکتهای مخالفی علیه زبان فارسی و علوم شرقی

بپاخاست. یکی از گروههای هندووان علیه آموزش علوم شرقی و آموزش دانشهای غربی و انگلیسی در خواستی داد. "راجه رام موهن رای" نیز یکی از همان کسان بود. افزون بر این یکی از گروههای انگلیسی نیز به مخالفت با حمایت انگلیسیان از علوم شرقی برخاست. در سال ۱۷۹۱م "چارلس گرانت" (Charles Grant) به گروه مدیران کمپانی گزارش داد که بایستی آموزش زبان انگلیسی در این منطقه گسترش یابد. در آن هنگام بدین پیشنهاد توجه نکردند. لیکن باگذشت زمان بر شمار طرفداران تحصیلات انگلیسی افزوده شد و بسیاری از مردمان بومی این سرزمین نیز آموزش این زبان را خواستار شدند. در نتیجه درمیان کمیته عمومی آموزشی دو دستگی آشکاری رخ داد. در آن میان "پرنسپ" دبیر انجمن آسیایی به عنوان یکی از طرافداران علوم شرقی ممتاز بود، تا مدتی طولانی کمیتهٔ آموزشی به علت اختلاف نظرها نتوانست کار خود را انجام دهد. سر انجام وقتی که "میکالی" (Macaulay) (۲۳) رئیس کمیته شد، درباره این موضوع مقاله یی مؤثری نوشت و در آن مقاله به علوم شرقی حتی اهانت نمود و از گسترش آموزش علوم به زبان انگلیسی به شدت حمایت کرد. در نتیجه آموزش انگلیسی جزو برنامه تحصیلی دولتی گردید و حمایت از زبان فارسی و برخی از زبانهای محلی که از مدتها پیش ادامه داشت کنار گذاشته شد.

با این همه تردیدی نیست که کشش مردمان نسبت به زبان فارسی تا مدتها برجای مانده وحتی تاکنون نیز ادامه یافته است. اما بایستی گفت دورهٔ برتری زبان فارسی در ۱۸۳۵م پایان یافت. هرچند تا ۱۸٤٤م زبان فارسی در دادگاهها باقی بود. و زبان فارسی در برنامه های درسی دولتی تا

روزگاری دراز پس از این تاریخ هم برقرار ماند.

*****

حواشی

نقل از مقالات منتخبهٔ مجلهٔ دانشکده خاور شناسی. دانشگاه پنجاب لاهور ۱۹۶۷م.

۱- سرکار شیواجی (سیوا جی)، ص ٤٦٥.

2- Arnold, Report on the education of the Punjab (educational records ii,P.29).

3- Kaye's papers of Lord Metcalfe.

4- Encyclopeadia of Brittanica Vol 15,P. 264, (1971).

5- Warren Hastings in Bengal, P. 5.

6- Soldiering in India (1764-1787) P. 28, 352.

7- Carey, good old days of John Company, ii 289.

۸- سید محمد: ارباب نثر اردو صفحه، ۲.

9- Brittanica. vol 23, P. 393 (1971).

10- Wellesly Despatches, ii, 325.

11- Carey, Good old Days, i, 406.

12- Educational records, sharp, i 39.

13- Wellesly, Despatches ii, 338.

14- Hand Book to the records of govt of India

(1748 - 1829) P. 96.

15- J. Shore, Notes on Indian affairs, ii, 33-35.

16- Notes, ii, 29-30.

17- Educational records, sharp, P. 7.

18- Brittanica Vol ii, P. 151 (1971).

19- Monckton Jones, warren Hastings in Bengal. P. 5.

20. Educational Records, sharp ii, 19.

21- Educational records, sharp, i, 185.

22- Carey Good old days, i, 417.

23- Brittanica. vol 14, P. 494-496.

❋ مترجم در ضمن تحقیق به مقالهٔ سود مندی با عنوان "تقدی بر کتاب مرآت المجالس" تألیف امین الدین علی خان، از آقای دکتر رضا شعبانی در مجلهٔ کیهان فرهنگی سال چهارم شهریور ماه ٦٦ شمارهٔ ٦ برخورد کرد. کتاب نامبرده گسترش زبان فارسی را در دورهٔ انگلیسیان مورد بررسی قرار داده است. (نسخهٔ خطی "مرآت المجالس" در کتابخانه دانشگاه کیمبریج به شماره Add ۲۷۷۳ نگاهداری می شود). بر این اساس معلوم می شود که انگلیسی ها در یك دوره از حیات فعال سیاسی خود دریافته اند که زبان فارسی واسطهٔ عمده ارتباط پذیری آنها بااهالی بومی بالاختصاص فضلای و منطقه است. بدین ملاحظه تلاش کرده اند که با برپائی سازمانهای شبه فراماسونری، مردمی را به خود وابسته کنند و درهمان حال تمرین فارسی گوئی نیز داشته باشند.

❋❋❋❋❋

نوشتهٔ: دکتر محمدحسین تسبیحی
کتابخانهٔ گنج بخش
مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

مجموعه آثار شاه داعی شیرازی(رح)

(۸۱۵ - ۸۶۹ هـ ق)

نسخه یی ارزنده و کهن در کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان موجود است به نام "مجموعهٔ آثار شاده داعی شیرازی". دراین مجموعه ۷۶ رساله و مثنوی و قصاید فارسی و عربی و شیرازی در موضوعات ادبی و عرفانی و تصوّف و اخلاق و حکمت و سیرت نبوی آمده است در ۶۸۴ صفحه به قطع بزرگ متن و حاشیه. کاتب محمود بن حسن محمود الحسنی است که در تاریخ ۸۸۲ هـ ق، ۸۹۵ هـ ق، ۹۰۵ هـ ق آنرا کتابت کرده است، خط نستعلیق و ثُلث و نسخ خوش و زیبا و جدولها و کتیبه ها و نقّاشی دلاویز. عنوان ها و نشان ها و سر فصلها شنگرف، صفحهٔ دوم و سوم منقّش و مذهّب. داخل کتیبه ها یاترنج ها به خطّ کوفی آمده است. در آغاز «کتاب قُدسیّات» یك کتیبه و در آغاز «کتاب واردات

و قطعات و رباعیات و کتاب صادرات و کتاب کان ملاحت و کتاب سخن تازه و کتاب فیض مجدّد و کتاب مشاهده» هر یك جداگانه، کتیبه های زیبای منقّش و مذهّب در زمینه های لاجوردی وزرّین، و از صفحهٔ اوّل تا ۵۹ جدولهای ۲ خطّی زرّین و سیاه و گل وبوته نگاری در کنارهٔ صفحات.

مؤلّف: نظام الدین محمود بن الحسن الحسنی (۸۱۵ -۸۶۹ هـ ق) و تاریخ گرد آوری و تنظیم و ترتیب و تدوین این رسائل تا سال ۸۶۵ هـ ق می باشد که در ٭ سال آخر عُمْر مؤلف بوده است و در صفحهٔ ٤ نسخه این‌گونه آمده است: «داعی مسکین الفقیر الی الله الغنی الملقّب به نظام الدّین محمود بن الحسن الحسنی .... گاه گاه شکسته بسته نظمی چند اتّفاق می افتاد ... در تاریخ سنة خمس وستّینَ و ثما نمائة که سِنّ ناظم به، پنجاه و پنج رسیده بود... به مدد قلم فرزندی ارجمند ... رقم مجموعیّت یافت ...: قدسیّات، ... واردات، صادرات ... سخن تازه .... فیض مجدّد... الخ.»

این نسخه در حقیقت ۷۶ نسخهٔ ارزنده و ارجمند است و موضوع آنها به طور کلی دین وادب و عرفان و تصوّف اخلاق و حکمت و تفسیر قرآن و سیرت نبوی(ص) و گنجینه یی است از علوم ادبی و عرفانی و آداب و رسوم متصوّفه و شروح و تفسیر بر آثار متقدمان ادب و عرفان. نظام الدین محمود بن حسن الحسنی معروف به شاه داعی شیرازی یا «داعی الی الله(رح)» از پرکار ترین عرفا و بزرگان ادب و شاعران زبان فارسی در قرن نهم بوده است. آن گونه که درمقدمهٔ نسخهٔ خطّی او آمده است در زمان حیاتش تقریباً همهٔ آثارش گردآوری و تدوین و از لحاظ موضوعی تقسیم بندی شده است. آثار شاه داعی شیرازی منظوم و منثور و چند تای آنها به زبان

عربی و یکی هم به زبان یا لهجهٔ شیرازی است. همانگونه که رسم و طریقهٔ کاتبان و یا مؤلفان قدیم بوده، نیمی از رسائل و مثنوی ها در متن ونیمی در کنارهٔ صفحات کتابت شده است ونیمی از نسخه ها با جدول ها و سر لوح ها و ترنج ها و کتیبه ها آراسته و منقّش و مذهّب شده ونیمی بدون آرایش و تزیین است ولیکن اواخر این نسخه افتادگی داشته که با کاغذ و خط و کتابت تازه تر افزوده شده است. گردآوری نسخه های هفتاد و شش گانه درسّن ۵۵ سالگی مؤلف یعنی شاه داعی از سال ۸۶۵ هجری قمری آغاز شده و لیکن تاریخ کتابت از ۸۸۲ تا ۹۰۳ هـ ق در پایان بعضی از این رسائل آمده است. اینک توضیحی اندک دربارهٔ هر نسخه به ترتیبی که کتابت شده است:

۱- مقدّمه: در موضوع معرّفی نسخه و طرز گردآوری اشعار و رسائل و خلاصه یی از احوال و آثار مؤلف. در مقدّمه گوید: موقعی که سنّ مؤلف به ۵۵ سالگی رسیده باهمکاری «فرزندی ارجمند؟» در سال ۸۶۵ هـ ق آثار و اشعار خود را گرد آوری کرد.»

۲- نسایم گلشن، در شرح گلشن راز. هر بیت را می نویسد و به نثر از لحاظ عرفانی و ادبی و لغوی و دستوری و صرفی و نحوی و تاریخی، شرح و تفسیر می کند. «نسایم گلشن» از طرف ادارهٔ انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان چاپ و نشر شده است.

۳- کتاب قدسیات، شامل آثار منظوم در بحور مختلف است برحسب حرف «رَویّ» که درآن توحید، حمد، مناجات، نعت، مدح، منقبت، توصیف و تغزل است به نام های قُدسیّات، نصیحت، وصف اهل بیت(ع)، مدح شیخ ابواسحاق، شیخ محمد روزبهان، ترکیب بنددرمناقب پنج تن آل

عباء، منقبت خلفای راشدین، ترجیع بند در منقبت علی بن ابی طالب(ع)، مدح احمد کبیر، مدح سید نور الدین نعمة الله و دیگران. در حدود ۱۱۰۰ بیت دارد.

قُدسیّات و منظومات دیگر تحت عنوان دیوان شاه داعی شیرازی به کوشش آقای دکتر محمّد دبیر سیاقی در تهران از طرف کانون معرف چاپ شده است.

٤- کتاب واردات: شامل آثار منظوم در بحور مختلف است که درآن نعت و مناجات و توحید بر اساس حروف رَویّ و قافیه ترتیب یافته است. در حدود ۹۵۰ بیت دارد. مشتمل بر غزلیّات است.

٥- کتاب المقطعات: شامل اشعاری است که در موضوع وفات و ولادت و تشویق و ترغیب و پند و اندرز و اخلاق و دیگر مسائل دینی و عرفانی سروده شده است و بر حسب حروف روی و قوافی تنظیم و ترتیب یافته است. در حدود ۲۰۰ بیت دارد.

٦- کتاب رباعیات: در موضوع عرفان و ادب و حکمت و عشق و فلسفه و ذات واجب الوجود است. در حدود ۱٤۰ بیت دارد.

۷- عرایس الترجیع (ترجیعات): در موضوع عرفانی و توحید و اثبات ذات و صفات باری تعالی و در حدود ٦٥۰ بیت دارد.

۸- سبعهٔ سیاره: شامل قصاید مَدحیّهٔ و قصاید عرفانی است و در حدود ۱۰۰ بیت دارد و برحسب الفبایی حروف قافیه تدوین شده است.

۹- اشعار عربی و اشعار مُلمّع: (فارسی و عربی) درحدود ٤۰۰

بیت دارد.

۱۰- مثنویات کوتاه متفرقه و مناجات: در موضوع مناجات و دعا و نعت و عشق به درگاه قاضی الحاجات و مرثیه، و اشعاری بروزن شاهنامه در مدح سلطان ابی المعزّ عبدالله. در حدود ۵۰۰ بیت دارد و چاپ شده.

۱۱- کتاب صادرات: در موضوع عرفان و تصوف ونعت و توحید و غزل و تعشّق که بر حسب حروف الفبایی قافیه وردیف ترتیب یافته و در حدود ۷۵۰ بیت دارد.

۱۲- کتاب کان ملاحت: شامل انواع اشعار شیرازی از قصیده و غزل در موضوع عشق و عرفان و توحید و نعت و ادب برحسب حروف روی و قافیه است و در حدود ۹۰۰ بیت دارد.

۱۳- کتاب سخن تازه: در موضوع توحید و حمد و نعت و عرفان و مسائل دقیق تصوّف و تمثیلات روحانی و عرفانی برحسب حروف قافیه. در حدود ۶۱۰ بیت دارد و چاپ شده.

۱٤- کتاب فیض مجدّد: شامل انواع شعر در نعت و خاصّه غزلیات عرفانی و رباعیّات روحانی و درحدود ۲۵۵۰ بیت دارد.

۱۵- ستّهٔ داعی: شامل یك مقدمهٔ کوتاه منثور و شش مثنوی عشقی و عرفانی و تمثیلی و حکمی بدین ترتیب: کتاب (مثنوی) مشاهده، بروزن مخزن الاسرار نظامی: «مفتعلن مفتعلن فاعلن یا فاعلات» تقسیمات آن بر حسب «مشهد» و مطلب» و «کشف» و «ذوق» و «معرفت» و «حقیقت» و «توحید». در موضوع حکمی و فلسفی و عرفانی. در حدود

۶۵۰ بیت دارد، و در ۸۳۶ هجری قمری سروده شده است.

۱۶- کتاب (مثنوی) گنج روان: بروزن اسکندر نامۀ نظامی «فعولن فعولن فعولن فَعُول یا فعَل». تقسیمات آن بر حسب «مقالت» و «حکایت» و «مثال» در موضوع اخلاق و عرفان و پندو اندرز و ارزش مقام انسانی. در حدود ۱۱۷۰ بیت دارد، و در سال ۸۴۱ هجری قمری سروده شده است.

۱۷- کتاب (مثنوی) چهل صبّاح: بروزن لیلی و مجنون نظامی «مفعول مفاعلن مفاعیل یا فعولن» از مزاحفات بحر هزج مسدّس، تقسیمات آن بر حسب «نعت» و «تنبیه» و «شمار» و «صباح» است و جمعاً ۴۰ صباح و در حدود ۸۵۰ بیت دارد، و در موضوع خلقت آدم در مدت چهل صباح اقتباس و تفسیر از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی است و در سال ۸۴۳ هجری قمری سروده شده است.

۱۸- کتاب (مثنوی) چهار چمن: بروزن هفت پیکر نظامی «فاعلاتن مفاعلن فعلن یا فعلات» از مزاحفات بحر خفیف است، تقسیمات آن بر اساس «نعت» و «مقدمه» و «چمن» و «استفسار» و «عجز» و «شوق» و اسامی گلها است. جمعاً چهار چمن دارد. این مثنوی شامل گفت و گوی گلها و بلبل است. در حدود ۱۰۰۰ بیت دارد، و در سال ۸۴۲ هجری قمری سروده شده است.

۱۹- کتاب (مثنوی) چشمۀ زندگانی: بروزن خسرو و شیرین نظامی «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل یا فعولن» از مزاحفات بحر هزج مسدّس سروده شده است. تقسیمات آن بر حسب «نعت و مقدمه» و «رشحه» و «ترجیع» و «قصیده» است، و جمعاً «۷ رشحه» دارد، و اصولاً این مثنوی شامل

قصاید و ترجیعات» است برهمان وزن خسرو و شیرین نظامی. در حدود ۱۲۰۰ بیت دارد، و در سال ۸۵۶ هجری قمری سروده شده است، و موضوع آن خدا شناسی و عرفانی و حقیقت و معرفت به خدا است.

۲۰- کتاب (مثنوی) عشق نامه: بروزن مثنوی مولوی معنوی «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات یا فاعلن» و از مزاحفات بحر رمل مسدّس، تقسیمات آن بر «نعت و مقدمه» و «سخن» و «حکایت» و «خاتمه» و بر «۱٤ سخن» منقسم است و چند حکایت دارد و در موضوع «عشق عرفانی» و سیر و سلوک و مراتب عشق و منازل سالك و دیگر مسائل عرفانی است و جمعاً در حدود ۱٦۵۰ بیت دارد، و در سال ۸۵٦ هجری قمری سروده شده است.

۲۱- کتاب محاضر السیرفی احوال خیرالبشر: در موضوع حالات ظاهری و باطنی و روحانی و علمی و عملی و حکمی و فلسفی حضرت محمّد ابن عبدالله(ص) شامل نثر و نظم فارسی روان و ساده، اشعار از مؤلّف است. از آیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده می کند. بر حسب «محضر» و «خطبه» و «مناجات» و «لطیفه» و «نکته» و «دقیقه» و «مضمون» و «سرّ» و «سرّ البحث» تقسیم شده است و جمعاً در «۱٤ محضر» است این کتاب بسیار ارزنده و ارجمند است و حاوی مطالب مقدّس و عالی قدر در بارهٔ پیامبر اسلام است و شاید تاکنون چاپ نشده باشد.

۲۲- رسالهٔ خیر الزّاد فی المبدأ والمعاد: عربی و فارسی منثور در موضوع اسرار و حقایق «مبدأ و معاد» است بر اساس احادیث و کلمات قصار مشایخ است و برای «بعضی از محرمان اسرار» تألیف و ترجمه شده

است. متن سیاه و ترجمه شنگرف است. ترجمهٔ فارسی آن روان است.

۲۳- رسالهٔ بیان عیان (فارسی): منثور در موضوع اثبات ذات واجب الوجود و مطالب حکمی و فلسفی و نثر فارسی آن آمیخته با نثر و نظم است. تقسیمات آن بر اساس «سخن در لوح الهی» و «سخن در لوح کیانی» و «سخن در لوح ملکی» و «سخن در لوح جانی» و «سخن در لوح انسانی»، و هر یك از اینها به چند «بیان عیان» تقسیم شده است.

۲۴- رسالهٔ جواهر الکنوز (فارسی): منثور و منظوم در شرح چند رباعی از رباعیّات شیخ سعدالدین ابن السعادة الحموی (متوفّی ۶۴۹ یا ۶۵۰هـ ق مدفون در بحر آباد جُوین) است و در موضوع رموز حقایق و بیان دقایق اسرار عرفان و تصوّف است. هر رباعی را می آورد و آنرا از لحاظ عرفانی و لغوی و ادبی و دینی شرح و تفسیر می کند.

۲۵- رسالهٔ نظام و سر انجام (فارسی): منثور و منظوم در معرفت ذات احدیت بر اساس حقایق عرفانی و «بنوش بنوشان». تقسیمات آن بر اساس «جام» است، و جمعاً «۱۰ جام» دارد.

۲۶- رسالهٔ سمرة الحبیب (عربی): منثور در موضوع توضیح «حُبّ و محبوب و حبیب» است.

۲۷- رسالهٔ مسمّی به قلب و روح(عربی): منثور، و در موضوع بیان «قلب = دل» و «روح = روان» و فرق آنها بایکدیگر از نظر عرفان و تصوّف.

۲۸ تا ۳۳ - حاشیه یا شرح مثنوی مولوی (دفتر اول تا ششم):

منثور و منظوم به زبان فارسی بر اساس عقاید عرفانی و به نثرروان و سلیس فارسی. تقسیمات آن بر اساس «ابیات مثنوی» و لفظ «قوله» است. این شرح در اصل «حواشی مثنوی» خوانده می شود و لیکن جای آن دارد که «شرح مثنوی» خوانده شود. دفتر اول از همهٔ دفاتر دیگر مشروح تر و مبسوط تر و مفصّل تر و دفتر آخر فقط دو صفحه است و جمعاً ۲۵۸ صفحه است. کتابت این شرح در سال ۸۹۵ تا ۹۰۰ هـ ق در یزد انجام یافته است. این شرح به کوشش آقای محمّد نذیر رانجها در دو مجلد از طرف ادارهٔ انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان چاپ شده است.

۳٤- رسالهٔ مراشد (عربی): منثور در موضوع مقام و مرتبت و وظیفه و کردار و رفتار و اخلاق «مرشد» است. در آغاز «مرشد فی المبدأ و المعاد» و در انجام «مرشد فی الوصیة» آمده است و در سال ۸٦۷ هجری قمری تألیف شده است.

۳۵- رسالهٔ لطایف: فارسی و منثور در موضوع اثبات ذات واجب الوجود بر اساس عقیدهٔ عرفانی تحت عنوان «لطیفه» ها و به «لطیفه» ها تقسیم شده است. نثر فارسی آن روان و آمیخته با نظم فارسی عرفانی است.

۳٦- رسالهٔ راه روشن: فارسی و منثور در موضوع یافتن راه صحیح و درست به سوی خدای یگانه، وآن راه راهرَو یا طریق سالك یا طالب است که باید روشن و معلوم باشد و هر سالك یا طالب بدون «مرشد» نمی تواند راه روشن بیابد. تقسیمات آن بر اساس «مقدمه» و «باب» و «فصل» و «خاتمه» است و جمعاً «سه باب»، و هر باب چند فصل دارد.

۳۷- رسالهٔ کلمات باقیه:فارسی و منثور در موضوع اثبات بی

عیبی ذات یگانه و در یافت مقام ادراك خدا. تقسیمات آن بر حسب «کلمه» است و «چند کلمه» دارد که با اشعار زیبای عرفانی همراه است.

۳۸- رسالهٔ اعیان ثابته: فارسی و منثور در موضوع کشف و عیان خدای یگانه از نظر یك سالك و چگونگی کشف و شهود و عیان.

۳۹- رسالهٔ کُمیلیّهٔ اولی: فارسی و منثور، در موضوع تفسیر و شرح و بیان حقیقت از زبان کمیل بن زیاد که از حضرت علی بن ابی طالب(ع) پرسیده است و شامل مطالب عرفانی و مکاشفه است برای یافتن حقیقت. عین کلمات و جملات دعایی عربی را می آورد و شرح و تفسیر می کند.

۴۰- رسالهٔ کُمیلیّهٔ ثانیه: فارسی و منثور همانند رسالهٔ بالا بایك شرح و توضیح وسیع تر و مبسوط تر.

۴۱- دیباچهٔ دیوان: فارسی و منثور در موضوع بیان مطالب ادبی آمیخته با جملات ادبی و دینی و عربی، و معرفی دیوان اشعار و گردآوری آنها سرودهٔ شاه نعمة الله ولی که با القاب و انساب بسیار همراه است و به «نورالحق و الدین نعمة الله» نامبردار شده است و این دیوان با این مقدمه در خاندان داعی الحسنی شیرازی موجود است.

۴۲- رسالهٔ جمال کمال: (فارسی) و منثور در موضوع شرح و توضیح لفظ «جمال» و «کمال» از لحاظ عرفانی و روحانی، و می توان این رساله را «فرهنگ معانی جمال» نامید. تقسیمات آن بر اساس لفظ «جمال» است و با اشعار عرفانی فارسی همراه است.

۴۳– رسالهٔ تحریر الوجود المطلق: فارسی و منثور در موضوع مسألهٔ وجود بر اساس عقیدهٔ درویشان و عارفان، تقسیمات آن بر حسب «تحریر» و «تمهید» است و اشعار فارسی عرفانی همراه دارد.

۴۴– ترجمهٔ رسالهٔ شیخ: فارسی و منثور در موضوع تحصیل علم حقایق و حقیقت معارف، اصل رساله از شیخ محیی الدین عربی معروف به «ابن عربی» است که داعی شیرازی آنرا ترجمه و تفسیر کرده است و بر «فصل» تقسیم شده است.

۴۵– لمعه: در موضوع نسبت صوفیه و بعض مطالب و مقاصد آنان، و تقسیمات آن بر حسب «اخرٰی» و «آخر» است.

۴۶– رساله فی معنی المحبة: فارسی و منثور در شرح و توضیح لفظ محبّت بر اساس عقیدهٔ صوفیان و آمیخته با اشعار عرفانی فارسی. تقسیمات آن بر اساس «شمّه» و «شمامه» و «رایحه» است.

۴۷– رسالهٔ تحفةالمشتاق: فارسی و منثور در توضیح و بیان عشق واشتیاق و شوق بر اساس عقیدهٔ متصوّفه، تقسیمات آن بر اساس «قسمت» و «نوع» است، و بر سه قسمت و هر قسمت برده «نوع» منقسم است. نثر فارسی آن آمیخته با اشعار عرفانی فارسی است.

۴۸– رسالهٔ کشف المراتب: فارسی و منثور در توضیح و تشریح «نبوّت» و «ولایت» بر اساس عقیدهٔ عارفان و صوفیان و بر اساس آیات قرآن شریف و احادیث نبوی و اخبار و روایات، و نثر فارسی آن آمیخته با ابیات عرفانی و روحانی است.

۴۹- رسالۀ اصطلاحات: فارسی و منثور، در موضوع معانی و مفاهیم و مقاصد الفاظ و مصطلحات صوفیه، و تقسیمات آن بر اساس «فصل» است و جمعاً «دوازده فصل» دارد.

۵۰- رسالۀ مرآت الوجود: فارسی و منثور در موضوع وحدت وجود و اثبات ذات واجب الوجود بر اساس عقیدۀ کشف و شهود آمیخته با ابیات عرفانی و کلمات مشایخ.

۵۱- رسالۀ چهار مطلب: فارسی و منثور در موضوع «نور» و «نفح» و «قُرب» و «حُبّ» بر اساس عقیدۀ صوفیان. تقسیمات آن بر حسب «مطلب» و جمعاً «چهار مطلب» است. و در همین چهار موضوع بحث می کند و از اشعار عرفانی و روحانی و آیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده می کند.

۵۲- رسالۀ الفواید فی نقل العقاید: فارسی و منثور در موضوع شرح و توضیح «عقاید اهل حقّ» و «عقاید اهل باطل» و معرفت «صانع» و «مصنوع» و شرحی دربارۀ مذهب اهل سنّت و جماعت.

۵۳- رسالۀ اشارة التفألّ: فارسی و منثور در موضوع «فال» و «فال گرفتن» بر اساس قرآن شریف و احادیث و سخنان پیشوایان دین و علمای مذهبی به ترتیب حروف الفبایی آمیخته با اشعار دل انگیز فارسی.

۵۴- ترجمةالاخبار العلویّه: فارسی و عربی و منثور در موضوع شرح و توضیح کلمات قصار و جملات عربی به زبان فارسی از زبان بزرگان دین و پیشوایان اسلام بر اساس عقیدۀ سلسلۀ علوی یعنی دوستداران حضرت

علی(ع). این رساله در سال ۸۶۸ تألیف و سروده شده است.

۵۵- مرمّاتُ التسلیل: فارسی و منثور در موضوع نیت خالص و عمل صالح و خلق مرضی.

۵۶- رسالة فی معرفة النفس: فارسی و منثور در موضوع خود شناسی و خدا شناسی بر اساس عقیدهٔ عارفان و حدیث شریف «من عرف نفسه فقد عرف ربّه».

۵۷- رسالة اسْوَةُ الکُسْوَة: فارسی و منثور در موضوع لباس و خرقه پوشیدن و تاج و کمر گرفتن بر اساس عقیدهٔ عارفان و مطابقت با اخلاق و روش دین اسلام آمیخته با ابیات عرفانی. تقسیمات آن بریك «مقدمه» و «سه فصل» و یك «خاتمه» است.

۵۸- رسالهٔ تینیّه: فارسی و منثور در تفسیر و شرح «سورة التین» در قرآن مجید به طریق عرفان و تصوف.

۵۹- شرح بعضی ابیات مثنوی مولوی: فارسی و منثور و در موضوع شرح و توضیح عرفانی ابیاتی چند از مثنوی معنوی مولوی بر اساس عقیدهٔ عرفانی چاپ نشده است.

۶۰- شرح بیت عطار: فارسی و منثور بر اساس عقیدهٔ عارفان.

۶۱- رسالة التّلویحات الحرمیّة: عربی و منثور در موضوع شرح «تصوّف» و «توحید» بر اساس فلسفه و حکمت و احکام دینی اسلامی. تقسیمات آن برحسب «تلویح» است و جمعاً «۱۰ تلویح» دارد.

۶۲- رسالهٔ الشدّ و متعلقة بالعدّ: فارسی و منثور در موضوع آداب و رسوم و روش و طریقت و حال و خُلق و خوی عارفان و سالکان و مشایخ طریقت و چگونگی آداب خانقاه و خادم و مرید و مراد و امثال اینها آمیخته با اشعار عرفانی که خود مؤلف «داعی شیرازی» سروده است. تقسیمات آن بر «یك مقدمه» و «۲۱ فصل» و «یك خاتمه» است. این رساله ظاهراً از انجام ناقص است، و یا نا تمام مانده است و «فصل دوازدهم در تعیین خادم و تعهد او و خاتمه در فتوت مذیل به رسالهٔ منظوم موسوم به مقاصد» مفقود است.

۶۳- رسالهٔ دُرّ البحر: فارسی و منثور در شرح و تفسیر «بیتی از اشعار شیخ فریدالدین محمّد عطار قدس سره» که درویشی از سالکان طریقت از شارح «داعی شیرازی» سؤال کرده است.

۶۴- رسالهٔ سرّ الحقیقه: فارسی و منثور در شرح و تفسیر در کلمات اهل عرفان و اسرار صوفیان آمیخته با ابیات عرفانی.

۶۵- الأوراد: عربی و فارسی و منثور در موضوع «وِرْد» و «دعا» که در اوقات معیّنه در هر روز، سالکان و صوفیان موظّف به ادای آن هستند.

۶۶- تاج نامه: فارسی و منظوم در موضوع پوشیدن «تاج» و احکام آن در طریقهٔ عارفان و صوفیان.

۶۷- رسالهٔ شجریّه: فارسی و منثور در موضوع «بهشت» و «صحابه» و «محبّان» و «موحّدان» و «محقّقان» و «مستغرقان» و «صاحبان» و دیگران بر اساس عقیدهٔ عارفان آمیخته با آیات قرآنی و

احادیث نَبَوی.

۶۸- رساله یی در اخلاق: عربی و منثور که شخصی از «ابو علی تاج الدّین اسمعیل ابن علی بن محمد بن اسمعیل البصری» سؤال کرده بود و «داعی شیرازی» دراین باره رساله یی نوشته که تام آن محوشده است.

۶۹- رسالهٔ قلهاتیه: عربی و فارسی و منثور در انساب شیوخ و پیشوایان طریقت و عارفان حقیقت.

۷۰- رساله در تأویل آیتی از کلام اللّٰه: فارسی و منثور در تفسیر آسمان و زمین و آن چه متعلق به آن است براساس عقیدهٔ متصوّفانه.

۷۱- رسالهٔ طراز الایالة: فارسی و منثور در موضوع روش «ولی بودن» و «ولی شدن» از زبان عارفان و صوفیان و آداب و رسوم ولایت آمیخته با شعر فارسی. تقسیمات آن بر حسب «یك مقدمه» و «سه فصل» و «یك خاتمه» است. چاپ شده

۷۲- رسالهٔ وصایا: فارسی و منثور درموضوع پند و اندرز و موعظه است بر سالکان و عارفان و شامل چند فایده است.

۷۳- رسالة فی معنی الولایة و تفصیله: فارسی و منثور و در موضوع مفهوم و مقصد ولایت و ولی شدن و ولی بودن و راه های دست یافتن بدان.

۷۴- رساله دربارهٔ ائمّهٔ اطهار(ع): عربی و منثور در موضوع احترام و بزرگداشت اهل بیت عصمت و طهارت(ع).

۷۵- سَلْوَةُ القُلوب: فارسی و منثور در موضوع مولودی حضرت محمد(ص) و وقایع و حوادث آن بر اساس عقاید عرفانی و روحانی بر «یك مقدمه» و «۱۲ جلوه» و «یك خاتمه» است و درآن ابیات دل انگیز عرفانی فراوان است.

درجمع این ۷۶ رساله و مثنوی و دیوان اشعار، ابیات دلاویز عرفانی و جملات حکمت آمیز روحانی و آیات قرآنی و تاریخ و روایتَ و حدیث و خبر و لطیفه و حکایت فراوان است. جمعاً حدود ۸۰۰۰ بیت از مثنوی و غزل و قطعه و رباعی و ترجیع بند و ترکیب بند دارد. البته غیر از آنهایی که پراکنده در رسائل منثور آمده است. آخرین تاریخ کتابت دراین مجموعهٔ ارجمند، ۸۸۲ هـ ق می باشد و چون مؤلف یا شاعر «داعی شیرازی» در سال ۸۶۹ هـ ق وفات یافته است، لا بُدّ ۱۳ سال پس از مؤلف کتابت شده است و در پایان شرح دفتر ششم مثنوی، کاتب می گوید: از روی یاد داشت خطّ مصنّف نقل کرده شده است. از صفحهٔ ۶۳۶ تا ۶۷۰ گوشه هایی از اوراق ساییده و جملات و عبارات محو شده است. در صفحهٔ آغاز و در انجام نسخه، نشان دو مهر در چند جاهست و اینگونه خوانده شد: «عبده محمد هاشم ابن محمد هاشم سمیع» و مهر دیگر خوانده نشد. ظاهراً این نسخه توسط چند کاتب کتابت شده است زیرا خطّ و کتابت مختلف است. این نسخه در نوع خود یکتا و بی نظیر است و شاید نیمی از رسایل یا اکثر آنها چاپ نشده باشد. مؤلف در حکمت و عرفان و اَدَب در زمان خود یکتا و بی همتا بوده است و در نثر و نظم فارسی عرفانی استادیگانه و بر زبان عَرَبی و فارسی و شیرازی کاملاً مسلّط. اکثر رسایل را با تاریخ تألیف و تبویب و

ترتیب و فصل بندی دقیق تصنیف کرده است. رسالهٔ پنجاه و پنجم ترجمهٔ اخبار العلویه را در سال ۸٦۸ هـ ق تألیف کرده است یعنی یك سال پیش از وفات خود.

آن چه از آثار شاه داعی شیرازی تاکنون چاپ شده است، بدین شرح است:

کلیّات دیوان مشتمل بر:

۱- دیوان های سه گانه: قُدسیّات، وارِدات، صادات.

۲- سخن تازه.

۳- فیض مجدّد.

٤- مثنوی های شش گانه مشهور به ستّهٔ داعی: کتاب المشاهد، کتاب گنج روان، کتاب چهل صباح، کتاب چهار چمن، کتاب چشمهٔ زندگانی، کتاب عشق نامه.

شانزده رساله: رسالهٔ راه روشن، رسالهٔ کلمات باقیه، رسالهٔ نظام و سر انجام، رسالهٔ کمیلیهٔ ثانیه، رسالهٔ ترجمهٔ اخبار علویه، رسالهٔ چهار مطلب، رسالهٔ دُرّ البحر، رسالهٔ شجریه، رسالهٔ اسوة الکسوة، رسالهٔ تاج نامه، رسالهٔ تحریر معنی الوجود، رسالهٔ کشف المراتب، رسالهٔ بیان عیان، رسالهٔ لطایف، ترجمهٔ رسالهٔ شیخ، شرح بیت عطار.

همه این رسایل و کلیّات دیوان و مثنویات شش گانه به تصحیح و مقدمهٔ آقای استاد دکتر محمّد دبیر سیاقی چاپ شده و ناشر «کانون

معرفت»، و «انتشارات علمی» در تهران است. نسایم گلشن یا شرح گلشن راز، شرح مثنوی (حاشیهٔ مثنوی) هر شش دفتر در دو مجلد. این دو اثر نیز به تصحیح و مقدمهٔ آقای محمد نذیر رانجها (پاکستان) توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد چاپ شده و انتشار یافته است.

جمع آثار چاپ شدهٔ شاه داعی شیرازی، ۳٤ اثر است. بنا بر این چهل ودو (۷٦ - ۳٤ = ٤۲) رساله از این مجموعهٔ ارزنده هنوز چاپ نشده است.

برای آگاهی بیشتر از شرح حال و آثار و عقیده و طریقهٔ شاه داعی الی الله شیرازی رحمة الله علیه، مطالعهٔ این مآخذ، ارزنده و مفید است:

مقدّمهٔ مرحوم استاد علی اصغر حکمت بردیوان شاه داعی شیرازی، جلد اوّل، چاپ تهران مقدّمهٔ آقای استاد دکتر محمّد دبیر سیاقی بر مثنوی های شش گانهٔ شاه داعی شیرازی، یا «ستّهٔ داعی»، چاپ تهران.

مقدمهٔ آقای اکبر ثبوت مدیر اسبق مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. البته کتاب های متقدم و تذکره ها و فهارس نسخ خطی و چاپی نیز مفید و سودمند است مانند: ریاض العارفین، طرایق الحقایق، ریحانة الادب. فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان و فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانهٔ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان از تألیفات آقای احمد منزوی، نیز فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ گنج بخش ج۳، ص ٤٥۷ تا ٤۹۰، تألیف دکتر محمد حسین تسبیحی.

*****

معرفی کتاب

فهرست آثار چاپی شیعه در شبه قاره

(بخش اول) (اردو)

کتابی است از تألیفات سید حسین عارف نقوی در ۱۷۵ صفحه که مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در رمضان ۱٤۱۱ هـ ق برابر با مارس ۱۹۹۱م طبع و نشر نموده است و بهای آن ۵۰ روپیه پاکستانی است. این کتاب بخش اول فهرست آثار چاپی شیعه در شبه قاره می باشد وحاوی نام وشرح مختصر ۱۷۰ کتاب در ترجمه و تفسیر قرآن مجید و ۱٦۷ کتاب در علوم القرآن و ۱٤ کتاب در تجوید و ۱۳۷ کتاب حدیث (و اصول حدیث) و ۱٤ کتاب در ترجمه و شرح نهج البلاغه و ٤۲ کتاب در "متعلقات نهج البلاغه و ۱٤ کتاب در شرح احادیث و ۳۸ کتاب در علوم حدیث و ۱٤ کتاب در باره رجال حدیث و ۳۲۱ کتاب عقاید (شیعه) می باشد.

چنانکه مولف در "ابتدائیه" شرح داده است وی فهرستی از آثار چاپی شیعه در شبه قاره در زبانهای عربی و فارسی واردو و پنجابی و سندی

و انگلیسی در ترجمه و تفسیر قرآن و علوم قرآن و تجوید القرآن و حدیث و اصول حدیث و رجال حدیث و عقاید و فقه و اصول فقه و تذکره وسوانح و سیرت و تصوف و تاریخ و جغرافیه و کلام و مناظره و ادیان و اقبالیات و ادب وغیره تهیه نموده است که اینکه فهرست کتابهای چاپی اردو در تفسیر و علوم قرآنی و حدیث و عقاید را بچاپ رسانیده است و انشاء الله بخش های دیگر این کتاب نیز بزودی بچاپ خواهد رسید.

همچنین مؤلف در "ابتدائیه" توضیح داده است که وی تنها اسم کتابهای را اینجا ذکر نموده است که خودش آنها را دیده است و اماهرگاه نتوانسته است کتابی را ببیند در ذیل نام آن درین مورد تذکر داده است.

مؤلف در کار تهیه این کتاب از بسیاری از کتابخانه ها استفاده نموده است که اسم ۲۹ ازان را اینجا در "ابتدائیه" ذکر کرده است همچنین اعتراف نموده است که پی بردن به اینکه مؤلف یا مترجم کتابی شیعه بوده کار بسیار مشکلی است و بنا براین امکان دارد درین موردگاهی اشتباه کرده باشد و از خوانندگان خواهش نموده است هر موقعی به چنین اشتباهی برخورند به مؤلف تذکر بدهند تا در موقع تجدید چاپ اصلاحات لازم درین کتاب بعمل آورد.

مؤلف دانشمند از کتاب شناسان معروف سرزمین پاکستان می باشد وی تسلط کامل بزبانهای اردو و فارسی و عربی و انگلیسی دارد و قبلاً کتابی در تذکره علمای امامیه شبه قاره تهیه و بچاپ رسانیده است که چنین و پیش تجدید چاپ آن به اهتمام مرکز تحقیقات فارسی انجام گرفته است همچنین چندین مقاله در "دانش" در معرفی کتابها و آثار ادبی و مذهبی ازوی

بطبع رسیده است.

چنانکه از مطالعه این فهرست ۹۳۱ کتاب چاپی می توان به آسانی پی برد مؤلف در تهیه مطالب و مدارك کتاب بسیار زحمت کشیده است و باوجود اینکه این فهرست را نمیتوان از هر حیث کامل و جامع حساب کرد و احتمال می رود مولف به بسیاری از کتابهای چاپی دسترسی نداشته، امّا در هر حال باید مساعی و زحمات وی درین زمینه از طرف کلیّه افراد کتاب دوست و اهل علم و دانش مورد تشویق و تمجید قرار گیرد.

همچنین باید از مقامات مسئول مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان که در طبع و نشر این کتاب جهد بلیغ نموده اند اظهار تشکر کرد. امیدواریم مرکز مزبور برای چاپ و انتشار آثار مهم فارسی از گنجینه گرانبهای کتابهای پرارزشی که در عرض مدت بیست واند سال گذشته باکمال زحمت و شوق فراوان گرد آوری شده اقدامات بیشتری بعمل خواهد آورد تا هر چه زودتر گزیده ای ازین آثار ارجمند بدست مشتاقان و دو ستداران فارسی مخصوصاً درین شبه قاره پاك و هند برسد انشا ءالله.

دکتر سید علیرضا نقوی

*****

فهرست مشترک

نسخه های خطی فارسی پاکستان

تألیف

احمد منزوی

جلد دهم

جغرافیا ، سفرنامه، تاریخ

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

فهرست مشترک

نسخه های خطی فارسی پاکستان

تألیف

احمد منزوی

مجلد دوازدهم

فهرستواره : تاریخ پیامبران و اسلام و امامان ، تاریخ شبه قاره ، چند بخش کوچکتر ، زندگینامهٔ سرایندگان ، زندگینامهٔ پیران و بزرگان

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

اخبار فرهنگی

سومین فیستوال فیلمهای فارسی رأس ساعت ۵ بعد از ظهر روز شنبه، ۱۲\۲۸\ ۱۳۷۰ مطابق با ۱۸/مه ۱۹۹۱ میلادی طی مراسم با شکوهی با حضور جناب فخر امام وزیر آموزش و پرورش پاکستان و آقای تحققی کار دار محترم سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد و نیز جمع کثیری از شخصیت های سیاسی، فرهنگی، دانشگاهیان و هنر دوستان پاکستانی در محل سینما نفد یك اسلام آباد افتتاح شد. در این مراسم پس از تلاوت آیات کلام مجید ابتدا آقای تحققی کار دار سفارت جمهوری اسلامی ایران به مهمانان خوش آمد گفت و سپس جناب آقای فخر امام بعنوان مهمان خصوصی، پشت تریبون قرار گرفت و سخنانی بشرح زیر ایرادکرد.

"این سومین جشنواره فیلم های فارسی است که توسط رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاکستان ترتیب می یابد. اطمینان دارم که فیلم های در نظر گرفته شده برای نمایش در این فیستوال نیز همچون فیلم های گذشته دارای ارزش های معنوی و فرهنگی بوده و مبین گوشه های در اثر انقلاب اسلامی در جامعهٔ ایران پدیدار گشته اند. من یقین دارم که فیلم های ارائه شده در این فیستوال از کلیهٔ جهات، دارای کیفیت برترند. و ما از اینکه کشور همکیش و همجوار ما جمهوری اسلامی ایران در صنعت فیلمسازی نیز تابدین حد پیشرفت نموده، واقعاً خوشحالیم و این موفقیت را

تبریك می گوییم. بدون شك، برگزاری این نوع جشنواره ها باعث تحکیم و تعمیق روابط فیمابین ایران و پاکستان شده و شناخت متقابل بیشتری از یکدیگر را برای مردم دو کشور فراهم می آورد تا از فیلم های خوب و ارزشمند فارسی دیدن نمایند.

پس از سخنرانی آقای فخر امام، از مدعوین پذیرائی به عمل آمد وآنگاه نمایش فیلم شروع شد. فیلم های که در این جشنواره ارائه شدند، عبارت بودند از:

"گردباد، راه دوم، شبح کژدم، جستجو در شهر، نقطه ضعف، ریشه در خون، میرزا کوچك خان و سردار جنگل"

شب شعر در مرکز تحقیقات فارسی

در تاریخ ۷۰\۳\۹ برای گرامیداشت یاد دو تن از شاعران معاصر در گذشتهٔ ایران و پاکستان استاد مهرداد اوستا و استاد عطاء الله خان عطا، با حضور جمعی از شاعران و ادیبان و استادان زبان فارسی در اسلام آباد، راولپندی و لاهور، مراسم شب شعری در محل مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با همکاری انجمن فارسی اسلام آباد برگزار گردید. در این مراسم، ابتدا آقای دکتر شعبانی، ریاست مرکز تحقیقات، پیرامون مقام و جایگاه والای اساتید فقید مهرداد اوستا و عطاء الله خان و خدمات ایشان در زمینهٔ ادبیات ایران و پاکستان مطالبی بیان داشت و آنگاه شاعران پارسی سرای و نیز اردو زبان و افرادی که اسامی آنها بشرح زیر میآید، اشعار خود را قرائت کردند:

عرفان رضوی، احمد قاسمی، محمد حسین تسبیحی، مقبول عامر، عون محمد رضوی، مقصود جعفری، شبیه الحسن رضوی، حکم محمد یحیی شفا، استاد توصیف تبسم، محمد عظیمی، صادق گنجاهی، افتخار عارف (رئیس آکادمی ادبیات پاکستان)، مختار علی خان پرتو، رشید نثار، منور هاشمی و عنایت الله خان (فرزند عطاء الله خان که از دیره اسماعیل خان برای شرکت در این مراسم به اسلام آباد آمده بود و مقاله ای را که دربارهٔ پدرش بود، برای حاضرین خواند) هم چنین رایزن فرهنگی ضمن بیان مطالبی، دربارهٔ استاد اوستا، شعری را نیز در وصف آن مرحوم قرائت نمود. آنگاه از مدعوین پذیرائی شام به عمل آمد.

در مورد مرحوم مهرداد اوستا، شاید نیاز به توضیحی نباشد، چرا که دامنه شهرتش آنچنان گسترده، طبع و قادش آنچنان بلند و قصیده ها و غزلیاتش آنچنان گرانسنگ و برستیغ شعر پارسی و مقام شامخ ادبی اش در درجه ای از بلندی بود که کمتر کسی را از اهل فرهنگ و ادب و هنر ایران باوی و آثار وی توفیق آشنائی وجود نداشت. خدایش بیامرزد.

و امّا مرحوم عطاء الله خان، یکی از پارسی سرایان بزرگ پاکستان، بلکه شبه قاره بشمار می رود و وی را در حقیقت بایستی در زمرهٔ شاعران پارسی گوئی به شمار آورد و گرامی داشت که از محمد اقبال لاهوری، بزرگ پارسی سرای شبه قاره پیروی کرده و اشعار آزادیخواهی و استقلال طلبی خود را بزبان فارسی سروده اند. وی به سال ۱۸۹۸ میلادی، در دیره اسماعیل خان، از بلاد ایالت سرحد پاکستان تولّد یافت. تحصیلات ابتدائی را در همانجا طی کرد و برای تکمیل آن به هند سفر نمود و در رشتهٔ حقوق از

دانشگاه علی گر فارغ التحصیل شد. پس از آن به موطن خویش مراجعت کرد و به امر وکالت اشتغال ورزید، عطاء الله خان در جنگ آزادیخواهی برای مسلمانان شبه قاره عملاً" شرکت و با محمد علی جناح، موسس و بنیانگزار پاکستان همکاری نزدیك داشت. اشعار این شاعر گرانقدر، بیشتر در زمینه های میهنی و اجتماعی و بسیار مهیّج و پر جوش است. آثار برجای مانده از او عبارتند از:

- سیرت رحمت اللعالمین
- مقالات نادره
- امان نامه
- شش مقالهٔ عطا و شش مقاله درباره عطا
- کلیات عطا (دیوان شاعر در ۳ جلد که به کوشش دوستش مختار علی خان پرتوبه چاپ رسیده است). مرگ این شاعر توانا و پارسی سرای چندی پیش در سن ۹٤ سالگی اتفاق افتاد. روانش شاد:

*****
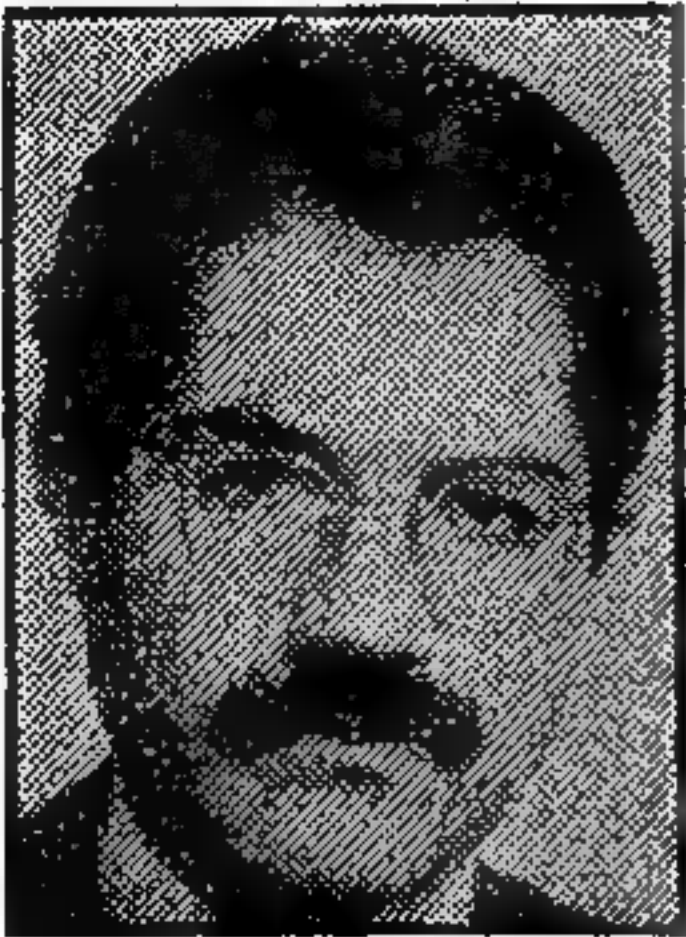
وفیات

دکتر احمد طاهری عراقی در گذشت

چون آخر الزمان فرا رسد خداوند بهترین هارا برای خود بر می گزینند (حدیث)

با کمال تأسف و تأثر اطلاع یافتیم دکتر احمد طاهری عراقی استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی و معاون بنیاد دائرة المعارف اسلامی ۱٤ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ هـ ش (۱۹ شوال ۱٤۱۱ هـ ق ٤ مه ۱۹۹۱) درسن ٤۸ سالگی در گذشت.

او در سال ۱۳۲۲ هـ ش (۱۳٦۳هـ ق - ۱۹٤۳م) در شهر اراك متولد شد و پس از طی دوران تحصیلی، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه تهران شد و لیسانس در رشته ادبیات فارسی را اخذ کرد. و پس ازآن "در بنیاد فرهنگ ایران" مشغول به کارشد. وی ازهمان ابتدا با کوشش و جدّیت تمام کارهای محققانه خود را در این مرکز آغاز کرد. او مدتها بطور خصوصی در خدمت مرحوم استاد جلال الدین همایی به تلمذ پرداخت او که محقق بسیار دقیق بود به دنیای کتابداری راه یافت و کتاب

زده بندی علوم اسلامی را که اثری جهانی است به رشته تحریر در آورد. او به متصوفه و عرفا ارادت داشت و عرفان و تصوف را نیک می دانست او از کوشندگان آزاده و پویندگان راه معرفت و جویندگان خرد مند بود.

"رساله قدسیه" را، که تألیف خواجه محمد حافظ پارسا سر سلسلهٔ نقشبندیه (۷۳۹ - ۸۲۲هـ ق) می باشد، با تصحیح و مقدّمه و حواشی و تعلیقات محققانه به طبع رسانید (تهران ۱۳۵۶هـ ش). این رساله از سخنان برگزیدهٔ خواجه محمد پارسا می باشد و در نزد سلسله نقشبندیهٔ بسیار اهمیت دارد. البته "رساله قدسیه" را قبل ازوی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به کوشش پرفسور ملك محمد اقبال چاپ کرده بود (راولپندی ۱۳۵٤ هـ ش).

وی همچنین برای ادامه کار تحقیقی خویش مدتی را در کشور مصر گذرانید. او در سالهای بعد برای ادامه تحصیل عازم کشور انگلیسی شد و در یکی از رشته های علوم اسلامی از دانشگاه ادینبورگ دکتری (P.H.D.) گرفت و در سال ۱۳٦۲ به ایران باز گشت که این ایام مقارن بود با تأسیس بنیاد دائرة المعارف اسلامی. او کار خود را با پست معاونت در این مرکز شروع کرد و تا آخرین لحظهٔ حیاتش بی وقفه کوشید و در حالیکه دکتر طاهری عراقی آخرین روزهای زندگیش را می گذرانید نخستین جلد این دائرة المعارف با عنوان "دانشنامه جهان اسلام" به چاپ رسید.

او مدیریت مجلهٔ تحقیقات اسلامی را نیز بر عهده داشت. استاد طاهری در همان زمان تدریس خود را به طور رسمی در بخش ادیان و عرفان دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی آغاز کرد و تخصّص آن مرحوم در ادیان

سامی نیز مشهور بود. از او آثار و مقالات پراکنده دیگری نیز برجای مانده است از دیگر تلاشهایش به همراه همکاران کتابدارش تهیه فهرست نسخ خطی آستان قدس رضوی است. او ٦ ماه تمام را بطور مداوم در شهر مقدس مشهد به تهیّهٔ این فهرست پرداخت. دوستانش می گفتند او روزانه بیش از چهارده ساعت کار می کرد و هرگز خسته نمی شد. شادروان دکتر طاهری عراقی علاوه به زبان فارسی به زبان انگلیسی اردو و عربی و ترکی نیز تسلّطِ کامل داشت او به تاریخ و فرهنگ اسلامی مربوط به شبه قاره و جهانِ عرب آشنایی کامل داشت و باتسلط علمی اش به زبان اردو پاکستان شناس و هند شناس بزرگی بود.

خوش خلقی و صبر و دقّتش در حل مسائل علمی و تحقیقی زبان زدِ دوستانش بود از او فرزند (پسر) سه ساله ای با نام "عرفان" به یادگار مانده است.

مجله دانش در گذشت این دانشمند بزرگوار را به جهان اسلام و ملت سر کف ایران و خاندان محترم آن شادروان صمیمانه تسلیت می گوید خدایش رحمت کناد و با انبیاء و اولیاء محشور گرداناد.

*****

استاد مهرداد اوستا در گذشت

مهرداد اوستا شاعر و قصیده سرای معاصر در ظهرروز سه شنبه ۱۷، اردیبهشت ماه ۱۳۷۰هـ ش (۶، ۵، ۱۹۹۱م = ۲۲ شوال ۱۴۱۱هـ ش) ارشاد اسلامی بر اثر سکتهٔ قلبی دارفانی را وداع گفت و به سرای باقی شتافت وجهان علم و عرفان را سوگوار ساخت.

استاد محمّد رضا مهرداد اوستا به سال ۱۳۰۸ هـ ش در شهرستان بروجرد متولد شد پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی به تحصیلات عالی پرداخت و در دوران جوانی باسرودن اشعاری نغز در قالب قصیده و غزل، استعداد شگرف ادبی خود را نمایان ساخت و همچنین به امر پژوهش و تحقیق در امور ادبی پرداخت. ایشان مدتی را در اهواز به معلّمی اشتغال یافت و سپس حدود سالهای ۱۳۲۸ به تهران آمد و با شرکت در انجمنهای ادبی، به محضر اساتیدی چون "محمد علی ناصح" راه یافت. از فعالیتهای شایان توجه اوستا در زمینهٔ تحقیقات ادبی، تصحیح «دیوان سلمان ساوجی» و تهیّهٔ تعلیقاتی بر «نو روز نامهٔ خیام» و نگارش پژوهشی در دستور زبان فارسی» است. ایشان سالها در دانشکدهٔ هنر های زیبای تهران به تدریس شعر و ادب پرداخت و از سال ۱۳۶۲ ریاست شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به عهده گرفت. از استاد اوستا، آثار منظوم و منثور ارزشمندی به جای مانده، که آخرین اثر ایشان، مجموعه شعر «امام حماسه ای دیگر» است.

این شاعر گرانمایه که در بلندی طبع وقوت قریحه و وسعت معلومات

و احاطه برادب فارسی و عربی در بین همگنان زبانزد بود، در شرافت نفس و حسن خلق نیز اشتهار تامّ داشت. شاعر مکتبی بود و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تمامت ذوق و توان خود را وقف این انقلاب مقدس کرده بود.

استاد اوستا اخیراً با یك هئیت فرهنگی به مناسبت شرکت در سمینار بین المللی حافظ شیرازی که در لاهور تشکیل شد به پاکستان مسافرت نموده بود و روزی از راه لطف و محبت برای ملاقات در دفتر دانش زوتنها نه قدم رنجه فرموده بود و در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد از اشعار نغز خود دوستان را مستفیض نموده بود. قیافهٔ جذّاب و شخصیت درویشانهٔ او با آن موهای ژولیده هنوز پیش نگاهم گردش می کند اینك چند بیت از اشعار استاد فقید در اینجا نقل می شود:

از رهروان عشق جزافسانه ای نماند
ای شب بگو به شمع که پروانه ای نماند
بر سرو بن زمرغ سحر ناله ای نخاست
آشفته راز سیل بلا خانه ای نماند
ای شمع بزم رفتی و زین داغ یك نفس
آسوده جان محرم و بیگانه ای نماند

مجلهٔ دانش این ضایعهٔ جبران نا پذیر و فقدان جانگداز را به جامعهٔ ادبی جهان و به بستگان و دوستان آن شادروان صمیمانه تسلیت گفته آمرزش آن مرحوم را از خداوند متعال مسئلت دارد.

******

مقبول عامر به دیار باقی شتافت

سیّد مقبول حسین شاه شاعر و نویسندهٔ متعهّد پس از ۳۶ سال تلاش در راه شناخت دردهای مشترك بنی نوع انسان مخصوصاً مستضعفین و محرومین به منظور پی بردن اسباب و علل فساد اخلاقی و فقدان اخلاص و محبت وجدانی در جهان امروز صبحگاه روز شنبه یکم ژوئن ۹۱م (۱۷ ذیقعده ۱۴۱۱هـ ق = ۲۷خرداد ماه ۱۳۷۰هـ ش) در اسلام آباد دعوت حق را لبیك گفت و به رحمت ایزدی پیوست، تالمی جانکاه و تأثری وصف ناشدنی برجهان شعر و ادب مستولی شد.

فقط دوروز پیش از این واقعه یعنی ۳۰/ماه مه در جلسهٔ شب شعر که در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان باهمکاری انجمن فارسی اسلام آباد برگزار شده بود، مهمان مابود وچه شعر نغز و پر مغزی بایك جوش و هیجان فراموش نشدنی ایراد کرد و چه کسی می دانست که این شاعر جوانسال فقط و فقط یك روز دیگر مسافر این جهان فانی می باشد و این شمع شعر و ادب بزودی خاموش شدنی است.

مقبول عامر در دهکدهٔ «جندی خیل» در شهرستان «بنّوں» در ایالت سرحد، به روز چهاردهم ماه سپتامبر ۱۹۵۵م یا به عرصه وجود نهاد. پس از تحصیلات در بانك حبیب در پیشاور استخدام شد و چون بانکداری را مطابق تمایلات ادبی خود نیافت، آن شغل را ترك نمود و در اکادمی ادبیات اسلام آباد متصدی بخش انتشارات شد تا اینکه پیام اجل رسید و به حق

پیوست.

این شاعر جوان از آغاز کار، استعداد فوق العاده ای به دست آورده بود و از استادان دوستداران و طرفداران او فیض احمد فیض، احمد ندیم قاسمی و احمد فراز راکه شاعران طراز اول اردو در پاکستان به شمار می روند، می توان نام بُرد. از آثار او مجموعه شعری است بنام «دئیے کی آنکھ» (چشم چراغ) که چند ماه پیش از مرگ او چاپ و منتشر کرده بود و ما اینجا چند بیت از آن کتاب را نقل می کنیم.

ہم اہل شب کے لئے صبح کا حوالہ ہے
دئیے کی آنکھ میں آنسو نہیں اجالا ہے
اسے نہ کاٹیے تعمیر قصر کی خاطر
کہ اس درخت میں اک فاختہ کا جالا ہے
فسردہ آنکھ اٹھی ہے پھر آسماں کی طرف
خبر اڑی ہے کہ موسم بدلنے والا ہے

اکادمی ادبیات پاکستان جلسۂ تعزیتی به یاد بود او در هتل «هالیدے ان» برگزار کرد که درآن جلسه آقای احمد ندیم قاسمی مدیر ادارۂ ترقی ادب و دکتر غلام ربّانی آگرو صدر نشین اکادمی و دکتر رضا شعبانی مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان سخنرانیها دربارۂ خدمات ادبی این شاعر متعهّد و جوان و انقلابی ایراد نمودند.

*****

سہرورد
ویژہ نامہ
حضرت مصلح الدین سعدی شیرازی
سہروردی قدس سرہ
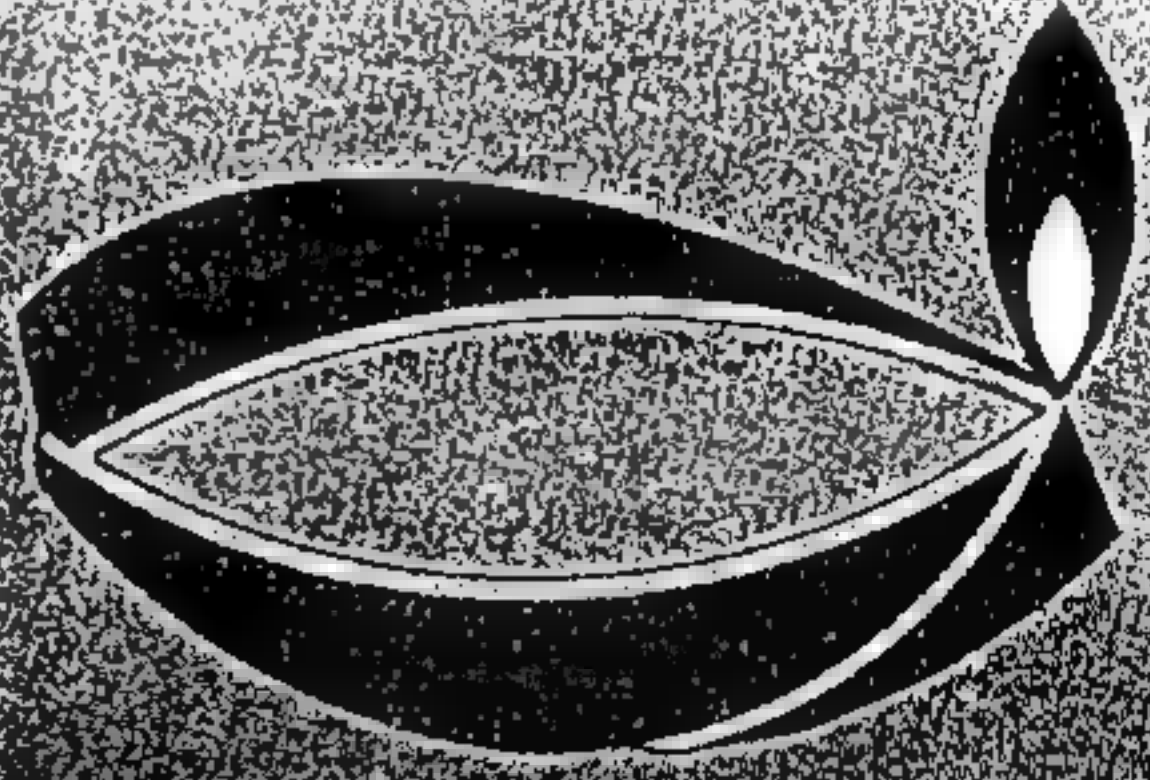
دیئے کی آنکھ
مقبول عامر

دیوانِ باہوؒ
مرتبہ
کے۔بی۔نسیم
حضرت سلطان باہوؒ اکیڈمی ۰ لاہور

شعر فارسی

*****

نظامی گنجوی

درنعت رسول اکرم(ص)

محمد کافرینش هست خاکش　هزاران آفرین بر جان پاکش

چراغ افروز چشم اهل بینش　طرازِ کارگاه آفرینش

سر و سر هنگ میدان وفا را　سپهسالار و سر خیل انبیاء را

ریاحین بخش باغ صبحگاهی　کلیدِ مخزنِ گنجِ الهی

یتیمان را نوازش در نسیمش　از آنجا نام شد دُرّ یتیمش

بمعنی کیمیای خاک آدم　بصورت توتیای چشم عالم

اساس شرع اوختم جهانست

شریعتها بدو منسوخ از آنست

*****

پروفسور مرزا محمد منور
ناظم اقبال اکادمی، لاهور

غزل فارسی

دادند مژده ها و صبا را خبر نبود

بنواختند و دست دعا را خبر نبود

فقر است دولتی به فقیران عطا شود

ملکی به دل رسید و هما را خبر نبود

آن یار مست آمد و مست آن چنان گذشت

دل را زسینه بُردو ادا را خبر نبود

سحر آفرید مطربی ساده رخی به بزم

جانم زتن ربود و نوا را خبر نبود

صد شکر چشم مست شفا بخش یار را

آمد به ما شفا و دوا را خبر نبود

تکمیل شان حُسن را عشاق آمدند

این راز چیست رنگ حیا را خبر نبود

بینی خطائی ما و نه بینی خدائی ما

ما عفو یافتیم و خطا را خبر نبود

*****

دکتر سیّد محمد اکرم «اکرام»
لاهور

صبح روشن

در ناز دلربائی و زیبائی ای پریٔ
مهتاب با تو هیچ ندارد برابری

ای شمع دل فروز تو در آسمان حسن
رخشنده ماهتابی و تابنده اختری

با مه ترا مقایسه کردن خطا بود
ای آفتاب چهره تو از مه نکوتری

دیدم هزار دلبر زیبای لاله رو
امّا تو نازنین بخدا چیز دیگری

دیوانه می کنی تو به هر کس که بنگری
هنگامه می کنی تو به هرجا که بگذری

از غمزۀ تو یاد بگیرند گلرخان
آئین دلنوازی و دستور دلبری

بر کف نهاده نقد دل و جان به راه شوق

ای مه تراست برسر هر گام مشتری

در باغ زندگی نفس صبح روشنی

در گلشن امید نسیم معطّری

دست کسی به دامن وصلت نمی رسد

بالا بلند من تو مگر سرو کشمری

«اکرام» نقش روی تو از یاد کیٔ برد

در روز و شب به پیش نگاهم مصوّری

*****

دکتر خیال امروهوی
گورنمنث کالج لیه

غزل فارسی

آنچه درِ گل ریختم، اکنون از و بر می خورم
شکر یزدان مــی نمایم، درد شاعر می خورم

خــیر کل را بــر گــزیــدم، راستی انــدوختم
بــرهمین تقصیــر بــارز لطمۀ شر می خورم

هــیچ چــیزی بهـر آسـوده دلی پــیدا نه شد
آنچــه ایــن جامی خورم رزقِ مقــرر می خورم

کس نمــی گویــد چرا در دوزخ آشفتگی
گاه شعــله می چشیدم، گاه اخگــر می خورم

هر چــه از دست ستم کاران رسد دارم قبول
مسـلك شبیر(ع) دارم زخــم بهتر می خورم

✻✻✻✻✻

حافظ مظهر الدین مظهر

به تقریب رسم معرفی کتاب «فارسی گویان پاکستان» تألیف دکتر سید سبط حسن رضوی، یکی از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

دبیر قصر روان، تاجدار ملک سخن

امین عظمت فن، یار ماست سبط حسن

سخن طراز و سخن پرور و ادیب شهیر

که در جهان ادب کرد کاخ نو تعمیر

نوشت تذکرهٔ جمله فارسی گویان

چنان که حسن و جمالش چو روضهٔ رضوان

ز شاعران وطن تازه داستان دارد

چه گویمت که چسان لذت بیان دارد

همین بس است پی عاقلان کرامت او

که مثل ما فقرانند در ولایت او

زبان حافظ و سعدی زبان ایران است

به عشق ولوله انگیز من، از وجان است

بیــاکــه ذوق سخــن از بــیان او گــیزیــم
کــه مــا و ملـت ایــران بهــم شکر شیریم

بیــاکــه بلـبل شــیراز را بــیاد آریــم
بــیا کــه محــرم و هــمراز را بــیاد آریــم

سخــن ز نغــمه ســرایــان ارض پاك کنیم
به وجــد و حــال بیائیم و سینه چاك کنیم

بــیاکــه گلــشن افــکار نــوبــه نــو بینیم
بــیاکــه لالــه و گل از بــهار او چــینیــم

بیــاکــه حــال زمــین و زمــان دگرگون ست
دل فــرشته و انســان ز غم پر از خون است

ولــی بــه مــحــفل شعــر و سخن بیا سائیم
به بزم سبط حسن خوش رویم و خوش آئیم

عــلاج درد زاهــل جهــان چــه مــی خواهی
مخور فریب! زگرگان امان چه می خواهی

سکون زگردش شــام و سحر چه مــی جوئی
پیٔ قــرار، پــس کاروان چه مــی پوئی

گــهــی بــیــا و مــن بیــقــرار را بنــگــر
بلاکــش غــم لــیــل و نهار را بنگر!

نگر که بر سر شاعر ز آسمان چه رسید

نگر که بر دل من از غم جهان چه رسید

بیان درد به لفظ و بیان نمی گنجد

به ظرف تنگ یم بی کران نمی گنجد

بیا که از سر این کهنه داستان گزریم

ازین زمین گذریم و ازین زمان گزریم

به شوق ذکر قد یار دلنواز کنیم

بدین بهانه مگر عمر خود دراز کنیم

بیا که مصحف رخسار یار را خوانیم

بیاد هوش به صاحبه لان سخن را نیم

حدیث عشق به رنگینی و بیان شنویم

حکایت قد و گیسو ز شاعران شنویم

که بلبلان خوش آواز و شاعران وطن

به بزم شعر و ادب جمع کرده سبط حسن

*****

صاحبزاده سیّد غلام نصیر الدین شاه نصیر گیلانی
گولره شریف

حلقه ارباب دانش

(برای جلسه معرفی کتاب "فارسی گویان پاکستان")

سهل باشد خامه قرطاس تبیان داشتن
مشکل است امّا تسلسل را بجولان داشتن

نو عروس فکر را دادن قبای زرنگار
سلسبیل نطق را بر جوش طوفان داشتن

امیتاز اهل همت چیست از دون همتان
رایت دانش بدوش قدر جنبان داشتن

گوهر معنی برآوردن زقعر عاقلی
سینه را گنجینهٔ درهای غلطان داشتن

طوطی لب را به ساز گفتگو دادن سرود
عندلیب مهر بر لب را غزلخوان داشتن

ریختن در بلاغت را ز انفاس دهن

زیر لب صد خرمن لولو و مرجان داشتن

خسرو آفاق حکمت را به جیب آورد نست

مشرق ادراک را اندر گریبان داشتن

از پی سوزیدن خسخانۂ باطل اساس

جنبش برق و نگاه شعله سامان داشتن

امتحان ذهن کردن بر عیار مصطفی

آسمان عقل بر دهلیز قرآن داشتن

آختن شمشیر حق را در نبرد کفر و دین

وقت حق گویی زبان را تیغ عریان داشتن

اقتباس از شعله رویان در هجوم تیرگی

توبۂ ژولیده را برطاق نسیان داشتن

رشتۂ الفت گسستن یکسر از زهاد خشک

با می و ساقی و مطرب عهد و پیمان داشتن

اوّل از قعر زمین برخاستن با عزم جزم

تا قدم برسینۂ بر جیس و کیوان داشتن

اکتساب فیض گویایی ز پیران سخن

ارتباط علم با خیل جوانان داشتن

سوی ارباب وفا دیدن بصد حسن کرم
حلقۂ احباب را شادان و فرحان داشتن

نرم تر بودن باہل دین زانفاس نسیم
در نبرد کفر صد محشر بدامان داشتن

صحبت اهل حرم ورزیدن اما گاه گاه
با وسیع المشربی چشمی برندان داشتن

در هجوم ملحدان عصرو زندیقان وقت
با محمد بودن و خود را به ایمان داشتن

بافغانی کائنات عقل را دادن بباد
آتش عشق بتان در سینه پنهان داشتن

با علی(ع) دل بستن و رفتن بمنهاج حسین(ع)
در رگ جان گر مثی خون شهیدان داشتن

در حضور داور گیتی بوقت التجا
قلب سوزان، جسم لرزان، چشم گریان داشتن

لازم آمد بہر تخلیق مضامین بلند
طبع نیکان عقل خاصان، اصل پاکان داشتن

دکتر سبط حسن رضوی که ممدوح من است
خوش بود ذکر کتابش را به عنوان داشتن

جملگـی اوصـاف بـالا در نـهـادش مـسـتـتر
مـی سـزد او را قـدم بـرطـور عـرفان داشتن
آن ادیـب و شهسـوار عـرصهٔ حسـن بـیان
چـون انیس او را روا باشد به چشمان داشتن
مظـهر الدیـنم بـه رضوی شد تعارف را سبب
ذکـر او را مـی سـزد اینجا به از جان داشتن
حافظخـرش گـو که باشد نعـت گویان را امام
ممکـن است از نعت او خود را مسلمان داشتن
رمـزیـاب و تـیز طبع و خوش مزاج و نعت گو
انسب است او را تـه دامان حسان داشتن
هسـت اعجاز نـگاه حیدر گـردون جـناب
ابـر دانـش را بـه کلك حکـمت افشـان داشتن
نیسـتی از حلـقهٔ اربـاب دانـش ای «نصیر»
بر تـو واجـب خویش را چون عقل پنهان داشتن

*****

(سّید صفی حیدر دانش)

سازمان فارسی

کار ساز و چاره فرما سازمان فارسی

مردگان را شد مسیحا سازمان فارسی

در سپیدی روی زیبا سازمان فارسی

در سیاهی خال زیبا سازمان فارسی

یک صد ای روح پرور یک ادای دلفریب

سر بسر جان تمنّا سازمان فارسی

رنگ و نکهت هست یکجا سازمان فارسی

و ندران مانند صهبا سازمان فارسی

معجزه بنمود و پیدا کرد آب اندر سراب

تشنگان را موج دریا سازمان فارسی

میدهد افسانه ها را جلوه ارمان ها

شان ماضی نور فردا سازمان فارسی

نیست مارا احتیاج ساز و سامان دگر

ساز و سامانیست تنها سازمان فارسی

خوب بشنوای برادر حرف رازی گویمت

فارسی خواهی بیاتا سازمان فارسی

چون محبان از تو می پرسندای دانش بگو

هست مارا روح افزا سازمان فارسی

*****

ڈاکٹر نجیب جمال
بہاءُ الدین زکریا یونیورسٹی
ملتان

فارسی غزل کا ارتقاء

غزل عربی زبان کا لفظ ہے تاہم عربی شاعری میں صنف سخن کے طور پر غزل کا وجود نہیں۔ غزل عربی میں کاتنے کو کہتے ہیں۔ غزل کے مجازی معنی حدیث عشق کا بیان یا عورتوں سے محبت کی بات چیت کرنا کے ہیں۔ عربی میں کسی مجبور ہرن کی درد بھری بے ساختہ آواز کو بھی غزل کہتے ہیں۔ جو وہ اس وقت نکالتا ہے جب شکاری کتے اس کے تعاقب میں ہوتے ہیں اور وہ نڈھال ہو کر ایک ایسے مقام پر پہنچتا ہے جہاں جھاڑیاں اس کے فرار کی راہ میں حائل ہو جاتی ہیں اور وہ شکاری کتوں کے نرغے میں بری طرح پھنس جاتا ہے اس وقت اس کے گلے سے جو آواز فریاد کی صورت نکلتی ہے وہ نرم، شکستہ اور درد انگیز ہوتی ہے اور اس میں اتنا سوز ہوتا ہے کہ شکاری کتے کا دل بھی پسیج جاتا ہے اور وہ اپنے شکار کو بھول کر چیخ کے اثر میں کھو جاتا ہے غزل کی یہ مقبول عام

تعریف شمس قیس رازی نے اپنی کتاب، المعجم فی معائیر اشعار العجم "(١) میں بیان کی ہے غزل کی اس تعریف سے غزل کے مضامین میں بہت وسعت اور تنوع پیدا ہو جاتا۔ سید عابد علی عابد کے لفظوں میں۔

"ہرن کی صدائے درد ناک یا غزل الکلب میں ہم ایک اور عنصر کا اضافہ بھی کر سکتے ہیں۔ مایوسی مگر اس پر امید کی ایک پرچھائیں سی پڑتی ہوئی"۔(٢)

ڈاکٹر سید عبداللہ نے اس کیفیت کو یوں بیان کیا ہے

"تجربہ و واردات کے زیر اثر مجبوری اور بے بسی کا عالم - اس عالم میں بے ساختہ چیخ - اس سے سننے والے پر رقت کا طاری ہونا۔ اور اس کے موڈ کا بدل جانا"۔ (٣)

شمس قیس رازی نے غزل کی بنیادی صفات کو بھی واضح کیا ہے جن کی ترتیب کچھ اس طرح ہے

(١) محبت کا مضمون (٢) درد انگیزی (٣) سننے والے کے دل میں رقت، ترحم اور انبساط کے ملے جلے جذبات کا پیدا کرنا۔ تا ہم غزل کا یہ مفہوم اب قدیم ہو چکا ہے کیوں کہ بعد میں تجربات کے ساتھ غزل کے مفہوم میں تبدیلی پیدا ہوتی چلی گئی خصوصاً فسانہ محبت جس کو جتنا یاد تھا اس نے اسے اپنے زمانے کے راگوں میں ترتیب دے کر سنایا۔ بقول جگر

کوئی حدہی نہیں شاید محبت کے فسانے کی
سناتا جا رہا ہے جس کو جتنا یاد ہوتا ہے

غزل کے لغوی معنی عورتوں سے باتیں کرنا کے ہیں۔ اصطلاح میں اس سے مراد وہ شاعری ہے جس میں عشقیہ واردات کو مرکزی اہمیت حاصل ہوتی ہے تا ہم اس میں دوسرے مضامین بھی ادا ہو سکتے ہیں جیسا کہ عرض کیا گیا عربی شاعری میں غزل کا وجود عدم کے برابر ہے زیادہ سے زیادہ قصائد میں بطور تشبیب یا نسیب کے جو اشعار کہے جاتے تھے ان کا شمار غزل میں کیا جا سکتا ہے بعد میں جب عشقیہ شاعری کا آغاز ہوا تو ان اشعار کو ایک جداگانہ حیثیت حا صل ہوئی۔ یہ حقیقت کہ غزل ایک وقت میں قصیدے کا حصہ تھی اس طرح بھی ظاہر ہوتی ہے کہ بہ لحاظ ہیئت غزل اور قصیدے میں اور بہ لحاظ موضوع غزل کے اشعار اور قصیدے کی تشبیب میں مکمل مماثلت پائی جاتی ہے غزل میں محبوب کے حسن و جمال کی تحسین کی جاتی ہے تو قصیدے میں ممدوح کے اوصاف ظاہر و باطنی کا ترانہ گایا جاتا ہے۔

فارسی اور اردو کی جملہ اصناف سخن میں جو قبولیت غزل کے حصے میں آئی وہ کسی اور صنف کو میسّر نہ آسکی یہاں تک کہ غزل مدتوں شاعری کے برابر رہی یعنی شعرائے کرام نے غزل کے میدان میں اتنی طبع آزمائی کی ہے کہ غزل شاعری کی صنف نظر نہیں آتی بلکہ بذات خود شاعری معلوم ہوتی ہے اور یہ بھی ایک نا قابل تردید حقیقت ہے کہ اپنی تمام تر گلبدنی کے باوجود انتہائی نا مساعد حالات اور نازک اوقات میں بھی یہ بڑی سخت جاں واقع ہوئی ہے ہوائے تند کے جھونکے چراغ غزل کو بجھا نہیں سکے یہی وجہ ہے کہ سخت مخالفت کے باوجود شبستان غزل آج بھی جگمگا رہا ہے۔

فارسی میں جب غزل گوئی کا سلسلہ شروع ہوا اس وقت عربی شاعری کے زیر اثر قصیدہ گوئی کو فروغ حاصل ہو چکا تھا۔ غزل قصیدے کی تشبیب ہی سے برآمد ہوئی تھی یوں غزل کی جو تعریف عورتوں سے عشق کے ذکر سے متعلق ہے اور جس میں کرب انگیز عشق و محبت کا گداز فطری رچاؤ کے ساتھ ادا کیا جاتا ہے ایرانیوں کی اختراع ہے، عربی الاصل ہونے کے باوجود شاعری کی مخصوص صنف سخن کی حیثیت سے غزل عرب کی پیداوار نہیں یہ ایران کے ایجاز پسند مزاج کی پیداوار ہے۔ مجنوں گور کھپوری کے الفاظ میں:

"فارسی غزل اگر چہ اپنی موجودہ اصلیت اور ہیت کے لحاظ سے عربی شاعری کی قلم ہے لیکن اس کے لئے ایران میں زمین تیار تھی اور اس کی نشوونما کےلئے تواریخی اور نفسیاتی اسباب پہلے سے مہیا تھے۔: (۴)

فارسی غزل گوئی کا باقاعدہ آغاز کب ہوا اس بارے میں سید عابد علی عابد لکھتے ہیں۔

"آٹھویں صدی عیسوی سے پہلے یقیناً اس کا مستقل وجود نہ تھا اور غالباً نویں صدی کے اواخر تک یا اس سے بھی پہلے فارسی غزل گوئی کا آغاز ہو چکا تھا۔ رودکی جو پہلا صاحب دیوان غزل گوشاعر ہے دسویں صدی کے نصف اول میں گزرا۔" (۵)

یوں بارہویں صدی میں غزل ایک مستقل صنف سخن کی حیثیت اختیار کر گئی اور عربی اثرات سے مکمل طور پر آزاد ہو گئی۔ بارہویں صدی کے اختتام تک وہ تمام علامات، استعارات اور تشبیہات جو معنی

خیز ہیں اور جن کے ساتھ افکار و خیالات کے سلسلے وابستہ ہیں فارسی غزل کا حصہ بن چکے تھے۔ تاہم یہ ضرور ہے کہ فارسی غزل میں علامات، استعارے، تشبیہات اور تلمیحات قبل از اسلام کی تہذیبی فضا سے لی گئیں۔ مے خانہ، مے خوار، محتسب، پیر مغاں، دیر، کنشت، بادہ، ساغر، ساقی، زاہد اور رند وغیرہ صدیوں تک شاعری میں مستعمل رہے یہاں تک کہ غالب کو کہنا پڑا:

ہر چند ہو مشاہدہ حق کی گفتگو
بنتی نہیں ہے بادہ و ساغر کہے بغیر

البتہ فارسی غزل گو شعراء نے ان علامات اور نشانات کو اپنے عہد کے سیاسی و سماجی اور تہذیبی و تمدنی سیاق و سباق میں استعمال کیا۔

فارسی ادب و شعر کی مضبوط بنیاد عہد سامانی (۸۷۴ء - ۹۹۹ء) میں رکھی گئی تھی۔ وہ دور تھا جب رودکی (متوفی ۹۵۴ء) نصر بن احمد سامانی (۹۱۳ - ۹۴۳) کے دربار میں ملک الشعرا کے عہدے پر فائز تھا۔ ایران میں اس وقت عربوں کے زیر اثر قصیدہ گوئی کا رواج تھا۔ رودکی نے غزل کے موضوعات کو قصیدے سے الگ کر کے غزل کو ایک مستقل صنف سخن کی حیثیت دی اور اس کے بعد غزل کے ارتقاء اور نشوونما کا ایک اور سلسلہ شروع ہوا جو صدیوں تک جاری رہا۔"(٦)

اگرچہ رودکی سے پہلے اور اس کے عہد میں بھی غزل گو شاعر موجود تھے (۷) تا ہم رودکی کی غزل نے فارسی غزل کی روایت کو باقاعدہ حیثیت دی چنانچہ وہی اس دور کا نمائندہ شاعر ہے رودکی کی

غزلیں کم ملتی ہیں ذیل میں میں اس کی ایک غزل کا مطلع درج کیا جاتا ہے۔

کس فرستاد بشب آن بت عیار مرا
کہ مکن یاد بشعر اندر بسیار مرا

حافظ محمود شیرانی رودکی کو شاعر بے نظیر"(٨) کے نام سے یاد کرتے ہیں ان کے خیال میں:

"رودکی کے ہاں خواہ غزل ہو یا قطعہ حقیقت نگاری سب سے نمایاں وصف ہے۔۔۔راحت و شادمانی اور بے فکر زندگی کی تلقین اس کے یہاں عام ہے۔" (٩)

گیارہویں صدی میں غزل کے حوالے سے دوسرا اہم نام دقیقی کا ہے اس کی بھی چند غزلوں کے اشعار ملتے ہیں۔ عربی فارسی اگرچہ الگ الگ زبانیں تھیں مگر عربی الفاظ ایک حد تک رائج ہو چکے تھے۔ دقیقی بھی انہیں استعمال میں لاتا ہے دقیقی کی غزل کے اشعار ملاحظہ کیجئے:

کاش کے اندر جہاں شب نیستی
تا مرا ہجران آں لب نیستی
زخم عقرب نیستی برجان من
گر درا زلف معقرب نیستی

سامانی رودکی غزل کی لطافت اور روانی کو بعد میں آنے والے شعرا نے بہت سراہا۔ مشہور غزنوی شاعر عنصری نے رودکی اور فرخی نے شہید بلخی کی غزل کی بہت تعریف کی۔ یہاں "فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ" (١٠) سے بلخی کی غزل کے دو اشعار نقل کئے جاتے ہیں۔

اگـر غـم را چـو آتـش دود بـودی
جـهـان تـاریـك بـودی جـاودانـه
دریـن گـیـتی سراسر گـر بـگردی
خـرد مـنـدی نـیـابـی شـادمـانـه

تاہم اس دور پر سب سے اچھا تبصرہ محمد حسین آزاد کا ہے کہ

"نظم فارسی کی ابھی زبان نہیں کھلی" (۱۱)

ابتدا میں غزل کی ترقی کی رفتار انتہائی سست دکھائی دیتی ہے در اصل ایرانی دربار کے اثر کی وجہ سے قصیدہ گوئی کو شاعری کا کمال سمجھا جاتا تھا جب کہ غزل گو اپنے من میں ڈوب کر سراغ زندگی پالینے کو اصل زندگی سمجھتا ہے اسی لئے وہ ستائش کی تمنا اور صلے کی پروا سے بے نیاز ہو کر لفظوں کو کشکول بنانے سے گریز کرتا ہے ایران میں ایک مدت تک جنگی جذبات کا زور رہا اس لئے فارسی غزل ابھی اپنے محور کی تلاش میں تھی۔

فارسی غزل کی ترقی کی تاریخ ایران میں تصوف کی روایت کے ساتھ شروع ہوتی ہے تصوف کا تعلق تمام تر واردات قلبی اور محسوسات داخلی سے ہے اس کی تعلیمات کے پہلے ہی سبق کا عنوان حسن و عشق ہے۔ تصوف کی ابتدا اگرچہ دسویں صدی عیسوی میں ہوئی لیکن بارہویں اور تیرہویں صدی میں اسے عروج حاصل ہوا "سنائی، عطار اور رومی نے غزل کی عاشقانہ بات چیت کو تصوف کے نشے کیف سے آشنا کیا۔ یہ ایک بڑا ترقی پسندانہ قدم تھا جس کے لئے رائج الوقت غزل کی زمین تیار نہ تھی" (۱۲)

اس دور کا ایک اور نمایاں غزل گو احدی ہے جس نے غزل کو جذبات سے لبریز کر دیا اس کے ساتھ ہی اس نے غزل کو لطیف پیرایہ عطا کیا۔ زبان میں سلاست، روانی، نزاکت اور پرکیف سادگی پیدا کی۔ اسی طرح سنائی، عطار اور مولانا روم کے ساتھ عراقی کا نام بھی اہم ہے جنہوں نے غزل کو تصوف کی ماورائیت سے آشنا کیا۔

یوں غزل کو اپنانے اور آگے بڑھانے والے صوفیاء کرام تھے یہی وجہ ہے کہ تصوف اور غزل میں ایک عجیب و غریب رشتہ قائم ہو گیا۔ ایمائیت اور اشاریت غزل کی جان ہے اس سے کلام میں وسعت پیدا ہوتی ہے۔ اشاریت میں معنی کی بیک وقت کئی سطحیں کارفرما ہوتی ہیں اسی لئے صوفیا نے غزل کو محبوب صنف سخن کے طور پر اپنایا۔ صوفیانے غزل کو اپنایا تو عشق مجاز اور عشق حقیقی میں زبردست مشابہت نظر آنے لگی۔ غزل کی عشقیہ زبان میں روحانی واردات کو بخوبی ظاہر کیا جانے لگا۔ وہ شعرائے کرام جنہوں نے غزل میں سب سے پہلے تصوف کو جگہ دی ان میں اولیت سنائی، عطار اور مولانا روم کو حاصل ہے ثانیاً وہ شاعر جس نے غزل کو بیان کی لطافت سے مالا مال کیا سعدی ہیں اس دور کی ایک بڑی ہستی جن کا ذکر کئے بغیر تصوف کی شاعری کا ذکر مکمل نہ ہو گا امیر خسرو ہیں جنہوں نے نظام غزل کو علامات عطا کیں اور یوں غزل مربوط ہوتی چلی گئی بعد میں حافظ نے غزل کو تکمیلیت کا حسن اور وقار عطا کیا۔ حافظ اور سعدی نے پہلی بار غزل کی علامات کا تعین کیا جس کی وجہ سے غزل میں عشق کے بعد بتدریج اخلاقی، فلسفیانہ، سیاسی سماجی، تہذیبی اور تمدنی مسائل شامل ہوتے گئے تاہم غزل بھی پیچیدہ ہوتی گئی۔ مغل دور میں عرفی اور نظیری جیسے شاعروں نے فارسی غزل

کو عروج پر پہنچا دیا۔ برصغیر کے فارسی گو شعرا معنی آفرینی(QUEST OF MAENING) پر یقین رکھتے تھے ان میں طالب آملی، نظیری، ظہوری، عرفی، نا صرعلی سر ہندی، مرزا بیدل، غالب اور اقبال نمایاں ہیں۔

سامانی دور کے زوال پذیر ہوتے ہی فارسی شعر و سخن کا مرکز بخارا سے غزنی منتقل ہو گیا جہاں محمود غزنوی نے ایک مستحکم سلطنت کی بنیاد ڈالی۔ اس کی ادب پروری اور طبعیت کی فراخی نے شعرا کی ایک بڑی تعداد کو غزنی میں یکجا کر دیا۔ محمود غزنوی کے درباری شعرا میں عنصری، فرخی، فردوسی اور مسعود سعد سلمان بہت اہم ہیں۔ مجموعی طور پر یہ دور قصیدے اور مثنوی کا دور تھا۔ فردوسی کا شاہنامہ اس عہد کی ایک بڑی تخلیق ہے تا ہم غزل کی طرف اس دور میں بہت کم توجہ کی گئی۔

غزنوی دور کے اختتام پر ایران میں سلجوقیہ خاندان کا دور دورہ تھا ان کے ایام اقتدار میں ایرانی تہذیب و معاشرت، علم و فضل، کسب و ہنر اور ادب و شعر کو خوب فروغ حاصل ہوا۔ عہد سلجوق کی سیاسی اور ادبی سرگرمیوں کی تاریخ بارہویں صدی کے وسط تک پھیلی ہوئی ہے اس دور میں فارسی شاعری کے مستقل طور پر دربار سے منسلک ہو جانے کی وجہ سے قصیدہ گوئی کا چلن بڑا بھر پور دکھائی دیتا ہے۔ معزی، انوری، خاقانی، نظامی، ظہیر فاریابی، ابوسعید ابوالخیر، عطار، عمر خیام اور سنائی اس دور کے ممتاز شعرا ہیں۔

انوری کو قصیدے کا شہنشاہ تسلیم کیا جاتا ہے لیکن اس کے یہاں تغزل کا ذخیرہ بھی موجود ہے غزل میں انوری عشق کی واردات کو بیان کرتا

ہے اس کی غزلیں ایرانی مزاج کی حامل ہیں "اور ہم یہ جانتے ہیں کہ ایرانی ذہنیت کے نزدیک عشق کا اصلی سرمایہ سوز و گداز ہے۔" (۱۳) انوری کی غزل کے اشعار دیکھیے۔

گریبم زلف پر خم تو نیستی مرا
من کا رہائے بستۂ خود برکشادمی
تارخت دل اندر خم زلف تو نہادیم
بر رخ زغم عشق تو خونابہ کشادیم
بازدوش آں صنم عشوہ فروش
شہرے از ولولہ آور بجوش

خاقانی اور ظہیر فاریابی بھی بنیادی طور پر قصیدے کے شاعر ہیں تا ہم غزل گوئی کی طرف بھی مائل ہیں۔ آزاد نے نگارستان فارس میں ان کی کئی غزلیں درج کی ہیں۔ چند اشعار یہ ہیں۔

دریں عہد از وفا بوئے نماند است
بعالم آشنا روئے نماند است
لب تو قیمت شکر بشکست
رخ تو رونق قمر بشکست
(خاقانی)

پیکرت آزادہ گردد از لطافت گر کشد
برحریر برگ گل نقاش تصویر ترا
خراج چیں خم زلفت زمشك ناب گرفت
رخ تو آئینہ از دست آفتاب گرفت
(ظہیر فاریابی)

نظامی گنجوی نے اس زمانے میں اپنی پانچ طویل مثنویاں لکھیں جنہیں خمسہ نظامیؔ کے نام سے شہرت حاصل ہوئی ان کی غزلیں وحدت الوجودی تصورات میں ڈوبی ہوئی ہیں ان کی ایک غزل کے دو اشعار اس طرح ہیں۔

جہاں تیرہ و رہ مشکل جبینت راعناں درکش
زمانے رخت ہستی رابخلوت گاہ جاں درکش
طریقش بے قدم می رو جمالش بے بصرمی بیں
حدیثش بے زباں بشنو شرابش بے دہاں درکش

ابو سعید ابوالخیر نے تصوف کی واردات اور خیام نے خمریات اور خرابات کے بیان کےلئے غزل میں ایک قسمؔ کی غرابت کی وجہ سے رباعی کو اختیار کیا لیکن بعد میں جب غزل کی زبان میں روانی اور لطافت پیدا ہوئی تو شعراء نے غزل کو ان مضامین کے لئے موزوں ترین شعری ہیئت کے طور پر منتخب کیا۔ سلجوقی دور میں غزل تصوف کی آغوش میں سمٹ آئی تھی۔ سنائی نے غزل میں شاید سب سے پہلے واردات حقیقت کو مجاز کی زبان میں ادا کیا۔ تا ہم غزل کو خرابات کی راہ لگانے والے بھی حکیم سنائی ہیں۔ محمود شیرانی کے لفظوں میں:

"عرفان اور رندی کی آمیزش کے قدیم ترین نمونے ان کے کلام میں ملتے ہیں۔ عطار اور مولانا روم ان کی بنیادوں پر قصر و ایوان تعمیر کرتے ہیں۔" (۱۴)

"تخلص کا رواج غزل کے مقطع میں سب سے پیشتر انہی کے یہاں پایا جاتا ہے۔" (۱۵) سنائی کی غزل کے اشعار درج کئے جاتے ہیں۔

درد دل آں را کہ روشنائی نیست
در خراباتش آشنائی نیست
اے ساقی مے بیار پیوست
کاں یار عزیز توبہ شکست

تیرہویں صدی عیسوی میں تاتاری حملوں کی وجہ سے ایران کی زمین خون میں نہائی اور صدیوں پرانی تہذیب اور ادب و فضل برباد ہو گئے۔ دنیا کی بے ثباتی اس زمانے میں ایک مستقل تصور حیات ٹھہری مگر کہتے ہیں کہ تاریک بادلوں کے کنارے روشن ہوتے ہیں سعدی اسی دور میں پیدا ہوئے تاتار کی باد صرصر نے امن وامان کا شیرازہ ابتر کردیا سلطنتیں ان کے رحم و کرم پر تھیں جس کا نتیجہ یہ نکلا کہ قصیدے کا زور دفعتاً گھٹ گیا اور شاعری حدیث دل کا بیان کرنے لگی ظاہر ہے کہ اب ذریعہ اظہار غزل کے سوا اور کیا ہو سکتا تھا۔ سعدی ایک مدت عشق و عاشقی میں بسر کر چکے تھے اس دور میں سعدی کی گلستان کے ساتھ ساتھ ان کی نظم کی کتاب بوستان اور غزلیات کا بہت چرچا ہوا ان کی غزلیں آنے والے غزل گو شعرا کے لئے نمونہ بن گئیں اور غزل کی علامات مستقل طور پر متعین ہو گئیں۔ سعدی کی زبان خداداد تھی جس کی وجہ سے ان کی غزل میں بلاکی تاثیر پیدا ہوئی۔ آزاد نے درست لکھا ہے

"شیخ سعدی شیرین کلام شاعر ہیں آج تک پھیکے نہیں ہوئے"

(۱۶) نمونہ کلام

معلمت ہمہ شوخی و دلبری آموخت
جفاوناز و عتاب و ستمگری آموخت

گلبناں پیرایہ برخود بستہ اند
بلبلاں را در سماع آوردہ اند
ساقیان لاابالی در طواف
ہوش مے خواران مجلس بردہ اند
ما بہ یک جرعہ چنین بے خود شدیم
دیگراں چندیں قدح چوں خوردہ اند
آتش اندر پختگان افتادہ سوخت
خام طبع ہمچنان افسردہ اند
عاشقاں را کشتہ مے بینند خلق
بشنو از سعدی کہ جاں پروردہ اند

ادہر ہندوستان میں امیر خسرو نے مے خانہ شیراز کی شراب کو تیز کر دیا۔ اقبال نے امیر خسرو کو اس طرح خراج تحسین پیش کیا ہے:

خسرو شیریں زبان رنگیں بیاں
نغمہ ہایش از ضمیر کن فکاں

اگر ہم تیرہویں صدی عیسوی کو غزل کے حوالے سے دیکھیں تو بقول ممتاز حسین جہاں سعدی سر فہرست نظر آتے ہیں وہاں ان کے پیچھے پیچھے ایران و خراسان کا کوئی شاعر نہیں بلکہ خسرو اور حسن دہلوی نظر آتے ہیں۔(۱۷) امیر خسرو حضرت نظام الدین اولیاء کے مرید خاص تھے جس کی وجہ سے ان کی غزلوں میں تصوف کی چاشنی پیدا ہوئی۔ تا ہم خسرو کے کلام میں مجاز کا رنگ اس قدر غالب ہے کہ ان کی شاعری کو عشقیہ شاعری کہنا زیادہ موزوں ہے۔ ممتاز حسین لکھتے ہیں۔ "خسرو کی غزلوں میں جہاں ایک اثر خواب ہے وہاں ایک زمزمہ بیداری بھی ہے خسرو کی غزلیں بنیادی حیثیت سے جذبہ عشق کی ہیں لیکن اس کے پیچھے ان کا

ایک فلسفہ عشق ہے خسرو نے بھی صوفیانہ روش غزل گوئی کو ترک کر کے جو عطار اور سنائی کی روش ہے اور جن کی غزلوں میں مسائل تصوف کو بیان کیا گیا ہے نہ کہ تجربات عشق کو ایک ایسے اسلوب کو آزمایا ہے جو سعدی کے ہاں خسرو سے پہلے اور پھر حافظ کے ہاں خسرو کے بعد ملتا ہے۔ (۱۸)

خسرو سراپائے محبوب کے مصور بھی ہیں ان کی غزلوں میں بدن کا جگمگاتا ہوا عکس ملتا ہے

تن پاکت کہ زیر پیرہن است
وحدہ لا شریک لہ چہ تن است
بست پیراہنت چوں قطرہ آب
کہ تنگ گشتہ برگل و سمن است
با خودم کش درون پیراہن
کہ تو جانی و جان من بدن است

خسرو کی غزل گوئی کی پہچان وہ موسیقی ہے جو جذبات کے مدوجز سے پیدا ہوتی وہ جذبے کی شدت اور گہرائی کا شاعر ہے جذبہ اس کے ہاں صوت نغمہ میں ڈھلتا ہے۔

تنگ نبات چوں بود لب بکشا کہ ہمچنین
آب حیات چوں رود، خیز و بیا کہ ہمچنین
یارب چہ عذا بیست بریں مرغ گرفتار
بسمل نہ پسندند و پریدن نہ گذارند

حسن سجزی دہلوی امیر خسرو کے معاصر ہیں۔ وہ بھی حضرت نظام الدین اولیا کی چوکھٹ سے وابستہ تھے۔ خسرو کی طرح ان کے یہاں بھی مجاز حقیقت پر غالب آتا دکھائی دیتا ہے گویا حسن کی غزل خسرو ہی کے

شیرینے کی چاشنی ہے

قـربـان کـردی دل حـسـن را
ای غـیـرت عـیـد یـادمـی داد
حـسـن چـوں از دو عـالـم در تـو آویـخـت
بـراں بـے خـانماں در از چـه بـسـتی

امیر خسرو اور حسن دہلوی کے بعد شاعرانہ حیثیت سے سلمان ساؤجی اور خواجو کرمانی نے غزل کو ترقی دینے کی کوشش کی۔ سلمان ساؤجی اور خواجو کرمانی کے کلام سے حافظ بھی متاثر نظر آتے ہیں اور ان کی پیش روی کا اقرار کرتے ہیں تا ہم ان کے تغزل میں رنگ ہی رنگ ہے جو رچاؤ کم ہے۔ دیکھیے۔

آوازۂ جـمـالـت تـا در جـہـاں فـتـاده
خلقے به جست و جوئت سردر جہاں نہاده
(سلمان ساؤجی)

گرشدیم از باده بدنام جہاں تدبیر چیست
ہمچنی رفت است از روز ازل تقدیر مـا
(خواجو کرمانی)

بنیادی طور پر یہ دور خسرو کی غزل کی گونج کا دور ہے۔ ممتاز حسین کا خیال ہے کہ "سعدی اور حافظ کے درمیان خسرو ایک پل کی حیثیت رکھتے ہیں اگر خسرو کی غزلوں کی قوس و قزح نہ ہوتی تو حافظ کی بیت الغزل کا محراب تعمیر نہ ہو سکتا۔" (۱۹)

فصاحت شیراز کا شیرہ جو سعدی کے یہاں پکتا ہوا نظر آتا ہے حافظ کے یہاں بہنے لگتا ہے بقول آزاد "خزاجہ حافظ نے دیوان غزل کے سوا

کچھ نہیں لکھا برائے نام چار پانچ قصیدے بھی کہے مگر غزل ایسی لکھ گئے کہ آج تک سب آنکھوں پر رکھتے ہیں ان کے ہاں نہ صنعتوں کی بناوٹ ہے نہ استعاروں کی رنگ آرائی۔ دل کی صفائی ہے زبان سے نکل آئی ہے۔"
(۲۰)

حافظ کو بالاتفاق ایران کا بہترین غزل گو تسلیم کیا جاتا ہے یہاں تک کہ ممتاز حسین بھی جو امیر خسرو کے مداح ہیں اور حافظ کی شاعری کو خسرو کی آوازکی پروردہ بتاتے ہیں۔ حافظ کی لَے کو زیادہ شیریں اور دلکش مانتے ہیں۔ (۲۱)

حافظ کی غزل بشری جبلت کی غزل ہے اگرچہ ان کی غزل میں عشق و محبت کی سرمستی کا تذکرہ عام ملتا ہے لیکن اس کے ساتھ ہی ان کی غزل زندگی کے تقاضوں سے ہم آہنگ ہے اس میں ایک مانوس آہٹ سنائی دیتی ہے۔ حافظ کا زاویہ نگاہ عمومیت کا حامل ہے انہوں نے صحیح معنوں میں غزل کی زبان اور تغزل کا لہجہ تخلیق کیا اور غزل کو سرا پا کیفیت بنادیا۔ جس حد تک سعدی شیرازی کی غزلوں میں گھلاوٹ سوز اور جذبے کی توانائی کی کمی تھی حافظ شیرازی نے اس جوش سے نغمہ سرائی کی کہ دل کی گونج نے قیامت کا سکوں پیدا کیا اور یوں خمخانہ شیرازکی مے کو دو آتشہ بنا دیا۔حسن بیان، خوبیٔ ادا، شستگی اور لطافت حافظ کے یہاں اپنا جادو جگاتی ہے لطافت، لوچ گداز، گھلاوٹ، سوز، رنگینی اور شیرینی جب آپس میں ملتے ہیں تو حافظ کے تغزل کا قوام تیار ہوتا ہے۔ غزل شاید مدت سے اپنے اسی مخصوص لحن کی تلاش میں تھی جو اسے حافظ نے عطا کیا انہوں نے غزل کو مجموعہ شاعری بنا دیا جس کا

نتیجہ ہے کہ ان کے بعد فارسی غزل گو شعرا نے غزل میں اخلاقی، معاشرتی، سیاسی، سماجی اور تہذیبی و تمدنی غرض ہر قسم کے مضامین ادا کئے مگر شان تغزل میں کمی واقع نہ ہوئی۔ آزاد کے لفظوں میں

"ان کے کلام کی خوبی اور مضمون کی لطافت کیا بیان کی جاوے کہ وہ خود شعرا کے واسطے ایک مضمون جدا گانہ ہو گئی ہے۔" (۲۲) حافظ کی غزل کے اشعار ملاحظہ کیجئے۔

آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعۂ فال بنام من دیوانہ زدند
من ترک عشق بازی و ساغر نمی کنم
صد بار توبہ کردم و دیگر نمی کنم
بیاتا گل بہ افشانیم و مے در ساغر اندازیم
فلک را سقف بر شکانیم و طرح نو در اندازیم
اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل مارا
بہ خال ہندوش بخشم سمر قند و بخارا را

خواجہ حافظ کے ساتھ مولانا جامی کا نام بھی ذہن میں آتا ہے۔ جامی کی شخصیت جامع صفات سمجھی جاتی ہے۔ اساتذہ فن کے خیال میں ان کے کلام میں فردوسی کی سی رزمیہ نگاری، نظامی کا سارومان، رومی کا سا رنگ تصوف سعدی کی سی اخلاق آموزی اور حافظ کا ساتغزل پایا جاتا ہے۔ بقول آزاد "شاعری کا شوق کیا اور زور علم سے اسے بھی انتہا کو پہنچایا۔ قصیدہ و مثنوی و رباعی و غزل وغیرہ نظم و نثر سب طرح کا کلام ان کا موجود ہے۔" (۲۳)

حافظ کے بعد فارسی غزل انہی کی غزل کے دھاگے میں پروئی

گئی۔ حافظ کی راہ پر چلنا کچھ آسان نہ تھا اس لئے تقریباً ڈیڑھ سو برس تک غزلیہ شاعری میں کوئی بڑی تبدیلی پیدا نہ ہو سکی گویا روایت کو تو قبول کیا گیا مگر اسے تخلیقی تجربے سے ہم آہنگ نہ کیا گیا پھرجب ایران میں صفوی خاندان کی حکومت قائم ہوئی تو اس کا اثر غزل پر بھی ہوا۔ نتیجہ یہ ہوا کہ لوگ تغزل اور تصوف کو چھوڑ کر مرثیہ گو بن گئے۔ اس دور کے نمائندہ غزل گو شاعر بابا فغانی ہیں۔ کلام میں سادگی اور صفائی تشبیہات کی ندرت اور استعاروں کی جدت فغانی کی غزل کی خصوصیت ہے۔ وہ کہتے ہیں۔

آں کہ ایں نامہ سر بستہ نوشت است نخست
گرہ سخت بسرسر رشتہ مضمون زدہ است

فغانی کے بعد عرفی نظیری (جو مغل دور میں ہندوستان آ کر مشہور ہوئے) اور شفائی وغیرہ عموماً فغانی کی طرز پر غزل لکھتے ہیں۔

طہماسپ صفوی کے دور میں ایک درباری شاعر مشرف جہاں تھے جنہوں نے غزل میں معاملہ بندی کے مضامین کو خصوصی اہمیت دی ان کا انداز طرز فغانی سے زیادہ پسند کیا گیا۔ مشرف جہاں نے حدیث دل کا بیان تغزل کی زبان میں اس طرح کیا۔

بہ ہر جا می روم اول حدیث نیکواں پرسم
کہ حرف نام آن نا مہرباں را درمیاں پرسم

ایران میں جس وقت صفوی خاندان کی وسیع اور پر امن حکومت تھی اسی زمانے میں تیموری خاندان ہندوستان میں داد حشمت دے رہا تھا تیموری دربار نے شعرا کی قدردانی اور ناز برداری میں کوئی کسر نہ اٹھا

رکھی تھی یہ سامان شاعری کی ترقی کےلئے گویا آب حیات تھا اس لئے اس دور میں شاعری کی زمین آسمان بن گئی چنانچہ بہت سے شعرا ایران سے ہندوستان منتقل ہو گئے۔ یہاں کی علمی و ادبی سرگرمیوں اور شاہان تیمور کی دریادلی اورسرپرستیوں نے ایران کی قدیمی روایات کو بھی مات دے دی۔ خان خاناں عرفی، نظیری، فیضی، ظہوری جلال اسیر طالب آملی۔ ، ملاغنی کاشمیری، ناصرعلی بے دل خان آرزو اور غالب اس عہد کے مشہور شعرا میں سے ہیں۔ اس پورے عہد کو قصیدے اور غزل کے عروج کا ملا جلا دور قرار دیا جا سکتا ہے۔ مثلاً عرفی قصیدے کے بڑے شاعر ہیں مگر آزاد ان کی غزلوں کے بارے میں لکھتے ہیں۔ "اس کی غزلوں کے اشعار کے لکھنے کو دفتر چاہیے ہے۔" (۲۴) عرفی کا ایک شعر ہے۔

من ازیں درد گراں مایہ چہ لذت یابم
کہ با اندازہ آں صبر و ثباتم دادند

فیضی کی غزل کے بارے میں آزاد نے لکھا ہے "غزلیات وغیرہ اول درجۂ فصاحت پر نہایت صاف اور عام فہم۔" (۲۵) دیکھیے

تا چند دل بعشوۂ خوباں گرو کنم
این دل بسوزم و دل دیگر زتو کنم

نظیری نے طرز فغانی کو زندہ کیا اور غزل کو بھرپور گونج عطا کی۔ نظیری کی غزل عہد مغلیہ کی نازک خیالی کا دلاویز نمونہ ہے۔

نظیری زندگی در درد دل جو
کہ درد تو مسیحائے تو باشد

ظہوری اور جلال اسیر نے غزل میں نزاکت اور باریکی کو دونا کیا۔ انہوں نے استعارہ کو استعارہ در استعارہ اور مجاز کو مجاز در مجاز کر

دکھایا۔ جلال اسیر کی ایک غزل کا مطلع ملاحظہ کیجئے۔

تا کہ از عکس تو آئینہ گلستان گردد
سوئے عاشق نگہے تا ہمہ تن جاں گردد

طالب آملی دور جہانگیر میں غزل کا معتبر نام ہے وہ جہانگیر کے دربار میں ملک الشعراء کے عہدے پر فائز رہا۔ طبعیت کے فطری بہاؤ کی وجہ سے بڑے زوردار قصیدے کہتا تھا۔ عین عالم شباب میں انتقال کیا۔ اس کی غزل طلسم کاری کی حامل ہے اس نے نازک استعاروں کا استعمال کر کے معاملات محبت کو دلکشی اور خیال کو رعنائی عطا کی:

دو لب خواہم یکے در مے پرستی
یکے در عذر خواہی ہائے مستی

آزاد کے خیال میں "ہندوستان میں خیال بندوں کی امت میں غنی کاشمیری، بیدل اور ناصر علی نامور ہوئے۔ (۲٦) "غنی کاشمیری نازک خیالی اور ایہام گوئی میں ہندوستانی شعرا سے جدا نہیں۔

ساقی بجام ریز مئے پرتگال را
ماہ تمام ساز بیک شب ہلال را
(غنی کاشمیری)

بیدل اپنی مشکل پسند طبعیت، قوت ایجاد اور مشق سخن کے حوالے سے پہچانے جاتے ہیں بقول آزاد "مضامین اس قدر باریک باندھتا ہے کہ اکثر اشعار میں‌سے معنی بھی بہ مشکل نکلتے ہیں۔" (۲۷) بیدل مشکل زمینوں اور متنوع بحروں کا شاعر بھی ہے یگانہ انہیں "پیر میکدۂ سخندانی" (۲۸) قرار دیتے ہیں۔ بیدل کے اشعار دیکھیے:

ہستی موہوم غیر از نفی اثباتے نہ داشت
رفتن ما گرد پیدا کرد از دامان ما
یاردر آغوش و نام او نمی دانیم چیست
سادگی ختم است چوں آئینہ بر نسیان ما

ناصر علی کا کلام بھی لطیف اور نازک استعاروں سے مزین ہے۔ اساتذہ نے ان کے دیوان غزلیات کو انتخاب قرار دیا ہے

مقیم کوے تو سختی کشان دل تنگ اند
کہ نالہ گر نہ کنند فاش آتش سنگ اند
شکر لبان دل بے رحم در کمین دارند
بتاں ماز بروں لعل و از دروں سنگ اند
امشب کہ بے تو بزم سخن نیم رنگ بود
رنگے کہ باز گشت بدل زخم سنگ بود
ندارد حسرت دل تاب حسن بے حجابش را
کہ باشد صافی آئینہ شبنم آفتابش را

اورنگ زیب عالمگیر کی وفات (۱۷۰۷ء) کے بعد ہندوستان میں مغلوں کا اقتدار زوال کے راستے پر لگ گیا ادہر ایران میں اٹھارہویں صدی کے وسط سے قاچاری دور کا آغاز ہوا جو انیسویں صدی کے اختتام تک رہا۔ غزل کے حوالے سے اس دور کا نمائندہ شاعر مرزا صائب اصفہانی ہے جس کی دھوم ایران ہی میں نہیں پورے برصغیر میں بھی تھی۔ صائب کو زبان پر بے حد قدرت تھی اس کے اشعار سے رس ٹپکتا تھا اور لفظوں کی موسیقی ترنم کو جنم دیتی تھی۔ آزاد کے لفظوں میں "باد شہان روم ترکستان و ہندوستان وغیرہ اس کے اشتیاق میں شاہ ایران کو مراسلے لکھتے تھے اور غزلیں صائب کی بطریق تحفہ فرمائش کر کے منگاتے تھے" (۲۹)

صائب کے بارے میں علامہ آزاد بلگرامی اپنے تذکرے سرور آزاد "میں لکھتے ہیں۔

امام غزل طرازان و علامہ سخن پردازان است۔" (۳۰) اور یگانہ کی رائے یہ ہے کہ

بلندی تخیل کے ساتھ زبان کی سلاست کا قائم رکھنا کمال شاعری ہے اور یہ خصوصیت مرزا صائب ہی کے یہاں پائی جاتی ہے۔" (۳۱)

واقعہ یہ ہے کہ صائب کی غزل استعارات بدیع کی حامل ہے۔ انہوں نے اپنے مطالب نہایت سلیس اور عام فہم الفاظ میں ادا کئے ہیں۔

فضائے دشت ز خونیں دلاں گلستان است
زخود بر آ کہ عجب دامن بیابان است
عشق بالادست و جان بیقرارم دادہ اند
ساغر لبریز و دست رعشہ دارم دادہ اند

عشق بالادست کو ساغر لبریز اور جان بے قرار کو دست رعشہ قرار دینا استعارے کے بہترین استعمال کی مثال ہے۔ اور اسی چیز نے صائب کو صائب بنایا ہے۔

دور قاچاری کے متوازی ہندوستان میں مرزا غالب پیدا ہوئے۔ غالب کی غزل کو فارسی کی صدائے بازگشت کہا جاتا ہے تا ہم ان کی غزل میں محض عرفی، نظیری، طالب یا بیدل کا تتبع نہیں کیا گیا بلکہ بہت جلد ان کی شخصی انا غالب آ گئی اور ان کی غزل ندرت خیال اور حدیث اظہار کا نمونہ بن گئی۔ فکر کی گہرائی اور شدت احساس کا اگرچہ آپس میں بیر ہے مگر ان کا امتزاج ہی غالب کی غزل کی خصوصیت ہے۔ غزل کے حوالے سے

غالب کے بعد شبلی کا نام اہم ہے جن کے یہاں حافظ کا رنگ تغزل اپنی جھلک دکھاتا ہے مولانا گرامی کی غزل کلاسیکی فارسی غزل کے سلسلے کی آخری کڑی ہے۔

*****

حواشی

۱- یہ کتاب ساتویں صدی ہجری کے شروع میں تالیف ہوئی۔

۲- بحوالہ اصول انتقاد ادبیات، صفحہ ۲۶۹، مجلس ترقی ادب لاہور، طبع دوم اول مئی ۱۹۶۶ء۔

۳- بحوالہ مباحث، صفحہ ۵۲۹، مجلس ترقی ادب لاہور، طبع اول فروری ۱۹۶۵ء۔

۴- بحوالہ مضمون "شعر اور غزل"، مطبوعہ نگار پاکستان کراچی، (اردو شاعری کا فنی ارتقاء نمبر) سالنامہ ۱۹۸۹ء صفحہ ۴۷

۵- بحوالہ اصول انتقاد ادبیات صفحہ ۲۷۵

۶- ڈاکٹر عبادت بریلوی بحوالہ غزل اور مطالعہ غزل صفحہ ۶، انجمن ترقی اردو پاکستان تاریخ اشاعت ستمبر ۱۹۵۵ء

۷- سید عابد علی عابد نے اس حوالے سے اپنی تصنیف "اصول انتقاد ادبیات" میں تفصیل سے بحث کی ہے وہ شہید بلخی کو رودکی سے زیادہ شہرت یافتہ قرار دیتے ہیں ان کے خیال میں اسدی طوسی جو فارسی کا پہلا لغت نویس ہے اپنی لغت فرس میں غزل ہائے شہید کا بہ تخصیص تذکرہ کر چکا ہے اور خود رودکی اسے اور شہرہ کو سرخیل شعرا قرار دے چکا ہے۔ علاوہ ازیں عابد کے خیال میں ادبیات ایران کے مورخ اس امر پر متفق ہیں کہ

شہید کی غزلیں مرتب ہو کر مشہور ہو چکی تھیں اور گائی جاتی تھیں۔ تفصیل کےلئے ملاحظہ کیجئے: اصول انتقاد ادبیات"صفحات ۲۷۱، ۲۷۷۔

۸- بحوالہ مقالات حافظ محمود شیرانی (جلد پنجم)، صفحہ ۳۶، مجلس ترقی ادب لاہور طبع اول اپریل ۱۹۷۰ء

۹- ایضاً صفحہ ۴۷

۱۰- مرتبہ ڈاکٹر محمد صدیق شبلی، ڈاکٹر محمد ریاض صفحہ ۲۰، سنگ میل پبلی کیشنز لاہور نومبر ۱۹۷۳ء

۱۱- بحوالہ سخندان فارس (جلد اول) صفحہ ۲۷۴، مکتبہ ادب اردو لاہور، سال اشاعت ندارد۔

۱۲- سید عابد علی عابد بحوالہ اصول انتقاد ادبیات صفحہ ۲۷۷

۱۳- حافظ محمود شیرانی، مقالات حافظ محمود شیرانی (جلد پنجم) صفحہ ۲۲۴

۱۴- ایضاً صفحہ ۲۲۰

۱۵- ایضاً

۱۶- بحوالہ سخندان فارس (حصہ اول) صفحہ ۵۱۹

۱۷- بحوالہ امیر خسرو دہلوی صفحہ ۳۱۳ مطبوعہ نیشل بک فاؤنڈیشن کراچی اکتوبر ۱۹۷۵ء

۱۸- بحوالہ امیر خسرو دہلوی صفحہ ۳۰۰

۱۹- بحوالہ امیر خسرو دہلوی صفحہ ۳۱۲

۲۰- بحوالہ سخندان فارس حصہ اول صفحہ ۵۲۰

۲۱- بحوالہ امیر خسرو دہلوی صفحہ ۳۱۲

۲۲- بحوالہ نگارستان فارس صفحہ ۷۸ مطبوعہ مقبول اکیڈمی لاہور سال طبع ۱۹۸۸ء

۲۳- بحوالہ نگارستان فارس صفحہ ۹۲

۲۴- بحوالہ نگارستان فارس صفحہ ۱۰۰

۲۵- ایضاً صفحہ ۱۰۳

۲۶- بحوالہ سختدان فارس صفحہ ۵۲۳

۲۷- بحوالہ نگارستان فارس صفحہ ۱۴۸

۲۸- بحوالہ یگانہ کا مضمون بعض شعرائے عظیم آباد مطبوعہ نظارہ میر ٹھ جنوری فروری ۱۹۱۶ صفحہ ۵۷

۲۹- بحوالہ نگارستان فارس، صفحہ ۱۶۹

۳۰- بحوالہ یگانہ کا مضمون "ملاصائب اصفہانی" مطبوعہ "مخزن" لاہور دسمبر ۱۹۱۷ء صفحہ ۲۳۔

۳۱- ایضاً صفحہ ۲۷۔
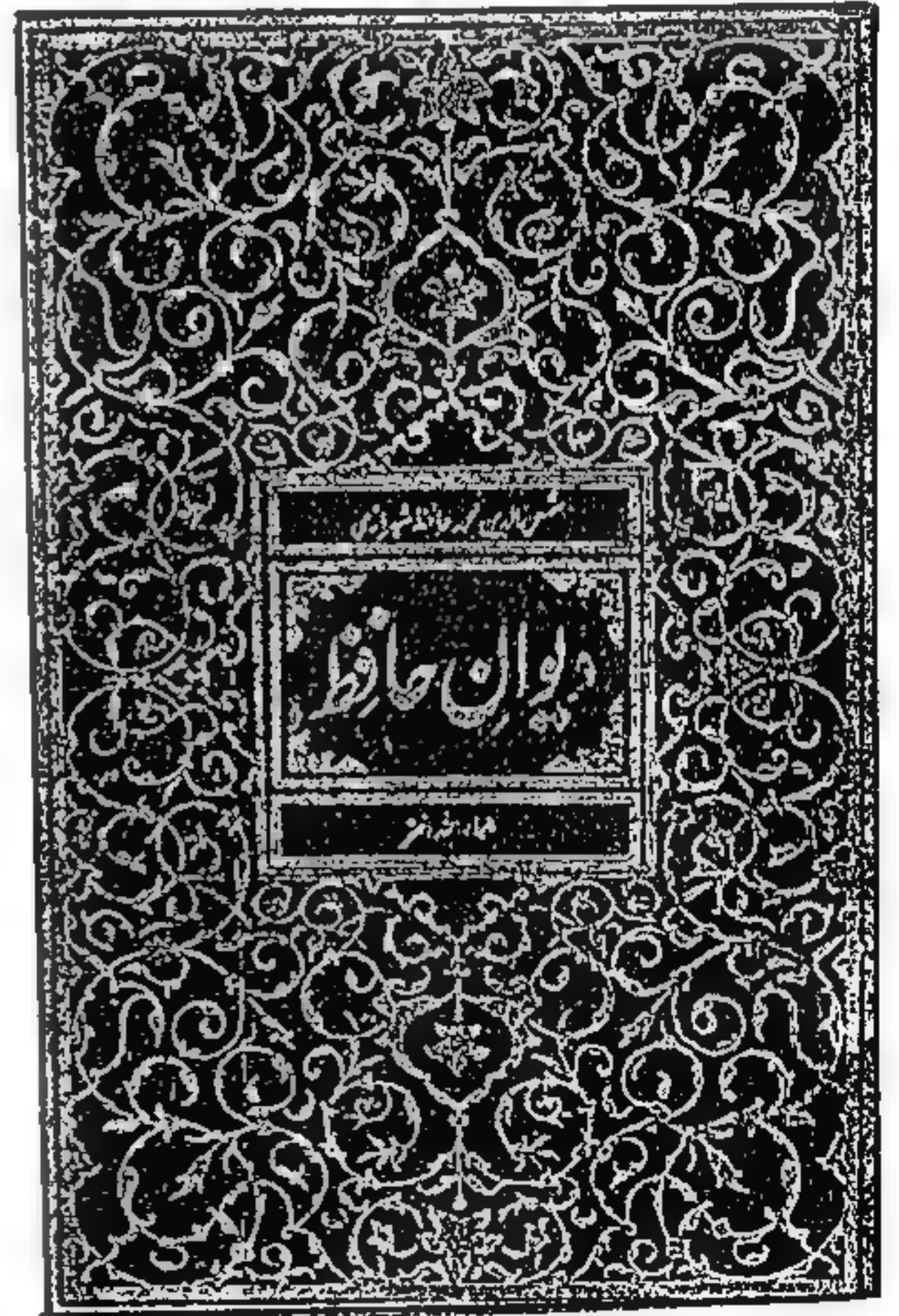
*****

فارسی گویان پاکستان

شامل

شاعران پارسی گوی معاصر و منتخب احوال و آثار آنان

جلد یکم

از گرامی تا عرفانی

تألیف

دکتر سید سبط حسن رضوی

از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

راولپنڈی - پاکستان

۱۳۹۴ ہجری قمری

۱۳۵۳ ہجری خورشیدی

۱۹۷۴ میلادی

ڈاکٹر خانم قمر غفار (علیگ)
نئی دهلی.

"فارسی زبان کی تدریس اور تحقیق کے مسائل"

یہ موضوع معنوی اعتبار سے تین سرحدوں کو چھوتا ہے یعنی زبان، ادب اور تحقیق. یہ ترتیب وار ایک ہی سلسلہ کی تین مختلف کڑیاں اور مسلسل سیڑھیاں ہیں. جن کو یکے بعد دیگرے طے کیے بغیر منزل نہیں ملے گی. تجزیہ اور مشاہدہ کے بعد یہ میرے اپنے تاثرات اور نظریات ہیں.

تحقیق کی اولین منزل میں، قدیم نسخہ کے اندر کاغذ، خط اور روشنائی کی پہچان وقت کی فصیلوں کا تعین کرتی ہے اور اس میں مقید بقیہ مواد، قلعہ یا محل کی مانند ہے کہ اگر اس کا مطالعہ دقت نظری سے نہیں کیا جائے گا تو ترتیب و تدوین کا ناقص عمل ادھوری تاریخی سیر کے مترادف ہوگا.

زبان کا موضوع بھی دوشاخہ ہے یعنی زبان و ادب میں چولی دامن کا ساتھ ہے. بلکہ جدید پیرایۂ اظہار میں یہ کہنا زیادہ بہتر ہوگا

کہ "گھوڑا گاڑی" والا معاملہ ہے. ادب میں زبان کی حیثیت گھوڑے کی سی ہے۔ اور تدریس کے وقت یہ نکتہ اچھی طرح ذہن نشین رکھنا چاہیئے کہ گھوڑا گاڑی کو کھینچتا ہے گاڑی گھوڑے کو نہیں. پس کسی بھی زبان کے ادب سے بھرپور واقفیت اور لذت کے لئیے زبان کا اس کے جزوی رموز و اسرار کے ساتھ جاننا از حد ضروری ہے. فارسی صرف گل و بلبل ہی سی زبان نہیں بلکہ بہت سے دوسرے عقلی اور نقلی علوم کا خزانہ اپنے سینہ میں چھپائے ہے. ابتدائی تاریخ اور تمدن کا سرا یہاں ملتا ہے. اسلیے دوسرے مضامین سے تعلق رکھنے والے طلباء کو بھی اور خاص طور سے تاریخ سے وابستہ طلباء کو فارسی زبان سے بھرپور آشنائی لازمی ہے. کہنے کا مقصد صرف اتنا کہ اگر زبان نہیں جانیں گے تو کسی دور کا خصوصی مطالعہ اور تحقیق ناقص رہ جائیگی.

زبان سے نا واقفیت کے لئے تاریخ ہی کے طلباء کا کیا رونا خود اپنے یہاں بھی ہو کا عالم نظر آتا ہے. ہمارا المیہ دیکھئے ہم ادب پڑھاتے ہیں مگر فارسی سے اردو میں یا انگریزی میں. فارسی سے فارسی کی طرف ہماری توجہ شاذو نادر ہی کی جاتی ہے. نتیجتاً بی. اے سے لیکر ایم. اے تک اور حتی کہ تحقیق تک کا طالب علم اپنی عمر عزیز کے کئی سال گنوانے کے باوجود زبان نہیں سیکھ پاتا. وہ غزل کے رومانی نغموں سے محظوظ ہوتا ہے. قصیدہ و مثنوی کی قوس و قزح میں کھو جاتا ہے. رباعی و قطعات کی ہلکی ہلکی پھوار اس کو سرشار کر جاتی ہے. مرثیہ کا مخصوص حزن اس کے احساس میں سوز و گداز کی لہر دوڑا دیتا ہے. نثری راھنما کے ہمراہ وہ تاریخ کی وادیوں میں گلگشت کرتا ہے. فقہ و تصوف کے نشیب و فراز سے گذرتا ہے. دیگر علوم و فنون کی روشوں پر چلتا ہے

مگر زبان کی روشنی اس کے ہمراہ نہیں ہوتی. اس کی حیثیت اس قوی ہیکل دیو کی مانند ہے جو آنکھوں سے محروم چلا جاتا ہے. با الفاظ دیگر جس طرح سانپ بین کی آواز پر مست نہیں ہوتا بلکہ اس کی حرکات پر جھومتا ہے لیکن عام آدمی سمجھتا ہے کہ آواز کا جادو اس پر چل رہا ہے. یہی حال ہمارا ہے زبان کے تئیں اگر ہمارا یہی رویہ رہا تو ہم اپنے ہی ہاتھوں اور اپنے ہی کاندھوں پر اس کا جنازہ، انجانے ہی میں سہی، نکال دیں گے:

ہمارا مضمون ہم سے محنت و مشقت کا طالب اور پرانے نصاب کی تبدیلی کا خواہاں ہے. اس کا اعتراف کرنے میں کوئی تامل نہیں کہ نصاب کی تبدیلی مشکلات کا خار زار ہے. لیکن:

مشکلی نیست کہ آسان نشود
مرد باید کہ ہراسان نشود

یہ راہ طے کریں گے تو گلزاروں کی فرحت بخش نمی پیروں کو محسوس ہو پائیگی. کیسی تعجب کی بات ہے کہ موجودہ نصاب میں شامل انتخاب کے بارے میں ایرانی، افغانی طلباء سوال کرتے ہیں کہ یہ کونسی اور کب کی زبان ہے کہ جس کو نہ صرف یہ کہ ہم سمجھ نہیں پاتے بلکہ لطف بھی نہیں آتا تو کیا ہندوستانی طلباء اس کو سمجھ سکتے اور اس کے ذریعے زبان سیکھ سکتے ہیں. ان میں سے بعض کو تو شدبد بھی نہیں ہو پاتی. پڑھا، رٹا، امتحان دیا اور خدا حافظ لازمی سی بات ہے جب پہلی منزل زبان ہی سے آگاہ نہیں تو تحقیق جو آخری مراحل کی نشاندھی کرتی ہے اس کا کیا حق ادا کر پائیں گے اور وہاں کیونکر پہنچ سکیں گے.

اس ساری داد و فریاد سے مراد یہ ہے کہ اساتذہ اس نکتہ پر توجہ دیں اور ہندوستان کی تمام یونیورسٹیوں کے لیے ایک معیاری نصاب تیار کریں جس میں ادب کی چاشنی ایک حصہ اور زبان کی آمیزش تین حصہ ہو. جب زبان آئیگی تو یقیناً نئے اور پرانے ادب کا سمجھ کر مطالعہ کرنا مشکل نہیں رہ جائیگا. اور پھر کسی قدیم نسخہ کے متن کا صحیح طور پر پڑھنا مسئلہ نہیں بنے گا.

زبان ہی کی مادرانہ آغوش میں پروان چڑھ کر ادب سامنے آتا ہے. اس کی پیچیدگیاں اور باریکیاں بھی زبان و بیان سے وابستہ ہوتی ہیں. اگر ان کی تصحیح و وضاحت نہ کی جائے تو اس زبان کا ادب اپنے معنی و مفہوم کھو دیتا ہے اور پھر ایک ایسے قالب کی مانند رہ جاتا ہے جس میں روح کی تازگی اور حرارت نہیں ہوتی.

ادب کی تدریس کے آنچل سے تحقیق کا دامن بندھا ہے اس ضمن میں بعض ان نکات سے صرفِ نظر کیا جائے تو بہتر ہے جن کی تکرار اور صد تکرار ہو چکی ہے اور علماء وقت ان کی حد بندیوں کی طرف راہنمائی کر چکے ہیں. لیکن حضرت علی(ع) کے بقول باتیں اگر دھرائی نہ جاتیں تو کب کی ختم ہو جاتیں. پس میں اپنی فہم کے مطابق کچھ مثالوں سے بحث کرونگی.

ادب کی تدریسی گذرگاہ ہو یا تحقیق کی وادی، متن کی درستی اہم ستون ہے. کسی ایک بھی مطبع یا نسخہ کو آنکھ بند کر کے درست اور معیار نہیں مان لینا چاہیے. غلطی پرنٹنگ کی بھی ہو سکتی ہے اور نسخوں کا اختلاف بھی. تحقیق کا تقاضہ اور تدریس کا بنیادی اصول یہ ہے کہ شک

و شبہ کی صورت میں اس کی صحت کی چھان بین کی جائے۔ دوسرے ان کلمات کی بھرپور وضاحت ہو جو اپنے دامن میں ایک تہذیب اور تمدن کو سمیٹے ہیں۔ طوالت کے ڈر سے ایک ہی مفہوم کے دو کلمات کی مثال کو زیر بحث لایا جائیگا جس سے اپنے مافی الضمیر کی وضاحت ہو سکے۔

گلستان سعدی کے ایک نسخہ کی تصحیح محمد علی فروغی نے کی اور جس کا خوبصورت ایڈیشن ایران سے چھپ چکا ہے۔ اس کے اندر سعدی کا مشہور و معروف قطعہ اس طرح لکھا ہے:

گلی خوشبوی در حمام روزی
فتاد از دست مخدومی بدستم
بدو گفتم که مشکی یا عبیری
که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گلِ ناچیز بودم
و لیکن مدتی با گل نشستم
کمال هم نشین در من اثر کرد
وگرنه من همان خاکم که هستم

یہاں اصل وضاحت کا محتاج کلمۂ "حمام" ہے جو ایران کے تہذیب و تمدن کی ایک پوری داستان اپنے اندر چھپائے ہے۔ اس کی تشریح نہیں کی گئی تو پورا قطعہ اپنے معنوی وجود کے ساتھ کہیں گم ہو جائے گا۔ دوسرے جب کہ ہم آپ جانتے ہیں یہ قطعہ عام طور پر مروج یوں ہے:

گلی خوشبوی در حمام روزی
رسید از دست محبوبی بدستم

اور آخر میں شعر کا پہلا مصرع:

جمالِ ہم نشین در من اثر کرد

اب موضوع بحث، رسید و فتاد و مخدوم و محبوب اور جمال و کمال کلمات ہیں مخدوم، معنی استاد، آقا اور مرشد روحانی کے آتا ہے. محبوب، کوئی اجنبی چیز نہیں رسید اور فتاد قلمی نسخوں کا اختلاف ہو سکتا ہے. معنی و مفہوم یکساں ہی ہیں. مخدوم کے اعتبار سے کمال کا استعمال کاملاً درست. اور محبوب کے ساتھ جمال کا آنا اپنی جگہ بر حق، کیونکہ وہاں اگر کمال کلمہ کو بروئے کار لاتے ہیں تو تمام جمالیاتی ذوق دم توڑتا نظر آتا ہے. نیز تہذیبی نا واقفیت کے سبب یہ مسئلہ اکثر زیر بحث رہا ہے کہ حمام، سے محبوب اور مخدوم کا باہم کیا ربط ہے. دوسرے کسی کی خصوصیات تو خربوزے کو دیکھ کر خربوزے کے رنگ بدلنے کے مصداق دوسرے میں سرایت کرنے کی اہلیت رکھتی ہیں لیکن جمال تو ایک فرحت بخش تازگی کے ساتھ متاثر کرتا ہے اس کا اثر دوسرے میں حلول نہیں کر جاتا. پس حسن بیان کو ملحوظ خاطر رکھیں تو مخدوم کے ساتھ کمال کا جوڑ بالکل شائستہ البتہ محبوب کے پہلو سے وابستہ کمال کا پیوند کانوں کو بھدا اور نا مانوس لگتا ہے. وہاں تو جمال ہی کا بانکپن اپنی حکمرانی دکھاتا ہے. کیونکہ کسی بھی خوبصورت شخصیت کی ہم نشینی دلکشی منظر کا نظارہ مزاج، ذہن و دماغ اور پژمردہ روحانی کیفیت میں جو خوشگوار تبدیلی لاتا ہے اس سے انکار نہیں کیا جا سکتا.

اس بحث کی روشنی میں یہ بات واضح ہو گئی کہ کسی بھی ادب کی روح اور حسن کو سمجھنے کے لیے کن کن باریکیوں کو گرفت میں رکھنا

لازمی ہے۔ اور بعض کلمات کے صحیح مفہوم سے آگاہی کے واسطے وہاں کے سماجی پس منظر کا جاننا بھی ضروری ہے جہاں کا وہ پروردہ ہے۔

پس تہذیبی پس منظر کو ذہن میں رکھیں تو حمام کے کینوس پر الفاظ و بیان کی پوری تصویر اپنی مکمل رعنائی کے ساتھ جلوہ گر ہو جاتی ہے۔ اور پھر مخدومی اور کمال مبہم نہیں رہتے۔ دست محبوبی اور جمال کی نزاکت شعریت کے سانچے میں اچھی طرح ڈھل جاتی ہے۔

ایک آشناسا کلمہ "بخاری" ہے۔ اس کی وضاحت کتنی تفصیل طلب ہے۔ بخارا کے رہنے والے کو بھی بخاری کہتے ہیں۔ بعض علاقوں میں جنس رکھنے کی چھوٹی سی کوٹھری نما کولکی کو بھی بخاری کہتے ہیں۔ نیز پرانے زمانے میں جب لوگ بجلی سے واقف نہیں تھے تو کمرہ گرم کرنے کے لیے جو آتش دان بنے ہوتے تھے ان کو بھی بخاری کہا جاتا ہے بخاری کلمہ بعض جگہ گرم حمام کے معنوں میں بھی استعمال ہوتا ہے۔ مثلاً "مادر" عنوان کی ایک داستان جس کو فرانسیسی سے فاطمہ زہروی نے فارسی میں ترجمہ کیا ہے ایک ایسی روسی بچی کی کہانی ہے جس کے ماں باپ اور پورے خاندان کو جنگ کا خونی پنجہ اس سے چھین لیتا ہے۔ شہر کی پروردہ اس چھوٹی سی بچی کو حالات کے تھپیڑے ایک دیہات میں رہنے والی ماں کی آغوش میں پہنچا دیتے ہیں۔ دیہاتی ماں اپنے بچوں کے غسل کے لیے حمام تیار کرتی ہے۔ اپنی بچی تائیس کے ساتھ والیانام کی اس چھوٹی سی معصوم بچی کو بھی نہانے کے لیے کہتی ہے۔ ملاحظہ ہو: "تو هم برو، بخاری بزرگ است. جای هر دو نفرتان می شود" لیکن "والیا می ترسید توی بخاری برود. اما وقتی توی آن رفت... از آن حمام خیلی خوشش آمد." بچوں

کے دادا کو از روی شفقت یہ فکر دامنگیر ہے کہ شہر کی بچی کو ہمارا حمام اچھا بھی لگا یا نہیں۔ وہ بچی سے عذر خواھی کرتا ہے ، "ما را بخش، حمامهای اینجا با حمامهای شهر خیلی فرق دارد."

اس تفصیل کا مطلب یہ کہ ایک شہری بچی کے لیے بخاری نام اور وضع کے دیہاتی حمام اجنبیت رکھ سکتے ہیں تو ہمارے لیے کس درجہ ناشناس ہوں گے. اور اس تہذیبی گتھی کو جانے بغیر کس طرح اس ادب کو سمجھ کر اس سے لطف اندوز ہوا جا سکتا ہے.

یہ چھوٹی سی دو مثالیں بتاتی ہیں کہ صدیوں کی دوری کے بعد بعض چیزیں تشریح سے تشنہ رہ جاتی ہیں۔

ایران میں فارسی ادب کے اندر غزل اور قصیدہ دونوں ہی پسندیدہ اصناف سخن رہی ہیں۔ اور مزہ کی بات یہ کہ دونوں ہی میں مقصود "تعریف و توصیف" ہے. چاہے وہ محبوب کی ستائش ہو اور خواہ ممدوح کی خوشنودی۔ ھر دو اصناف سخن تملق کی بڑی شاندار روایت کو پیش کرتی اور اس کی ضامن ہیں۔ ایسا کیوں؟ اس رمز کو سمجھانے اور سمجھنے کے لیے بھی ضروری ہے کہ وہاں کے سماجی حالات کو جانا جائے. اور ان تاریخی اور جغرافیائی حالات سے واقفیت لازمی جن کے تحت سماج پرورش پاتا ہے. ادب سوسائٹی کا ایک حصہ، بلکہ اس کا آئینہ دار ہے. وہ من وعن وہی تصویر پیش کریگا جو حقیقتاً ہوگی۔ اور ظاہر ہے فارسی ادب بھی کوئی آسمانی اور فضائی چیز نہیں بلکہ اپنے دور کا غماز ہے.

سعدی، حافظ اور رومی کے کلام کا مطالعہ حملۂ منگول کے پس منظر میں کیجیے آشوب کیوجہ سمجھ میں آ جائیگی۔ تیر و کمان کا

استعمال لطف کے ساتھ ساتھ معنی و مفہوم کا جامہ پہن لے گا۔

قصیدہ میں جھوٹا تملق، غزل میں بناوٹی عشق، حدوں کو پھلانگتا مبالغہ، صناعت ادبی کی بہتات وہ چیزیں ہیں جن سے ایک بوجھل پن کا احساس ہوتا ہے۔ لیکن قصیدہ کی صنف ادب کو تاریخی پس منظر میں بھی دیکھا جائے تو نہ صرف اس کا حسن اور معنویت دوبالا ہو جاتی ہے بلکہ بوجھل پن کے بادل بھی چھٹ جاتے ہیں بعض قصاید، غزلیں، مثنوی وغیرہ اصناف سخن اپنے دور کے شاہد عینی ہوتے ہیں اور ان کی حیثیت تاریخی دستاویز کی سی ہوتی ہے۔ مثلاً انوری سومنات پر حملے کے وقت محمود غزنوی کے ساتھ تھا۔ فتح کے ضمن میں لکھا وہ قصیدہ تاریخ کا ایک بے داغ آئینہ ہے:

به ترکستان اگر بگذری ای باد سحر
نامهٔ اهل خراسان به بر خاقان بر

بغداد پر حملے کے وقت سعدی کا مشہور مرثیہ:
آسمان را حق بود گر خون ببارد بر زمین
بر زوال ملک مستعصم امیرالمومنین

زبان و ادب کی حلاوتوں اور انسان کی درندہ صفتی سے دل کو ہلانے کے ساتھ ساتھ تاریخ کا زبردست عکاس بھی ہے۔

طوطیٔ ہند، امیر خسرو نے کتنی بادشاہوں کے دور دیکھے۔ ان کی مثنویات کو خاص طور پر تاریخی سیر کا نام دیا جا سکتا ہے۔

بات ذرا سوچنے کی ہے۔ فارسی ادب کا محبوب ہمیشہ بے وفا،

ستم گر اور غارت گر دین و ایمان رہا ہے۔ فکر کا یہ میلان بلا سبب تو نہیں ظاہر ہے اس کی وجوہات ہیں۔ اگر اس طرح کے باریک نکتوں کو ذہن میں نہیں رکھیں گے اور ان کی مکمل وضاحت نہیں کریں گے تو یقیناً "دست و پا شکستہ تحقیق و تدریس میکنیم۔"

کسی بھی تخلیقی کاوش کو پڑھاتے وقت تین نکتوں کو ملحوظ خاطر رکھیں تو بہتر ہے:

ایک تو خود تخلیق، دوسرے وہ سماجی تاریخی پس منظر جس میں وہ تخلیق وجود میں آئی، تیسرے خود خالق کی اپنی شخصیت جس کا تانابانا اس کے ماحول نے بنا ہوتا ہے۔ ان میں سے کسی ایک نکتہ کو نظر انداز کر دیا جائے تو تخلیق کا مجموعی تاثر دوسروں تک پہنچانے میں ناکامی رہے گی۔

مثلاً دو شاعر جو ایک ہی ملک اور ایک ہی سماج کی پیداوار ہیں ان کے یہاں یکسانیت کے بجائے تنوع ملے گا جبکہ ان کا ماحول ایک ہے اگر ہم صرف اتنا کہہ کر خاموش ہو جائیں کہ شاعر نے اپنے دور کے مطابق انداز اختیار کیا تو سوال یہ اٹھتا ہے کہ جب دونوں شعراء کا سماجی اور تاریخی پس منظر ایک ہے تو پھر ان کی تخلیقات میں مناسبت کے بجائے تضاد کیوں؟ ایک کے یہاں خوشی کے جذبات پائے جاتے ہیں تو دوسرا غم کا اظہار کرتا ہے اور تیسرا حافظ کی مانند اپنے ہی میں مست رہنے کی دعوت دیتا ہے۔ اس کیوں کا جواب دینے اور ذہنی گتھی کو سلجھانے کے لیے ضروری ہے کہ ان شخصیات سے ذاتی طور پر بھی متعارف کرایا جائے جن کی تخلیقات زیر مطالعہ ہیں یا پڑھائی جارہی ہیں۔ کیونکہ انسان اپنی اپنی افتاد طبع کے

لحاظ ہی سے سماجی حالات اور تاریخی حادثات کا اثر قبول کرتا ہے۔ اور پھر ان ہی تاثرات کو اپنے رویہ اور انفرادی اسلوب نگارش کے ساتھ زبان کے خوشنما پیراہن میں تخلیق کا روپ دیتا ہے مثال کے طور پر ایک ہی موضوع سے وابستہ اردو کے تین ہلکے پھلکے شعر ملاحظہ ہوں:

سرہانے میر کے آہستہ بولو
ابھی ٹک روتے روتے سو گیا ہے

سودا کی جو بالیں پہ گیا شور قیامت
خدام ادب بولے ابھی آنکھ لگی ہے

بلبلو غل نہ کرو نور جہاں سوتی ہیں
تم تو اڑ جاتی ہو وہ ہم پہ خفا ہوتی ہیں

یا جیسے اردو کے مشہور و معروف مرثیہ گو شعراء میر انیس اور مرزا دبیر ایک ہی دبستان فکر کے پروردہ ہیں۔ مگر زبان و بیان میں از زمین تا آسمان فرق نظر آتا ہے۔ ایک بے ساختگی اور سادگیٔ بیان کا دلدادہ تو دوسرا صنّاعی اور مضمون آفرینی کا شائق۔ زمانہ اور ماحول ایک سہی مگر مزاج کا فرق تو اپنا رنگ چھوڑتا ہے۔ ملاحظہ ہو: میر انیس بے ساختہ اور سادہ انداز میں کربلا کے روح فرسا تاثر کو یوں بیان کر جاتے ہیں:

حسرت تو یہ ہے خواب میں رویا کرتے

اس ہی واقعۂ کربلا کے شدید اثر کو مرزا دبیر سبک ھندی کے پیچیدہ رنگ میں پیش کرتے ہیں:

رویا میں بھی حسین کو رویا ہی کرتے ہیں

مصرع میں دو جگہ کلمۂ رویا کا استعمال ہے۔ جس میں اوّل

«رویا» خواب کے معنوں میں استعمال ہوا ہے۔ اور دوسرا عام رونے دھونے کا مفہوم رکھتا ہے۔

جب ان سب باریکیوں کی وضاحت کا صحیح حق ادا کیا جائیگا تب اس سوال کا جواب دے سکیں گے کہ آخر ایک ہی دور کی تخلیق میں اتنا تضاد اور انداز بیان مختلف کیوں ہے۔

زبان درس و تدریس کے طریقۂ کار سے متعلق بھی مختلف اوقات میں مختلف ہی مسائل سامنے آتے ہیں اور ان کے حل کا کوئی قاعدۂ کلیہ حتمی طور پر نہیں بنایا جا سکتا۔ وہاں بھی ماحول، استعداد اور تعلیمی پس منظر کو ذہن میں رکھنا ہوتا ہے۔ مثال کے طور پر ڈاکٹر منوچھر ستودہ کے قول کے مطابق کہ جب ایکبار تدریس کے دوران انہوں نے یہ محسوس کیا کہ غیر ایرانی طلباء فارسی زبان کو اچھی طرح نہیں سیکھ پا رہے ہیں اور جب وہ اس کو استعمال کرتے ہیں تو زبان کے فقہ کے مطابق وہ جملہ درست نہیں ہوتا تو انہوں نے غیر ایرانیوں کے لیے شب کی کلاس کا آغاز کیا اور وہی نیا طریقہ اپنایا جو زبان کے سکھانے کے لیے ابتدائی مراحل میں کام آتا ہے۔ لیکن تھوڑے ہی عرصہ کے تجربے کے بعد ان کو احساس ہوا کہ یہ طریق کار غلط ہے اور سودمند ثابت نہیں ہو رہا تو انہوں نے کوشش و محنت کے ساتھ دیدہ ریزی کر کے "فارسی برای انگلیسی زبانان" نام کی کتاب دو جلدوں میں تصنیف کی۔ یہاں تک قضیہ درست، اساتذہ مسائل کا حل اس ہی اخلاص کے ساتھ نکالا کرتے ہیں۔ مگر دلچسپ بات یہ کہ وہ لکھتے ہیں میں نے کتاب کے اندر زبان سکھانے کے بنیادی اصول وہی وضع کیے جو قدیم میں رہے ہیں۔ نئے انداز درس کو اختیار نہیں کیا۔ ملاحظہ

کیجیے خود ان کی اپنی تحریر:

"کتاب بر اساس سیستم قدیم که خودمان تحقیق می کردیم نوشته شده است، نه بر طبق روش جدید که کلمه رابگوییم و آنگاه جرف رابشناسانیم. در حال این روش بسیار سودمند افتاد و دانشجویان بزودی توانستند فارسی را یاد بگیرند."

پس زبان و تحقیق کے سفر میں بنیادی اصولوں کو چھوڑ کر کسی ایک مخصوص راہ کا تعین نہیں کیا جا سکتا۔ ضرورت ایجاد کی ماں ہے۔ پانی اپنا راستہ خود نکال لیا کرتا ہے۔

لیکن زبان و ادب اور تحقیق کی ان نزاکتوں پر نظر رکھنے کے ساتھ ساتھ میرا اپنا خیال ہے کہ مخطوطات کی ترتیب و تدوین کے کام پر زیادہ توجہ دینی چاہیے۔ کیونکہ اگر ہم اس طرف سے لاپرواہی برتیں گے اور اس امر کی سنگینی پر غور کر کے اپنے ثقافتی تہذیبی اور تاریخی ورثہ کی حفاظت نہیں کریں گے تو وقت کا بے لگام طوفان اس کو ہم سے چھین لے گا۔ اور بقول شاعر:

نہ سمجھو گے تو مٹ جاؤ گے اے ہندوستان والو
تمہاری داستان تک بھی نہ ہو گی داستانوں میں

نوٹ: یہ مقالہ مولانا آزاد عربیک پرشین ریسرچ انسٹی ٹیوٹ، ٹونک (راجستھان) میں منعقدہ تحقیق کے مسائل سے متعلق پانچ روزہ سیمینار میں پڑھا گیا۔

*****

کتابهائیکه برای معرفی دریافت شد

اردو

۱- فارسی قصیده نگاری — نذیر احمد،
علی گڑھ مسلم یونیورسٹی علی گڑھ.

۲- علوم اسلامیه اور هندوستانی علما — محمد سالم قدوائی،
علی گڑھ مسلم یونیورسٹی علی گڑھ.

۳- ابوالکلام آزاد اور جدید هندوستان — سید اکبر علی ترمذی،
نورپبلشنگ هاؤس-فراشخانه دهلی

مجله ها

فارسی

۱- کِلك — ماهنامه — فرهنگی هنری تهران ایران،
شماره ۱۳، فروردین ۱۳۷۰

اردو

۱- ادب خیمه — ماهنامه — مدیر اعلی سخنور نجمی،
۴۳ مصطفی پارک-اوکاڑه

۲- الفاطمیه — ماهنامه — سکندر هاوس، ۱۰۳ سی نیو مسلم ٹاون،
لاهور- جلد ۲ شماره ۴، ۵

۳- الفجر	::	مدیر سلیمان رضوی، پوسٹ بکس ٢٤٨٤، کراچی نمبر ٧٤٦٠٠ جلد ۲ ، شماره ۱۲
٤- سب رس	::	اداره ادبیات اردو، حیدر آباد- جلد ٥٤ شماره ٥
٥- سبیل هدایت	::	بزم ندای مسلم پاکستان، لاهور- جلد ۱ شماره ۹
٦- طلوع افکار	ماهنامه	رضویه سوسائتی، کراچی- جلد ۲۲ شماره ۷
۷- هومیوپیتهی	::	هومیوپیتهی لیاقت رود راولپندی- جلد ۸ شماره ۸
۸- توحید	دوماهی	قم. ایران- جلد ۸ شماره ٥
۹- روداد	ماهنامه	۲۹۹، اپر مال لاهور- اردو سائنس بورد

پنجابی

۱- پنجابی ادب	سه ماهی	پاکستان پنجابی ادبی بورد لاهور- جلد ٥ شماره ۱۹

✧ ✧ ✧

Bibliographies

Afshar, Iraj

Ketabshenasi-ye Fihrest ha-ve Nuskheha-ye Farsi Bibliographies des cataglogues des manuscripts Persians, Par Iraj Afshar (publication de l'universite de Tehran, no 485), Tehran, 1958.

Pearson, J.D.

Index Islamicus, A Catalogue of articles on Islamic Subjects in periodicals and other collective publications Cambridge, London, W. Heffer and Mansell, 1958-

Pearson, J.D.

Oriental and Asian Bibliography: An Introduction with some reference to Africa. Bombay, India House, 1960.

Pearson J.D.

Oriental Manuscripts in Europe and North America: A Survey. Switzerland, Introdocumentation Company AG Zug Switzerland (1971).

Storey, C.A.

Persian Literature: a bio-bibliographical Survey, in three parts, translated into Russian and revised, with additions and corrections, by Yu. E. Bregel, edited by Yu. E. Borshchevsky, Mosco, Central Department of Literature, 1972.

Tasbihi, M.H.

Fihrist i Nuskhaha yi Khatti yi Kitabhanah yi Ganjbaksh - Markaz i Tahqiqat i Farsi yi Iran wa Pakistan. - Catalogue of the Manuscripts in the Ganjbaksh Library of Iran Pakistan Institute of Persian Studies, A.H.S. 1350/1971.

Part three: (Opisaniya otdel 'mukh rukopiscy): Contains the published MSS.

Part four: (publikatiz rukopiscy):

Includes lists of collections and catalogues that are reserved into parts of Russia.

Part five: (Katalogi spiski persidskikh rukopiscy prochkh Kra-nibshchv SSSR).

This part includes collections of MSS outside Russia.

Part six: (Spiski rukopiscy drugkh stran):

This final part consists of a supplement to the work of Iraj Afshar (Ketabshenasi-ye Fihrestha-ye Nuskhcha-ye Farsi/ Bibliographie des cataglogues des manuscripts Persians), and some references to Index Islamicus.

General Transliteration

ضـ		ض	d	ـ	ا	'
		ط	t	بـ	ب	b
		ظ	z	پـ	پ	p
عـ		ع	'	تـ	ت	t
غـ		غ	gh	ثـ	ث	th
فـ		ف	f	چـ	چ	ch
		ق	q	حـ	ح	h
كـ		ك	k	خـ	خ	kh
گـ		گ	g		د	d
لـ		ل	l		ذ	dh
نـ		ن	m		ر	r
نـ		ن	n		ز	z
		و	v.w		ژ	zh
ﻬ		هـ	h	سـ	س	s
يـ	ئـ	ى	i ore	شـ	ش	sh
يـ	ئـ	ى	yi or yi	صـ	ص	s

8. General bibliographies.
9. Bibliographies of Parts of Asia
10. Select Bibliographies

Part III. Storehouses of the literature:

11. Libraries: Oriental libraries of the United Kingdom.
12. American libraries.
13. Oriental libraries in U.S.S.R.
14. Rest of Europe: France, Germany; other countries.
15. Asia:

    Middle East, Tukey; Israel, India, Pakistan, Burma, Ceylon, Far East, Library Associations in Asia.

16. Special problems affecting Oriental libraries:
    a. Acquisition of books.
    b. Processing.
    c. names.
    d. Recruiting of staff.

Appendix A: Booksellers in Asia.

Appexdix B: List of works refered to in the text.

Akimushkin and Borschevsky (AB) are both Russians their experience and work are mainly based on Persian manuscripts. Their ultimate aim is to produce an international work on Persian manuscripts. The work that they have produced is the first part of their final effort. This is divided into the following sequences:

Part one (Obschhie ralotui)

General work and descriptions of the scope of the work and their plan for future activities, also useful information and description of collections and catalogues (Opisonie kollectziy: Katalogi) in chronological order. This dates from 1817 to 1962. Each item has an annotation, giving the number of the annotated manuscripts, and various other pieces of information which can be useful for any Orientalist. This part has been translated into Persian by Karim Keshavarz, and was published in Nuskheha-ye Khatti 3 (1964).

Part two: Gives a description of manuscripts reserved in the Institute of peoples of Asia.

Department of Oriental Literature, 1972.

This work consists of the following materials:

part I. Quranic Literature, general history, the prophet and early Islam.

part II. Special history of Persia, Kurdish, Central Asia, Afghanistan, Turkey, Caucasia, Arab States, Europe, America, China and Japan.

part III. Addenda, Indexes.

Afshar, Iraj.

Ketabshenasi-ye Fihrest Ha-ye Nuskheha-ye Farsi Bibliogrphiedes catalogues des manuscripts Persians, par Iraj Afshar (Publication de l'university de Tehran, no 485), Tehran, 1958.

This work is a catalogue of 222 published catalogues of Persian MSS. in 17 countries. The author has made a brief annotation for most of them, so that the author himself may have examined them.

Pearson, J.D.

Oriental and Asia Bibliography: An introduction with some refrence to Africa. Bombay, India House, 1960.

This is very useful work for orientalists, and librarians. It is a good tool for understanding the collections of orientallist libraries, and also to know the problems that other libraries in Asia or in any other parts of the world may have. The book is divided into three parts, sixteen divisions, preface, an introduction, two appendices, and an alphabetical index for the whole of the work.

Part I. Producers of the Literature:

1. Oriental, Asian and African Studies: their scope and range.
2. History of oriental studies.
3. Recent development in Oriental studies in the United Kingdom.
4. Organization interested in the Oriental and African Studies.

Part II. The Literature and its controls:

5. Manuscripts.
6. Refrence books.
7. Periodicals.

The inception of writing this scholarly book is based upon the Seminar on National Libraries in Asia, which was held in Manila, during the month of February, 1964, and upon the assistance of IFLA. The work is in two parts: The first part is an introduction which is arranged according to the names of European and North American Countries, while the second part is set out according to both the languages and the names of the above-mentioned countries.

Storey, C.A.

Persian Literature: a bio-bibliography survey. London, Luzac (and) the Royal Asiatic Society of Great Britain and Iceland, 1927.

Although this scholarly work is very useful for all orientalists, unfortunately it could not be finished till the end of 1967 which was the year of the author's death. After his death, Professor J.D. Pearson continued the work and the medical part was published in 1971, three years after the death of Storey. The work still in progress.

Storey, C.A.

Persian Literature: a bio-bibliographical survey in three parts, translation into Russian add revised, with additions and corrections, by Yu. E. Bregel, edited by Yu. E. Borshchevsky, Mosco, Central

Yusuf Shirazi

20. S. Ouktaki.
21. Sh. Abdul Husain ibn al-Saheb Javaher.
22. M.A. Tarbiyat.
23. Etesam al-Mulk Yusuf ibn Ebrahim Etesami Ashteyani.
24. Ahmad Monzavi

Some Most Outstanding Works on Persian MSS.

Among the different catalogues, list, hand-lists and research works that have been produced about Persian manuscripts up to now, I note below some of the most outstanding works for orientals, and those who are working or about to work on Persian manuscripts. They are:

Pearson, J.D.

Index Islamicus: A catalogue of articles on Islamic subjects in periodicals and other collective publications, Cambridge, London, W. Heffer and Mansell, 1958-

Note: They are in one volume and three supplements up to 1970; these supplements are as the following:

1st supplement: 1956-60 (xxxvi, 897 pp.)
2nd supplement: 1961-65 (xxx, 342 pp.)
3rd supplement 1966-70 (xxxvi, 384 pp.)
and the work still in progress.

Pearson, J.D.

Oriental manuscripts in Europe and North America: A survey, Switzerland (1971).

The above treatise is divided into eighteen parts as the following:

1. Preface in English ....5pp.
2. Preface in French ....5pp.
3. Introduction .... 67pp.

Denmark: 1. A.F. Mehran.
Czechoslavakia:
1. Rodolf Vesely.
Spain: . Dominguez Bardona.
Italy: Gabrieli.
Ireland: i I.A.J. Arberry.
2. M. Minovi (an Iranian Scholar)
3. J.V.S. Wilkinson.
4. B.M. Robinson.
Germany: 1. Wilhelm Eilers.
2. Wilhelm Heinz
3. Wilhelm Pertsch.
Austria: 1. Gustav Flugel.
2. Albrechit Kroff.
Iran: 1. M.T. Danesh Pazhou.
2. Abdulah Anvar.
3. Iraj Afshar.
4. Ali Naghi Monzavi.
5. Abdol Husain Hayeri.
6. Sa id Nafisi
7. M. Baqir Hujjat.
8. S. Yunesi.
9. Kazem Modir Shanch Chi.
10. Abdulah Nurani.
11. Tarqi Binesh.
12. M.A. Ruzati.
13. Fakhri Rastgar.
14. H. Qazi Tabataba i.
15. Dr. M. H. Tasbihi.
16. J. Sultan al-Ghorai (in Tabriz).
17. M. Nakhjovani.
18. Hasan Rah Avard.
19. Sh. Zial Din Hadayeq ibn

Some of the well-known British and American scholars and librarians who have spent their lives in researching on Oriental manuscripts and Persian language and literature are:

1. Charles Riew.
2. G.M. Meredith.
3. Ed. Sachau.
4. Hermann Ethe.
5. A.F.L. Beeston.
6. Edward G. Browne.
7. Edward Edwards.
8. Alexander Smith Cochran.
9. E. Denison Ross.
10. A.V. William Jackson.
11. Abraham Yuhannan.
12. J.D. Pearson.
13. C.A. Storey.
14. A.J. Arberry.

In Russia three scholars are very famous. They are:

1. Yu. E. Borshchevsky.
2. O.F. Akimushkin.
3. Y.E. Bregel.

There are some others also, who work in one of the Russian Academies, or with one of the above mentioned scholars. A few of them are:

1. B.A. Rozenful 'd.
2. V.V. Kushen.
3. N.D. Miklenkho - Makloy.
4. A.M. Muginon.
5. M.A. Salakh ddinnova.

Other Scholars who are working on Persian manuscripts at present or have done so before are:

France: 1. Blochet.
2. Dr. Barthelemy C Sille.

Finland: 1. Jussi Ara.

loured and ornamental manuscripts. For the last thirty years or so, the Ministry of Culture and Guidance, and the Central Library of the University of Tehran, tried hard to buy and catalogue manuscripts. But famous libraries of Europe and America realized the value of manuscripts much sooner than Persians; and because of their social and economic conditions, in the last five hundred years, they could collect, arrange and catalogue thousand of manuscripts received from oriental countries. According to Professor J.D. Pearson, writing in his scholarly work: *Oriental Manuscripts in Europe and North America, 1971*, all the manuscripts are written in forty-five languages. Except for those that have been reserved in the large Asian, European and American libraries, many others are still scattered, here and there, in the libraries or private collections of learned people.

Persian manuscripts like other oriental manuscripts have similar values and problems for both libraries and scholars. It is difficult to separate the real Persian manuscripts from many other Islamic ones: At present, the official language of Persians is Farsi which comes from the Indo-European Language family. Before Islam, it was the same Persian Language but the device of writing was Pahlavi. In the Arabic period, which lasted about 200 years, the Arabic Language became very popular. In the Mongol period, the Mongolian Language, which was similar to Turkish, affected some parts of Persia. So it is quite clear that Persian manuscripts can be found in Farsi, Turkish, Arabic, Pahlavi, Baluchi, Kurdish (which is a branch of Farsi), and even Caucasian and Azarbaijan. The research student or the ardent scholar does not know which is which. Cataloguing and classification of Persian manuscripts is counted to be the most difficult task for scholars and librarians. Fortunately in Iran and in Western countries and in Ganjbakhsh Library in Islamabad of Pakistan most of them have been catalogued and published, and are preserved in the best conditions. Scholars from all over the World as well as librarians can refer to the catalogues which are usually available in the libraries, and ask for a photocopy or microfilm from the original library in Iran, Pakistan, USA, UK, etc., which holds the manuscripts.

BY: Dr. Ghulam Husain Tasbihi

Persian Manuscripts

Abstract

Persian Manuscripts are as old as Persian Carpets and Persian Alphabets and writings. Manuscripts and Persian Carpets are varied: Some of them are more valued than others, and more beautiful than other Manuscripts and Carpets. Manuscripts are full of information concerning everything from Earth to Heaven, from mathematics and philosophy to science and technology. Manuscripts are good resources to give information about history, geography and everything that we had in the past. Many scholars all around the world are working on them to discover the things that are interesting for the scholars and the World.

Manuscripts are the main sources of information about the language, history, geography, literature and social states of a nation. Through manuscripts one can investigate the conditions of communities who lived in different regions of a country. Though printing machines and movable leaden types helped much to increase the number of readers, the value of manuscripts did not decrease. In Persia, manuscripts were produced right up to the beginning of the twentieth century. But today, except for a few librarians and scholars, ordinary readers can not understand the ornamental writings of their predecessors, which are now so valuable in western learned societies. In Persia, in addition to the bookshops were manuscripts may be freely bought, there are other shops where people can sell or buy the co-

While Hafiz is humming at the beautiful sight presented by the blooming "Mosalla " at the bank of the "Ruknabad".

بده ساقی می باقی که درجنت نخواهی یافت

کـنـار آب رکـنابـاد و گـل گشت مصلی را

*****

brings before our eyes the dreadful sack of Bagdad by the tyrant Mongols.

Another qasida of Saadi سحرگاه بهار beginning with the following lines:

بامدادی که تفاوت بکند لیل ونهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

Contains the freshness of spring, the coolness of breeze, the pleasantness of garden, laden with fruits and blossoming with flowers. He concludes this qasida with the devotion of a sincere slave to his sustainer:

پاك وبی عیب خدائی که به تقدیر عزیز
ماه وخورشید مسخرکند ولیل ونهار
نعمتت بارخدایا! زعدد بیرون است
شکر انعام تو هرگز نکنند شکر گزار
سعدیا راست روان گوی سعادت بردند
راستی کن که بمنزل نرود کج رفتار

Saadi and Hafiz, both the products of Shiraz, "the poetical capital of Persia", in their specific style pay glowing tribute to their home town Shiraz where they lie in their eternal sleep. Saadi sings like a nightingale in ecstacies:

خاك شیراز همیشه گل خوشبوی دهد
لاجرم بلبل خوشبوی دیگر باز آمد

dom. The Persian language is one of them gifted with such proverbs. There might have been several factors in the making of the Persian proverbs. But the contribution of Saadi and Hafiz in coining Persian proverbs outweighs all other factors. A large number of lines, from the literary works of Saadi and Hafiz, are being quoted [illegible] proverbs. They produce a miraculous effect when quoted appropriately. They appealed to the finer sense of mankind and honestly conveyed the truth, It was for this reason our fore-fathers bequeathed them to us, and they, in turn, filled the coffers of Persian literature. The following lines of Saadi and Hafiz have stood the test of time and are quoted even today as proverbs:

نابرده رنج گنج میسر نمیشود

براحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید

سعدیا شیرازیا پندی مده کم ذات را

کم ذات گر عاقل شود گردن زند استادرا

رموز مملکت خویش خسروان دانند

In the realm of "qasida" Saadi has proved himself to be superior to Hafiz. Hafiz was not a person to be dazzled by the wordly possession of the rulers and the rich, as such he never composed qasida in their praise. On the other hand, Saadi, for reasons best known to him, has composed qasida in their praise, But this does not dwarf the personality of Saadi before Hafiz. The qasidas of Saadi, due to his command over the language and beauty of composition, are still alive and fresh. The touching qasida of Saadi beginning with the following lines:

آسمان راحق بود گرخون ببارد برزمین

برزوال ملک مستعصم امیر المومنین

گـــدارا کـــنـــد یـــك درم سیـــم سیـــر
فـــریـــدون بملـــك عـــجـــم نـــیم سـیـــر

or

آنـــــانـــــکه غـــنـــی تـــراند محتاج تراند

Khwaja Hafiz did not lag behind in conveying the same idea, but in a more subtle way:

شکوه تاج سلطانی که بیم جان درآن درج است
کلاهی دلکش است امابه ترك سـر نمی ارزد

Saadi and Hafiz in the under-mentioned couplets are so identical that it becomes difficult to suggest which is finer than the other.

Saadi:

ای بـلـبـل اگر نالـی من بـاتـــوهم آوازم
تو مـهر گلـی داری مـن عـشق گل اندامی

Hafiz:

بنال بلبل اگر بامـنـت سـریاری اسـت
کـه مادو عاشق زاریم و کار مـازاریست

In general one may say, the proverbs are the concentrated form of wisdom, but in particulars they exhibit the richness of language and the lofty, sagacious and the bright ideas and culture of the nation. There are a few languages in the world whose proverbs are replete with wit and humour, feelings and sentiments and words of wis-

Though both the couplets have similar thought and theme, yet the style and force in the couplet of Hafiz stand out and have an edge on Saadi. As such, it is not surprising to find that the couplet of Hafiz is popular and frequently quoted in the modern Persian Language.

When the couplet of Saadi:

یارب تو آشنارا مهلت ده وسلامت
چندانکه باز بیند دیدار آشنا را

is recited before a lover of Persian Literature, he hears it but is not emotionally aroused. This couplet of Saadi does not stimulate his aesthetic sense to visualize the beauty which the poet beholds. Hafiz the admirer of Eternal Beauty renders the idea in the style and form, which only Hafiz the unimitable Hafiz, could produce:

کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز
باشد که بازبینم آن یار آشنا را

His thoughts and words transport the reader to a world of vision where he is confronted with truth and reality the Eternal Beauty.

The abundance of wealth in people occupying the upper strata of Society and the burden of responsibility on those at the helm of affairs, have always been held by Literatures as the things which rob one of mental peace. Shakespeare in the 17th Century put it in the following Lines:

"Uneasy lies the head that wears a crown"

The East had realized it long before the West. Saadi in the 13th, Century expressed it in his poems as well as in his prose work:

haughty beloved, he retorts back in his typical sarcastic manner:

بدم گفتی و خرسندم عفاك الله نكو گفتی
جواب تلخ می زیبدلب لعل شكر خارا

Saadi explained the philosophy of relativity in simple words:

از ورطۀ ما خبر ندارد
آسوده که بر کنار دریاست

This simple statement of facts does not produce the desired effects. Hafiz expresses the same thought but in his typical sarcastic manner;

شب تاریك وبیم موج و گردابی چنین هائل
کجادانند حال ماسبك باران ساحلها

Saadi and Hafiz, both fondly remember the happy times they passed in the company of their beloveds. Saadi says:

بی حاصل است یارا اوقات زندگانی
الاّدمی که یاری باهم دمی برآرند

While Hafiz says:

اوقات خوش آن بود که بادوست بسرشد
باقی همه بی حاصلی وبی خبری بود

other forms of poetry but they were little known to the world. Mostly the ghazal of Hafiz found popularity among the masses. To quote E.G. Browne "(Saadi's) odes enjoy a popularity second only to those of his fellow townsman Hafiz". The Diwan of Hafiz is also used in a spiritual sense to predict the future and interpret the present. People frequently take augeries from the Diwan of Hafiz and not from the Kulliyat of Saadi. This is where Hafiz has an edge on Saadi.

No student of literature can ignore the fact that ghazals owe much to Saadi. At the same time, he cannot deny that ghazals owe more to Hafiz than Saadi. Hafiz himself has very clearly expressed his opinion in his following couplet:

استاد غزل سعدی است نزدهمه کس اما

دارد سخن حافظ طرز سخن خواجو

One can now see eye to eye with great scholar like Shibli, Hali and Aslam Jairaj Puri, who believed that Saadi had laid the foundation of ghazal and Hafiz brought it to perfection. Such a view establishes Saadi as the founder, originator and the architect of ghazal, while Hafiz as the person who perfected and polished ghazal to achieve the luminosity and lustre which is undoubtedly present in the ghazals of Hafiz.

The student of Persian literature will find it interesting to study some specimen of Saadi and Hafiz in the light of subtlety of style and elevation of thought:

Saadi, when he meets his beloved, meekly hears the scoldings from her. He submissively puts up with her harsh word which he frankly admits:

بدم گفتی و خرسندم عفاك الله نکو گفتی

سگم خواندی و خوشنودم جزاك الله کرم کردی

When Hafiz in a similar situation, encounters with such a

Syed Akhtar Hussain
New Delhi.

A COMPARATIVE STUDY OF SAADI AND HAFIZ

Among the most renowned poets of Iran, Saadi and Hafiz stand out as the most conspicuous. They meet quite often on the common grounds of lyricism, yet they are different from each other. It is true that both Saadi and Hafiz belonged to Shiraz, but they lived in two different times, differenec of a century rather. Saadi was born in the 12th Century and Hafiz in the 14th. The similarity we find in Saadi and Hafiz is due to the proximity to time and both happened to hail from the same place - Shiraz.

Saadi is undoubtedly popular as a poet, but he is more popular for his prose work, the celebrated Gulistan. Mostly, the image of Saadi is portrayed as a prose writer of the 13th Century, whose writings mark simplicity and ethical values. In the Persian knowing world, the Diwan of Hafiz enjoys the same popularity what the Gulistan of Saadi has. Therefore, it is not judicious to compare and contrast the prose of Saadi that is the Gulistan with the lyrical work of Hafiz, that is the Diwan-e-Hafiz. Nevertheless, it is very interesting to study Saadi and Hafiz as poets, dominating over the literary scene of the Persian world from their time to the present day.

Saadi did not compose a specific genre of verse. Ghazal, qasida, qita and rubai etc. oozed out from his pen. He could find several channels to express his thoughts and did not rely on any particular form of versification. Apart from ghazals; Hafiz had also composed

QUARTERLY JOURNAL

of the
Office of the Cultural Counsellor
Islamic Republic of Iran
Islamabad

SUMMER, 1991
(Sl. No. 26)

A collection of research articles
with background of Persian Language
and literature and common cultural heritage
of Iran, Afghanistan and Indo-Pak Subcontinent